ShivaDoc.com

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
۱۴

بازدید شد
۱۳۸۷

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

کتاب

مؤلف

مترجم

شمارهٔ قفسه

جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب
۸۹۸۷۲

۱۰۶۶۴

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۴۳۷۴

۸۹۸۷۲
ثبت

بهر نیت قریب الاجابه

نقش کند و دایم در و مینکرد از خلق مستغنی کردد و بنا این اسما را
در مربع پنج در پنج تا اکر این لوح را با خود دارند بهر نیت که
باشد قریب الاجابه خواهد بود و قاری و دارنده خواص بسیار
خواهند دید و شرح آن درین مختصر نیاید و اکر دعوت این
اسما خواهد کرد بعدد اضلاع مربع خواند که قریب الاجابه است
دارنده و قاری این مربع اکر بیای ندا خواند خواص زیادت
بیند و اکر در شب خواند زود باجابت رسد و در غنا زود
تر اثر دهد و مرادت بحصول و بوصول کردد **الضّارّ**

یاکافی	یاغنی	یامغنی	یافتاح	یارزاق
یافتاح	یارزاق	یاکافی	یاغنی	یامغنی
یاغنی	یامغنی	یافتاح	یارزاق	یاکافی
یارزاق	یاکافی	یاغنی	یامغنی	یافتاح
یامغنی	یافتاح	یارزاق	یاکافی	یاغنی

در قهر دشمنان
مداومت نماید دفع
کرداند البتّه
هر که در شبهای
جمعه بسیار کوید
توانکر کردد و نفع بسیار یابد و اکر شش عدد تکسیر در مربع
درج کند و با خود دارد سبب توانکریست و اکر تواند در شب
جمعه شش عدد تکسیر تکرار کند توانکر کردد و شرایط آنست
که روز شنبه ابتدا کند و هر روز یکعدد تکسیر بخواند که عدد

نود بیست و شش عدد تکسیر که شب جمعه خواهد خوانده ... اما باید
که دایم ورد کند و اکر تواند هر شب جمعه باین ورد قیام نماید که زود
اجابت شود دارنده این مربّع از خلق مستغنی کردد و فتوح دایم
رسدش و توانکر کردد و دایم الاوقات مفرح الاحوال بود و مقاصد
او بحصول موصول کردد **النّور** هر که بعدد کبیر بخواند دل او

١٧٣٢	١٧٤٦	١٧٤٣	١٧٣٩
١٧٤٤	١٧٣٨	١٧٣٣	١٧٤٥
١٧٣٧	١٧٤١	١٧٤٨	١٧٣٤
١٧٤٧	١٧٣٥	١٧٣٦	١٧٤٢

نورانی کردد هر که این سه اسم را
البدیع النّور القابض هر روز
صد بار بخواند دو تقرب سلاطین
خاصیت تمام بیند و در خلاصی
محبوسان و کسانی که حکم بر قتل ایشان کرده باشند بدین اسما
مداومت نمایند نجات یافته بمرتبه عالی رسند **الهادی** هر که شب
روی در آسمان کند و انقدر که تواند بکوید حق تعالی راه نمائی
فرستد تا مقاصد او را راه نمونی کند و مراد او بر آید هر که راه راست
خواهد بدین نوع مداومت نماید یا هادی المضلّین **البدیع** هر که
در دشواری افتد این مربّع را با خود دارد و در شبها روی در
آسمان کرده بسیار خواند حضرت بدیع او را در هیچ دشواری نکذارد
و کارهای مشکل او آسان شود و طلسمات مشکل و کارهای بسته او

بکشاید

بکشاید **الباقی** هر که این نام ورد کند از هول قیامت نجاة

یابدیع	السّموات	والارض	یاباقی
یاباقی	والارض	السّموات	یابدیع
السّموات	یابدیع	یاباقی	والارض
والارض	یاباقی	یابدیع	السّموات

یابد و بهشت عنبر
سرشت رسد هر که هر
شب جمعه هزار بار تکرار
نماید و صلوات بسیار
فرستد مستجاب الدعوه
کردد و هر که با خود دارد بطاعت حریص کردد **الوارث** هر که
روزی صد بار ورد کند هیچ وحشت بر وی راه نیابد و از هیچ چیز
نترسد نه در حیات و نه در ممات و اکر در وقت خواب بسیار کوید
و در آخر بکوید ربّ لاتذرنی فردا و انت خیر الوارثین در قبر
او را تنها نکذارند و از ایشان علم لدنی بهره مند شود **الرّشید** هر که
از عاقبت کار ترسد بعد از نماز شام هزار بار ورد کند خدای تعالی
او را براه راست آرد و در امور دنیا پریشان نکردد **الصّمد** هر که

صب ٢٩٨٩	شر ٣٠٠٣	س ٣٠٠٠	دد ٢٩٩٦
٣٠٠١	٢٩٩٥	٢٩٩٠	٣٠٠٢
٢٩٩٤	٢٩٩٨	٣٠٠٥	٢٩٩١
٣٠٠٤	٢٩٩٢	٢٩٩٣	٢٩٩٩

مداومت نماید حضرت عزّت
او را بلیّه صبر کرامت کند و اکر این
دو اسم در مربع وضع کند و با خود
دارد صبور کردد و از بلاهای

آخر الزمان سالم ماند **لوح اسم دال** شرح مخمس که در اول هر
اسم دال است دارنده ایمن بود از وهم دزد و غرق دریا و صاعقه
و خطا شدن از اسب و شر ددان و موخیان و از جمله بیماریها ایمن
کردد و دعوت این اسم مناسب کسانیست که از سلاطین متوهم باشند
و از خلایق ترسند در خوشی حالی زهره بدین منوال در مخمس
درج کند و باخود دارد در جاه و منصب بمرتبه عالی رسد و از
خلق مستغنی کردد و اکر ورد کند و دایم خواند از عزل دولت
سالم و سلامت باشد اکر بیای ند لخواند بهتر دارنده این لوح را
تو ابع زهره مطیع و مقید او کردند و از مکر مکاران و حسد حاسدان
و غمازان سالم باشد و دایم الاوقات خوش وقت و خندان
بود و فتوح بسیار بیند **لوح اسم عین** شرح ششش اسم

دیان	دلیل	دایم	داعی	دافع
داعی	دافع	دیان	دلیل	دایم
دلیل	دایم	داعی	دافع	دیان
دافع	دیان	دلیل	دایم	داعی
دایم	داعی	دافع	دیان	دلیل

که اول او از عین است در مسدس وضع کند چنانکه نموده شد و باخود دارد عزیز و مکرم و عظیم قدر و عالی همت و دلیر کردد

واکر هر روز جمعه ۶۴ نوبت بخواند اکر نتواند ۱۰ بار بخواند
او را بود دل خاشع و زبان ذاکر و مقبول دلها کردد و در نظر
سلاطین و امرا با حرمت باشد و هر کاه که شروع کند کار او براید
و اکر کسی از دولت معزول کشته باشد این لوح در نقره نقش
کند در شرف آفتاب یا مشتری بود باخود دارد خواص کلی بیند

بدیع	عزیز	علیم	عظیم	عدل	عفو
عزیز	عفو	علی	علیم	عظیم	عدل
عفو	عدل	عظیم	علی	علیم	عزیز
علیم	علی	عزیز	عدل	عفو	عظیم
عظیم	علیم	عدل	عفو	عزیز	علی
عدل	عظیم	عفو	عزیز	علی	علیم

این مهر را عزیز کرده اند در هر محل که کشیده اند و اسطه از مری و جه دنیای دید

واکر در ساعت سعد کشیده اند دنیایی کلی رسید اما راست

حی

٦	٢	٧
٤	٥	٨
٥	١٠	٣

برای فرزند

من کتاب سجنجل الارواح لشیخ سعد الدین الحموی بسم الله الرحمن الرحیم
آنچه جلاله سور قرانی است بدین تفصیل است سورة البقرة
الله بالله ۴ الله والله ایضا ۴ الله الخ مجموع دویست و هفتاد
و پنج ۲۷۵ الله و بالله و لله و والله مجموع من حیث الجموع فی سورة
البقرة سورة آل عمران یك اللهم ۱۹۹ جلاله سورة النساء ۲۹
جلاله سورة المائدة ۱۴۶ جلاله و یك اللهم سورة الانعام
۸۳ جلاله و یك فلله سورة الاعراف ۵۷ جلاله سورة الانفال
۸۷ جلاله و یك اللهم سورة التوبة ۱۴۰ جلاله سورة یونس ۶۰ جلاله
و یك اللهم سورة هود ۳۸ جلاله سورة یوسف ۴۱ جلاله سورة
الرعد ۳۳ جلاله سورة ابرهیم ۷۳ جلاله سورة الحجر ۲ الله
سورة النحل ۸۴ جلاله سورة بنی اسرائیل ۱۰ جلاله سورة الکهف
۱۶ جلاله سورة مریم ۸ جلاله سورة موسی ۶ جلاله سورة الانبیاء
۶ جلاله سورة الحج ۷۵ جلاله سورة المؤمنون ۱۳ جلاله سورة النور
۷۶ جلاله سورة الفرقان ۸ جلاله سورة الشعرا ۱۱ جلاله سورة النمل
۲۶ جلاله سورة القصص ۱۲ جلاله سورة العنکبوت ۴۰ جلاله
سورة الروم ۳۲ جلاله سورة لقمان ۳۳ جلاله سورة السجدة یك
جلاله سورة الاحزاب ۹ سورة سبا ۸ جلاله سورة فاطر ۳

سورة یس ۳ جلاله سورة الصافات ۱۵ جلاله سورة ص
۳ جلاله سورة الزمر ۵۸ جلاله و یك اللهم سورة المؤمن ۵۳
جلاله سورة فصلت ۱۱ جلاله سورة عسق ۳۲ جلاله سورة
الزخرف ۳ جلاله سورة الدخان ۱ جلاله سورة الاحقاف ۲۷
جلاله سورة محمد ۲۸ جلاله سورة الفتح ۳۸ سورة الحجرات
سورة ق یك جلاله سورة الذاریات ۳ جلاله سورة الطور ۳
جلاله سورة النجم ۶ جلاله سورة القمر ندارد و سورة الرحمن والواقعه
ندارد سورة الحدید ۳۲ جلاله سورة المجادله ۴۰ جلاله سورة الحشر ۲۷
جلاله سورة الممتحنه ۲۰ جلاله سورة الصف ۱۶ جلاله سورة الجمعة ۱۱
جلاله سورة المنافقین ۱۴ سورة التغابن ۲۰ جلاله سورة الطلاق ۲۰
جلاله سورة التحریم ۱۳ جلاله سورة الملك ۳ جلاله سورة القلم
ندارد و الحاقه یك جلاله سورة المعارج یك جلاله سورة نوح ۷
جلاله سورة الجن ۱۰ جلاله سورة المزمل ۷ جلاله سورة
المدثر ۳ جلاله سورة القیمه ندارد سورة الدهر الاعلی ۵
جلاله سورة المرسلات ندارد و المعصرات سورة و النازعات
یك جلاله سورة عبس ندارد و سورة کورت و سورة انفطرت
و سورة المطففین ندارد سورة انشقت یك جلاله سورة البروج ۳

ShivaDoc.com

جلاله سورة الطارق ندارد سورة الاعلی یک جلاله سورة الغاشیه
یک جلاله سورة الفجر و سورة البلد ندارد سورة و الشمس ۳ جلاله
سورة و اللیل و الضحی و الم نشرح ندارد سورة و التین یک جلاله
سورة اقرأ یک جلاله سورة القدر ندارد سورة لم یکن ۳ جلاله
سورة اذا زلزلت تا سوره و العصر ندارد سورة الهمزه یک جلاله
سورة الفیل تا سورة الکافرون ندارد سورة النصر ۳ جلاله
سوره المسد ندارد سورة الاخلاص ۳ جلاله سورة الحمد
یک جلاله و جمیع جلالهای سورها بلا بسم الله است که جلالهای
آن حساب نکرده است و السلام فصل فی خواص الاعداد مثلثی
بکشد قطرش بسه قسم کند و خطها بکشد چنانچه هر سر خط
در نقطه آن مثلث قطع شود و باید که گوشه پایین این مثلث
برو بالا بود و گوشه بر دست راست و گوشه بر دست چپ قسمت
کند چنانکه گفتم و جمله نه خانه باشد پس از ضلع دست راست
خانه میانه عدد الف بنهد و ضلع زیرین خانه میانه بی بنهد
و زیر عدد الف عدد جیم بنهد و در ضلع دست چپ در خانه
میانه عدد دال بنهد و در خانه گوشه دست چپ در پهلوی
عدد بی عدد ها بنهد و در خانه گوشه مقابل عدد بی عدد واو

بنهد

بنهد عدد زی بنهد چنانکه الف از دست راست خانه بود و دال
از دست چپ و واو بالا بود و بی زیرین بود و در خانه گوشه
دست راست پهلوی بی حی بنویسد یعنی هشت و در خانه
زیر عدد دال عدد طا بنهد چنانکه طا بالا بود و بی از دست راست
و هی از دست چپ و این جیم در جیم مثلث تمام کند بغایت نیکو
چیزی مجربست در باب عداوت و تفریق و تسلیط حق تعالی
و تقدس مار اجمله مسلمانانرا از شر این صورت در حفظ و
امان خود نگاه دارد آمین فصل اگر حروف اسماء ملایکه جمله نورانی
باشد در آخر ان ایل اضافه کند و اگر ظلمانی باشد یا بعض بعض
بود در آخر آن واو نون اضافه کند که ون باشد و اگر حروفی
اسماء اعوان هم ظلمانی باشد در آخر آن ایقسم و ش اضافه
کند و اگر نورانی یا بعض بود در آخر آن یوش اضافه کند
و در جمله مواضع این دقیقه نگاه دارد و هر ملکی از ملائکه
که اسم ایشان از تکسیر بود و حروف اسم آن نورانی باشد
آن ملک رحمت و لطف بود و اگر حروف اسم آن ظلمانی بود
آن ملک عداوت و قهر بود ۵ در بیان دانستن وضع جفر بدانکه
جفر در لغت پوست بزغاله است و در اصطلاح علماء اهل حق دانستن

[illegible]

استخراج امور و احوال عالم و آدم است از جزویات دهر
بتدریج زمان و طاقت انسان و وضع در لغت نهادن بود و
در اصطلاح علماء اهل جفر عبارتست از ثبت ابجد هوز حطی کلمن
سعفص قرشت ثخذ ضظغ که ۲۸ حرفست که برای هر حرفی ۲۸
صفحه است و هر صفحه ۲۸ سطر است و هر سطری ۲۸ خانه و هر خانه
چهار حرف بر وجهی که چهار ابجد حاصل شود و مجموع صفحات
جفر هفتصد و هشتاد و چهار باشد پس بدانکه اقلیم گویند
یک حرف از حروف ابجد خواهند که مجموع ۲۸ اقلیم باشد و شهر
گویند و صفحه خواهند از صفحات یک اقلیم و محله گویند و یک
سطر خواهند از سطور یک صفحه و خانه گویند و یک خانه خواهند
از خانهای یک سطر و در خانه اولین جفر چهار الف باشد و در
خانه آخرین چهار غین و در ثبت کردن حروفات احتیاط تمام
باید کردن که غلط ثبت نشود و هر حرفی که نقطه داشته باشد بیاید
نهاد و بحضور دل
و توجه تمام در این امر
شروع کند در خلوت
تا تفرقه خاطر نشود

اااا	اااب	اااج	اااد	اااه	اااو	اااز
اااح	اااط	اااي	اااک	ااال	اااام	اااان
ااس	اااع	اااف	اااص	اااق	ااار	ااش
اات	ااث	اااخ	اااذ	ااض	اااظ	اااغ

و قاعده جفر جامع اینست

واکر

واگر اسمی از اسماء الله تعالی در جفر جامع بنویسد هر گاه که اسم
سه حرفی بود از اسم یک حرف اول را در اول چهار حرف ابجد
خانه اول بنویسد بترتیب و اگر اسم چهار حرفیست دو حرف در
اول خانه بنشته تمام کند و اگر حروف اسم پنج و شش باشد
سه حرف در اول خانه بنویسد و هر اسمی که مراد باشد مثل
اسم شخص طالب علی سه حرفیست محمد چهار حرفیست محمود پنج
حرفی مثال از هر سه نموده شود اسم علی ع اا ع اب ع اج ع
اد اسم محمد م ح اا م ح اب م ح اج م ح اد اسم محمود م ح
م اا م ح م اب م ح م اج م ح م اد و اگر خواهی آیه از آیهاء
قرآن در جفر جامع بنویسی می باید که آیه که ۲۸ حرفی باشد
که هر حرف را از اول خانه تا آخر سطر ۲۸ خانه در اول هر خانه
اضافه کرده تمام بکند مثال آیه کریمه فالله خیر حافظا و هو ارحم
الراحمین ۲۸ حرفیست باین وجه بنویسد ف اا ا اب ا
ح ل اد و ه اه خ او ی از ر اح ح الط ا ای ف ا
ک ظ ال ا ام و ان ه اس ر اع ا اف ل اص ح ا
ق م ار ا اش ل ات ر اث ا اخ ح اذ م اض ی
اظ ن اغ اینست سطر اول ۲۸ خانه جفر جامع شریف بعد

ShivaDoc.com

از این خانه دوم که خواهد بنویسد حرف دوم آیه کریمه که حرف الف
است در اول خانه دوم اضافه کرده بنویسید باین طریق که بطول
و عرض آیه کریمه نوشته باشد بترتیب و قس علی هذا هر مرادی
و هر مطلبی و هر مقصدی که خواهی مناسب مطلب هر آیه که بحرف یکی
باشد یا هر اسمی مناسب که مضمون مطلب باشد بوجه مشروع بنو
فلما اهتمام تمام و توجه کلی بکند تا غلط نباشد چه اگر یک حرف
غلط افتد یا کم گردد یا نقص باشد عبث زحمت کشیده باشد
نعوذ بالله تعالی و ایاکم من زمرة الغافلین والله اعلم در بیان
دانستن احوال و بیرون آوردن مقصود کلی و جزوی
از وضع جفر جامع بر نهج طریق مرتضوی علیه السلام مقدمه
آنچه در استخراج احوال مهم است قاعده اینست که چون وضع
یک صفحه یا دو صفحه خواهند که احوال مجهول را معلوم کنند
حروفات ملفوظی و مکتوبی و مسروری از آن صفحات بر وجه
بیرون آورند و جدا جدا وضع کنند بدانکه ملفوظی ها
سه حرفی خوانند و آن ۱۳ حرفست اینست الف جیم دال ذال
سین شین صاد ضاد عین غین قاف کاف لام و مکتوبی ها
نیز سه حرفی گویند و آن سه حرفست و اول و آخر ایشان

همان حرفست مثل میم نون واو و مسروری را دو حرفی گویند
و آن ۱۲ حرفند و اینها اینست با تا ثا حا خا را زا طا ظا فا ها یا بدانکه
حرف اول را در اصطلاح علماء جفر زبر گویند و باقی را بینات
در حروف ملفوظی دو حرف بینات است و در مکتوبی یک حرف
بینات است ولی حرف آخرش مانند حرف زبر است و در مسروری
یک حرف بینات است و بینات مسروری را اعتبار نیست قاعده
بدانکه چون حروفات را استخراج کردند و هر قسم را جدا جدا
وضع کردند چون خواهند که ترتیب کنند از حروفات
هر سه قسم چهار چهار بکشند و حرف چهارم را بگیرند تا
هر سه قسم تمام شود و اگر یک قسم ماند اعتبار نکنند که او را
اعتبار نیست اول از قسم ملفوظی بگیرند و دوم از قسم مکتوبی
بگیرند و سیم از قسم مسروری بگیرند و ترکیب کنند و جائی
ثبت کنند و اعراب کنند و بخوانند و اعراب چنان سازند که
بعد از این ذکر کرده شود و مجهول جزو معلوم کنند و این قاعده
مکتوبی خوانند و اعراب حروفات را باین وجه بطریقه مرتضوی
علیه السلام بکنند بدانکه حروف تهجی هفت حرف مفتوحه
است و آن اینست اَ وَ یَ لَ مَ نَ عَ و هفت حرف مکسوره است

و آن اینست هِ رِ شِ ذِ صِ ظِ و هفت حرف مضمومه است جُ
زُ کُ سُ فُ تُ حُ و هفت حرف مجزومه است بْ دْ خْ طْ
غْ ضْ قْ بدانکه از ابتداء صفحه تا موضع اسم احوال ماضی
باشد و موضع اسم حال و تا آخر صفحه مستقبل خوانند می باید که
نیکو بحروف ترکیبات نظر کند بجمعیت و حضور باطن تا غیبها
آن عالم غیب چهره گشایند و چهره نمایند و چهره پرده گشایند
هر چیزی که گویند بهوش عقل و ادراک دریابند و فیض
دریابند و در خلا و ملا پاک و صاف باشند و بسط ضمیر
و شرا آنچه از عالم غیب روی نماید بپوشند و پنهان ندارند
و صادق باشند والله اعلم بسم الله الرحمن الرحیم بدانکه
استادان چنین مقرر فرموده اند که بروز شمس را در روز
یکشنبه بخوانند و ورد زهره روز جمعه و روز عطارد روز
چهار شنبه و ورد قمر روز دوشنبه بخوانند تا مدعا حاصل
شود باذن الله تعالی یا نور جهت تسخیر زهره اول ماه
شعبان ابتدا کند تا اول ماه رمضان هر روز پنج هزار
بار بخوانند و شرایط نگاه دارد که در آخر دعوت شخصی
خوب روی پیش وی حاضر شود و سلام کند و سا

بکنار نهد و بنوازد و بپرسد که مراد تو چیست گوید که مراد من همه
شما است که در هر کار مدد من کنی و نظر سعادت سوی من
اندازی او قبول کند و مهری بوی دهد که هر گاه که این اسم
بخوانی من حاضر شوم بعد از آن دایم بعیش باشد و همه
ارباب طرب مطیع و مسخر تو شوند و اسم اعظم یا عالی تسخیر
مشتری مدت ۴۵ روز هر روز شش هزار نوبت بخواند
روز هشتم پیری خندان لطیف صورت با جامهای سفید
پاسبان در آید و سلام کند و حکایتها کند از هر باب و پرسد که
مقصود تو چیست گوید مراد من آنست که تو مصاحب من باشی و
مرا سعادت بخشی و مطلوبات مرا تمام دهی
گوید که ترا قبول کردم بعد از آن عهد کند و از چشم تو غایب
شود و اسم اعظم یا محمود جهت تسخیر زحل است مدت پنج ماه
هر ماه صد هزار نوبت بخواند و شرایط بجای آورد ناگاه زحل
روی نماید و حاضر شود عظیم تند بود و او را چند دست بود
بهر دستی چیزی گرفته باشد باید که احترام کند و ادب نگاه دارد
و قطعا پیش او گستاخی نکند زیرا که تند نشسته باشد ساعتی بعد
از آن در سخن آید و گوید چه غرض و مقصود داری گوید غرض

من حضور شما است که مرا یاری دهی و کارهای من تمام کنی و مرا
فرصت دهی بحل او را قبول کند و دسته نرگس باو دهد بستاند
و بعد پای ایستد بجهت تمام تا او باز گردد و اسم اعظم یا عظیم
تسخیر مریخ است مدت عم روز هر روز عیم نوبت بخواند
و شرایط غذا بجوید در همه تسخیرها بجا آرد ناگاه غلغلی صعب
پیدا شود در روز چهلم تا پنج ساعت این غلغل آید بعده
مردی سرخ رنگ با هیبت تمام و تندخوی درشت هیکل
با دو سبیل عظیم و تیغ هندی در دست گرفته از در درآید
و سلام کند و بنشیند و آن تیغ را بر ران خود نهد و چشم
بر زمین کند و لب را یی جنباند بعد از آن گوید غرض
تو چیست جواب گوید که مقصود من محبت شما است که مسخر من
شوی و موافق من باشی او قبول کند و خاتمی بوی دهد مانند
عقیق پاره و خطی بر آن نوشته و اسم را بیاموزد یا رحیم
جهت تسخیر هر که خواهد از انس و جن و وحش و طیر چهل
روز هر روز پنج هزار و پانصد بار بخواند و شرایط بجا
بجای آورد چون تمام شود هیچکس نخواهد که از نظر او دور شود
و همه خلایق مطیع و مسخر او شوند و محب و مطیع و منقاد او

تسخیر مریخ

تسخیر هر که خواهد

باشد

باشند یا تمام تسخیر ارواح سلاطین چهل روز هر روز هفت
هزار بار بخواند چون تمام شود ارواح سلاطین باو تعلق گیرند
سلطان بوقت ارتحال او با خبر گردد و طالب او شود و یکدم از پیش
خودش جدا نکند یا عزیز جهت تسخیر قمر دعوت کند و ورد صغیر
آنست که بیست و پنج روز حیوانی نخورد و هر روز این اسم را
سه هزار بار بخواند و باد بر خود دمد بعد از آن این اسم را بر
انگشتری نقره نقش کند هر که دست تنگ و دل تنگ نشود هم
خلق نور معنی در پیشانی او بیند و صاحب دعوت قبول خالق
و خلایق گردد و ورد کبیر آنست که چهارده روز دعوت کند و هر
روز و شب ده هزار بار بخواند و اکثر شب زنده دارد و روی
بقمر کند و اسم میخواند و هر نوبت در آخر اسم میگوید یا قمر اجب
داعی الله چون دعوت تمام شود شب آخر قمر از آسمان در
نیمه شب فرود آید و نزدیک وی او را در کنار گیرد و با وی سخن
گوید و پرسد که ترا چه غرض است گوید این قمر تو بفرمان حق
تعالی مدد رسانی بحر و بری و در مجموع عالم زیر و زبر
گردانی مدد از تو میخواهم قمر گوید تو بذوق مشغول باش و
بیاسا که من با توام و پیش توام چون قمر مسخر شود همه

تسخیر قمر

بیماری ها و نقدهای عالم در خانه او جمع شود یا منزل جهت تسخیر عطارد
مدت یکماه دعوت کند هر شبانروزی ده هزار نوبت بخواند
ناگاه پیری پیش او حاضر شود کتابی در دست او باشد پیش
او بنشیند و کتاب را مطالعه کند باید که بداند که آن عطارد است
پیر از وی پرسد که ترا غرض چیست جواب گوید که در حال من
نظر کن و از من مرحمت دریغ نداری عطارد گوید که قبول
کردم که در همه احوال دایم مدد کار تو باشم و آنچه تو خواهی چنان
کنم بعد از آن مهری بوی دهد و بر آن خطی سبز نوشته
باشد و آن عهدنامه عطارد است چون عطارد مسخر شود
علوم غریبه بر او کشف شود و از مغیبات و مخفیات خبر دهد
و بمرتبه وزارت برسد یا سبحان جهت تسخیر حکام و سلاطین
۲۹ روز مداومت نماید هر روز پنجهزار نوبت بخواند بعد
از آن خاتمی بسازد از نقره و اسم را بر آن نقش کند در انگشت
کند هر گاه که برابر حکام رود بر آن خاتم نظر کند جمله مطیع و مسخر
شوند یا زاکی جهت تسخیر آفتاب مدت پنجاه روز متوالی
علی الدوام بر خواندن این اسم مشغول باشد و اکثر اوقات
برابر آفتاب خواند و در آخر بگوید یا شمس اجب داعی الله

تسخیر عطارد

تسخیر حکام و سلاطین

و این

و این سخن را بلند گوید اما اسم را نرم گوید ناگاه بیند که آفتاب
از آسمان فرود می آید و نزدیک وی میشود بر مثال گاوی
یا شیری باشد و از سر بام بعد از آن موضع فرود آید و گوید
غرض تو چیست باید که خندان روی و سبک روح جواب
او بدهی و مراد خویش بطلبی او قبول کند و هر طلاهای روی
زمین را بر او عرض کند باید که سخن دو هر دو دست بر سینه
نهد و تواضع کند و رخصت بدهد یا متان تسخیر رجال
الله نود روز هر روز هفت هزار بار بخواند بعد از تمام
شدن دعوت شخصی پیش او حاضر شود از رجال الغیب
و او را علم کیمیا تعلیم کند که بفرمان حق تعالی جل جلاله
و عم نواله سنگ را زر کند یا دیان تسخیر تجار و مسافران
بر و بحر مدت هفتاد روز هر روز پنج هزار بار در
صباح بخواند ناگاه طایفه مسافران بدر خانه آیند و نزدی
چند بیاورند و بگویند فلان کس را میخواهیم که امانتی
از و داریم چون او را ببینند عذر بسیار خواهند او هیچ
نگوید ایشان در صحبت او با کسی گویند که این بزرگ ما را
از غرقاب خلاص کرد از برکت او نجات یافتیم خواص ده اسم

تسخیر رجال الله

تسخیر تجار و مسافران

ShivaDoc.com

که شیخ بهاء الدین خاکی رحمه الله از جفر کبیر بیرون آورده اند جهت
هر مهمی و حاجتی در هر عملی که این اسمارا بنویسند آن کار با تمام
رسد یعنی روحانیات اسما امداد کنند و آن مهم را با تمام رساند
اسما اینست ظَهَفَ غَیْجٌ ثَوَابٌ تَعَزُّ مُذَلٌّ ظَشٌ حَضٌ
صِدْقٌ لاَشَكٌ خَمِجٌ من وضع فی شرف الشمس امن من البلیات
والآفات والعاهات والوسواس والخوف خاصیت سورهٔ والنجم
هر که هر صباح سورهٔ والنجم تا من
آیات ربه الکبری بخواند ذهن او
قوی کند و دل او زیرک کند و علت
نسیان ببرد و حفظ قرآن و

ح	ط	ي	ف
ى	ف	ح	ط
ف	ي	ظ	ح
ط	ح	ف	ي

علم و حکمت حاصل شود و هراس ببرد و اگر بنویسد بمشک
و زعفران و گلاب در ظرف آبگینه و بشوید و بخورد
هفت روز متواتر بطلان غان ابرادم مراد برسد و فایده بسیار
بیند هر که هر شب این سوره را بخواند توانگر گردد امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب ع میفرماید که اگر خواهد که کسی را از عشق خود
بیقرار کند این چهار ردیف چهار را بمشک و زعفران بنام خود
خود و بنام انکس و مادر انکس بر ورق آهو بنویسد و در خانه

معلق

معلق بیاویزد و یا با خود دارد و الروینج او کرده اینست شرح سورهٔ
الحشر دعوت این سوره شریف
بر دو نوع است یکنوع که در
نظم مذکور است آنست که روز
جمعه ابتدا بدعوت کند تا
چهل و یک روز هر روز

سلام	قولا	من رب	رحیم
رحیم	من رب	قولا	سلام
قولا	سلام	رحیم	من رب
من رب	رحیم	سلام	قولا

چهل و یکبار بخواند و اصل آنست که با کسی سخن نگوید در سحرگاه
خواند مطلقا در این چهل و یکروز ترک دعوت نکند که اگر ترک
کند بیان انرساید پیش کرفت در محل شروع از ابتدا خواندن
چهل و یکبار بر پیغمبر صلوات فرستد که التزم موری کیرا شود که
اگر بعد از اتمام دعوت برکوه خواند از انجا بر خیزد باید که در پیش
جا بایستد بگوید که یا حی یا قیوم و در دعوتی که دعوت تمام
کند چیزی از شیرینی در رو نا آخر کو سفندی بکشد و
طعامی بپزد و چهل و یک نان با مقداری حلوا ترتیب کند
و جماعت اهل طاعت و مستحق برساند که التزام آثار عجیب ظاهر گردد
موضع اول که باید ابتدا انجا است کرو لولا کتب الله موضع دویم
ما افاء الله و موضع سیم للفقراء المهاجرین موضع چهارم والذین

تبوؤ الدار موضع پنجم لانتم اشد رهبة موضع ششم لا یستوی
اصحاب الجنة تمت تعلق بیست و هشت منازل قمر بحروف
۲۸ کانه منازل آتش شرطین بطین جبهه زبره صرفه
نعایم بلده منازل بادی هقعه هنعه زراع غفره زبانا
اکلیل اخبیه منازل آبی نثره طرفه قلب شوله مقدم
مؤخر رشا منازل خاکی سماک عوا دبران ثریا ذابح
سعود بلع چون حروف آتشی هفت بود و بروج آتشی
سه هر یک از بروج دو حرف و ثلث حرفی افتاد مثلا حمل را
اهط و اسد را طمف و قوس را شذ و چون ابوی میزان
بنص دلو سرطان عقرب حوت ثور سنبله جدی
حض جزک کسق قثظ دحل لمر زخع
دیگر حروف صوامت ابجدی و آن از یکی تا سیزده باشد
و مجموع عدد او نود و یکی میشود و این عدد را در اسماء
صامت یعنی غیر منقوط عمل قراوت غایند زبان حاسدان
و غمازان در حق او بسته گردد و صورت اینست ا د ه و
۱ ۲ ۳ ۴
ح ط ک ل م س ع ص ر عدد حروف ناطقه و آن
۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳
عبارت از حروف منقوط است و این حروف بجهت نطق
صامت بکار آید اگر خواهی که کودکی غیر محل گویا شود یا الکن

از زبان اخرس برود بدین حروف تواند ساختن و حروف
ناطقه اینست ب ج ز ی ن ف ق ش ت ث
۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳
خ ذ ض ظ غ دیگر در اسمای اسرار ملک جبار در مخزن
۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸
محی الدین سعید جعفری ترجمه این کلمات برین وجه دیدم ابثج
بارحلی دانا خذز یا ز انان فرزند ششص نزادو عمرد
ضطظع پاینده و باقی غفق بر همه غالب کلمن حی توانا و
هلاک خالق اشیا حسن بصری نقل از حضرت امیر کل امیر کرد
که آنحضرت خواص اسما و آیات را بدین عدد تعلق نموده
چون سالکان بدین عدد تلاوت و توقف نمایند حصول
مقاصد و وصول مطالب رسند چون اسمی از اسما بدین
عدد و آیاتی از آیات تلاوت نمایند اول نظر نمایند که در کدام
جزو و صفحه و خانه است آن جزو و صفحه و سطر و خانه
خود سازند بی شک مراد بر آید و حروف او بعدد اجزای
جزو و او اینست الف بی جیم دال هی واو زی
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷
حی طی یا کاف لام میم نون سین عین فی
۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶
صاد قاف را شین تا ثا خا ذال ضاد ظا
۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷
غین دیگر اعداد فواصل الدرود شریف الرزق مغربی
۲۸

در غره آورده که قوت حرفی از دوازده پیش نباشد بحسب
بروج حروف قوت یافته و بعضی از حکما بر آن رفته‌اند که حروف
از حرکت سیارات در بروج تولد کنند آنچه باقی ماند قوت
آن حروف باشد شمس المعانی قاموس جرجانی در معالم
الاسماء که یکی از تصانیف آن حضرت نقل کرده که از خزاین
کسری در اعداد اسما بوضع ابوزرجمهر حکیم دیدم اسمی از
اسما بدان عدد قرائت نکردند که مقصود فی الفور بحصول
آمدی و آن عدد فواصل النقد بودی و عدد او اینست ا ب
ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف
ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ دیگر عبد الله
عباس از حضرت امیر المؤمنین ع سؤال کرد که قواعد عدد اسما
که قرائت نمایند مقصود باشد بجا اجابت آن کلم عدد اسمی
گفت ای ابن عم آن عددیکی از مخزونات علم الهی است کسی را
بر آن اطلاع نیست آنچه از خاتم الانبیاء بمن رسیده است بتو
بنمایم هر اسمی که خواهی تلاوت کنی نخست در حروف مرکبه
او نظر کن تا چه حرفست و آن حرف را بر بین از یکی تا شانزده
عدد و از نیم ما فوق را بر تحت افزا و بر بین تا بچه عدد رسد

قرائت کن و از نامحرمان بپوشید که اسرار الهی است و آن
عدد اینست ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س
ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و
ه لا ی مجد الدین حسین افطغی آورده که نظیره اینست
در جفر کبیر و صغیر جاریست و هر حروف که مذکور شده جفری از
وی بدل میشود بعون الملک الوهاب و روش اینست
ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع
غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی و چون اسم حروف
در مداخل آید نظیره خود را طلبد و چون نظیره او را بگیری
اسمی طلبد که بعدد حروف نظیر او باشد چون اسم را بعدد
بخوانی مراد یابی ذخیره آنچه امام جعفر صادق ع در
جفر خافیه آورده است تکسیر حروف مبسوطه بکلام
غافیطوس یا ازیار شغ یا طاهیثا یا غاغث یا افیطوث
یا اصقاقیا فتی و اکا اسم کسم کوکن کشم داک و این علاما
از رموز است در منصوب این هفت حروف مؤخر را
اسم اعظم ساخته و در مقلوب هفت حرف مقدم را اگر
هفت باشد و الا هر چه بیاید اگر چهل حرف بود ابو علی

روایت میکنند از صوفی شنیدم که خدا را بهامیخی از اهل کهف یا هو
بکو که قمر مذکر است گفت آنکه خود را از برای مذکر وضع کرده او
بالف کرده اینجا ... بقدرت تام همچنانچه از آلت اناثی
منزه است از آلت ذکر نیز مبرا است و ها اسم اعظم من الثناء
هرگز بهو بدل نکنم در انکار بین چون عارف خواهد که بداند
که اسماء الله الاعظم چه اسم باو تعلق دارد اسم خود را بسط
نموده و بطن قرار داده و نظیر گرفته بشرایط عمل نموده اسم
اعظم که در بسیط حروف واقع شود باو تعلق دارد و چون
ملازمت مداومت نماید و تسخیر اسم باو تمام شود کار او
بمنزل نیکو رسد و هر چه اراده نماید مأمور او گردد ذخیره
سید ابو البرکات در صحایف الدعوات ترجمه اهطیفشد را
چنین آورده اهطیفشد نور فوق نور و اوج فوق اوج القصوی
بو یمیثمص روح و راح و ریحان فوق جنان جزکشقطط
جنات عدن تجری من تحتها الانهار دحلمر ... شجرة
تخرج من طور سیناء تنبت بالدهن و صبغ للآکلین ذخیره
امام محمد حنفیه در مداخل السهام آورده که اصل در استخراج
اصول ثلثه است یعنی کنیت و لقب و اسم و شیخ السالکین شیخ

ی ی ط ظ ع غ ف ق ک ل م و ه لا ی

علی بن سعد الدین در نجاح الالواح آورده که اصل در استخراج
اسما اصول خمسه است طالع و صاحب طالع و کنیت و لقب و
اسم و بعضی دیگر حروف سبعت داخل کرده‌اند اما طالع اگر
مولودی معلوم باشد عمل بدان کنند و اگر معلوم نباشد نظر کنند
که از چه طبقه مردم اند عوام الناس را سرطان طالع نهند و
اهل کتاب را جوزا یا سنبله و اهل عشق و لهو و طرب را
ثور و میزان و اهل اشراف و بزرگان را اسد و اهل سلاح
سلاح و فصاحت را حمل یا عقرب و اهل علم را قوس یا حوت
و اهل قلاع و جبال و زارعان جدی یا دلو و اگر این جمله
که ذکر شد معلوم کسی نشود نظر کند که آنکس بچه چیز شهرت
دارد از کنیت و لقب و اسم بهر چه مشهور باشد نام او را بابجد
صغیر حساب کنند و ١٢ طرح کنند آنچه بماند ابتدا از بروج
حمل بشمارد و بهر جا که منتهی شود طالع آنکس را بدان برج
قرار دهد چون طالع معلوم شد صاحب طالع نیز معلوم گردد
و شیخ سعد الدین حموی آورده که اصل در استخراج اسما اصول
ثلثه است طالع و صاحب طالع فرع است اما اگر طالع و صاحبش
معلوم نباشد بثلثه اول اکتفا نموده عمل کنند و اگر کنیت نیز

ShivaDoc.com

معلوم نباشد کنیتی که مناسب طالع باشد بوجهی از وجوه ابوة
یا ابنت یا بحسب فعل یا صنعت بجای خود وضع کنند چون
ابو عبد الله یا عبد الله یا ابو الحداد یا ابو الاسکاف و اگر لقب
نیز معلوم نباشد لقب عام بجای او بیاورند یعنی فخر الدین
مودبا و الثنی الدین نیز اما کنیت آن بجای اب و ام وضع
کنند هر یک از این اسما هفت بطن عمل کنند مثلا بحسب بسط
حرفی اسم و بحسب بسط عددی اسم و بسط تکسیر عددی
اسم که هفت بطن باشد عمل کنند و اسماء علیحده استخراج نمایند
اما ایضا سبب مهام ضروریه و تکمیل و تتمیل امور عاجله
و آجله است اسما ثیست که از بطن اول مستخرج کردد ذخیره
صاحب مصابیح الالواح ابو الحسن الصباح آورده که طالع جنانچه
بطلیموس آورده از مسقط نطفه انشا نهاده و بمذهب غیر
از محل ولادت و بمذهب علم بعض از این دوازده حروف
اسم با نسبت بکوکب چنانچه شرح این داده شد اما
کنیت هر اسمی بود که مصدر باب و ام باشد چون ابو الفضل
و ام ایمن و لقب هر اسمی بود که دلالت بر مدح کند یا ذم چون
شمس الدین و نجم الدین و نحس الدین و فخر الدین و هر چه

دلالت

دلالت بر مدح و ذم نکند مصدر بام و اب نباشد آن را اسم کویند
چون اسحق و اسمعیل و قرق دیکر از ذخیره ابو الفرج بن کاشف
الفرج شانزده بطن عدد نهاده اند مثلا بطن اول اسما خواسته
که از عدد جمل کبیر اصول تلثر بدر آید بطن دویم اسما خواسته
که از عدد تکسیر حروف اصول تلثر تا حاصل آید بطن سیم اسما
خواسته که از عدد حروف و عدد بینات حروف اصول
تلثر بدر آید بطن چهارم اسما خواسته که از عدد تکسیر حروف
و تکسیر بینات حروف تلثر بدر آید بطن پنجم اسما خواسته
که از بسط حروف عددی اسما و اصول بدر آید بطن ششم
اسما خواسته که از تکسیر حروف او بسط عددی اصول تلثر بدر
آید بطن هفتم اسما خواسته که از بسط حروف عددی و
بینات اصول تلثر بدر آید بطن هشتم اسما خواسته که از بسط
تکسیر حروف عددی و تکسیر بیناتش بدر آید بطن نهم
همان بطن اول بود با عدد حروف و اصول نقاطش بطن
دهم بطن دویم بود با عدد حروف و نقاطش بطن یازدهم
همان بطن سیم بود با عدد حروف و نقاطش بطن دوازدهم
همان بطن چهارم بود با عدد حروف و نقاطش بطن سیزدهم

همان بطن پنجم بود با عدد حروف و نقاطش بطن چهاردهم همان
بطن ششم بود با عدد حروف و نقاطش بطن پانزدهم همان بطن
بطن هفتم بود با عدد حروف و نقاطش بطن شانزدهم همان بطن
هشتم بود با عدد حروف و نقاطش هر که این بطون را بالتمام
استخراج نماید دعوت آن بپایان رساند یکی از اولیا کردد که
هیچ چیز بدو پوشیده نماند و اگر این اسما شانزده بطن بشرف
قرائت باتمام رساند حیوة ابدیابد و هرگز نمیرد یعنی یاد و نام او
برابر شود و ملجهت ارشاد مبتدی اسما بعضی از کنیت و لقب
خود استخراج کنیم و بالله التوفیق بسم الله الرحمن الرحیم
ابو محمد کمال الدین حسین کنیت بمدخل کبیر و وسیط
مجموعی ۲۹ مدخل وسیط کبیری ۱۲۷ ابمدخل صغیر حروفش
اق ط ک ای ب لقب بمدخل کبیر ۱۰۸ و بمدخل وسیط مجموعی
۱۳ و بمدخل وسیط کبیری ۱۴۲ و بمدخل صغیر ۱۰ حروفش
و ف ق ب م د ک و اسم بمدخل کبیری ۱۳۷ و بمدخل
وسیط مجموعی ۲ و بمدخل وسیط کبیری ۲ و بمدخل صغیر
۲ حروفش ح ک ق ک ب ای فاتحه بمدخل کبیر ابو محمد
کمال الدین و بمدخل وسیط مجموعی ۳۵ ۲۸۷ و بمدخل او اسیط
۱۰۸

کبیر

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۲
ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر

کبیر یعنی بحساب ابجد صغیر مجموع حروف فاتحه را عدد
بر سر هم کرفتیم این بود ۱۷ و بمدخل صغیر ۸ حروفش ز ف ر ج
ن و ک ح وسیط بمدخل کبیری ۲۲۹ و بمدخل وسیط ابو محمد
حسین مجموعی با بجد صغیر ۴۹ و بمدخل وسیط کبیری ۲۴ ۱۰۱
بمدخل صغیر ۴ حروفش ط ک ر ط ب ک د خاتمه بمدخل کبیر ۱۲۸
۳۴۵ و بمدخل وسیط مجموعی ۴۴ و بمدخل وسیط کبیری
۴۲ و بمدخل صغیر ۸ حروفش ج م ث ح م و ک ح نتیجه اول
بمدخل کبیر ۱۱۵ و بمدخل وسیط مجموعی ۱۵۲ و بمدخل وسیط
کبیری ۸۴ و بمدخل صغیر ۳ حروفش و ی ث ب ق ح م ج
نتیجه ثانیه بمدخل کبیر ۱۰۶ و بمدخل وسیط مجموعی ۹۲ و بمدخل
وسیط کبیری ۳۵ و بمدخل صغیر ۱۷ حروفش ا خ ز ص ب ف
ن نتیجه ثالثه بمدخل کبیر ۳۴۹ و بمدخل وسیط مجموعی ۹۳ و بمدخل
وسیط کبیری ۸۴ و بمدخل صغیر ۳ حروفش ج م ظ ج ص ح م
ح مجموع اصول بمدخل کبیر ۴۱۵ و بمدخل وسیط مجموعی ۷۳
و بمدخل صغیر ۲ حروفش ه ی ت ج غ د ل ا ی س استخراج
اسما کنیم از حروف مداخل سبعه مذکوره و وسیط مجموعی عبارت
از این عمل است که حروف را با بجد صغیر عدد کنند و ساقط

ShivaDoc.com

حروف مستخلص

روند و تتمه نویسند مثل محمد که ۲۹ نوشتیم اب و ع ح م رد
۴۴۶ ۲۱
ذخیره سید الواعظین میر سید حسینی استخراج اسما بطریق
مولانا از حروف مستخلص مداخل نهاده و آن چنانست که حروف
مداخل را هر حوری از وی علامت جزو و صفحه که داینده حروف
سطر و خانه علامت حروف مستخلص نهاده واز حروف مستخلص
اسما استخراج کرده بطریقی که حروف مستخلص را نظیره گرفته
و حروف نظیره را یکبار تکسیر منصوب کرده و موافق آن
اسم استخراج کرده و ما نیز بنای استخراج بطریق او می
نهیم استخراج اسما از مداخل حروف کیت اق ط ک ای ب
ج م ق ذ اح دو حرف را در جزو و صفحه طلب کردیم و حروف
سطر و خانه را جمع کردیم این حروف شد اق رض ط ک
س خ ای غ خ ب ج س ظ م ق ظ ن ز ی س ق حروف
مستخلص این خانها جمع کردیم این بود رض س خ غ خ س
ظ ظ ف س ق این حروف را نظیره گرفتیم این شد و ل ای
ن ی ا م ح ا ه و این حروف را یکبار تکسیر منصوب کنیم هو
الحامی و مثال بیرون آید هر یکی موافق بعدد ابو محمد پس مد
لقب بکر کمال الدین است حروف مداخلش جمع کردیم و ف ق

دل

غنی غایب

و ک م ی و ال با حروف این مداخل حروف وسیط مجموعی داخل
کردیم باعتبار حروف صفحه و حروف سطر و خانه که مستخلص او
بود جمع کردیم این شد و ف ا ض ض ق د س س ک ه ض ف
ی و ض خ ال ظ س حروف مستخلص را در یک سطر جمع کردیم
این بود ض ض س س ض ف ض ذ ظ س این حروف را
نظیره گرفتیم این شد د ل ا ا ج ل ک م او این حروف را یکبار
تکسیر منصوب کنی الملک الاجل بیرون آید موافق کمال الدین
حسین مداخل اسم ح ک ق ک ای ب حروف متوالد از بن
دی ن ی ا ه ا ح ک ض س ق ک ح ر ای ض ز ب د خ ض
ی ن ظ س ی ا ق ج ه ا د س حروف خانه و سطر او را جمع
آوردیم این بود ض س خ د ض د خ ض ظ س ق ج را و این
حروف را نظیره گرفتیم این شد ل ا ی و ل و ی د م ه ف و ا
و این را یکبار دیگر تکسیر منصوب کردیم الوافی هو المولی
بیرون آید موافق اسم یکی الوافی یکی هو المولی حروف فاتحه را
جمع کردیم ز ف د ج ن و ک ح مداخل کبیر این جمع کردیم این
شد ن و ک ج د ع ش پس این حروف را بر بیوت جفر
بحروف جزو و صفحه طلب حروف سطر و خانه کردیم این بود ز ف

لا یحتسب

ق ظ د ح خ و ن و د ح ک ج س ب د غ ع خ س ع حروف
مستخلص این را جمع کردیم این بود ق ظ خ و د ج س ب غ
خ ع این حروف را نظیره گرفتیم این بود ه م ی ر و ف ا ع
ن این حروف را یکبار تکسیر منصوب کنی بهی منیع بیرون
آید موافق فاتحه و ق ف نیز بیرون آید پس حروف مداخل
واسط را جمع کردیم این بود ط ک ر ط م ب ک د و با این حروف
مداخل کبیر و وسیط جمع کردیم این شد ط ک ر ط م ب ک د د
ش ل پس این حروف را در بیوت جفر بحروف جزو و صفحه
و سطر و خانه جمع کردیم این شد ط ک ح غ م ب س ه ک
د و ن د ش خ ط حروف مستخلص این بیوت جمع کردیم این قد
ح غ ط غ س ه و ن خ س خ ظ این حروف را نظیره گرفتیم این بود
ت ن ن م اق ر ش ی ای م این حروف را یکبار تکسیر کردیم
این اسما بظهور رسید متین ولین و شارق پس حروف
مداخل خاتمه را جمع کنیم و آن اینست ج م ر ث د م و ک ح پس
این حروف مداخل را بحروف جزو و صفحه و سطر و خانه جمع
کنیم این نوع شود ج م ا ض ث د ه ا م و ص ظ ک ج
غ ط پس مستخلص این بیوت را جمع کنیم این نوع شود ات

ه

ه ا ص ط غ ط و چون این حروف را نظیره گرفتیم س ح ق
س د م ب م شود یکبار تکسیر کنیم اسماء الهی بحصول رسد بدین وجه
مسبح و مقدس مطابق خاتمه پس حروف نتیجه اولی را جمع کنیم
بدین وجه و ی ث ب ق ح م ج پس این حروف باعتبار
جزو و صفحه حروف و سطر و خانه حروف جمع کنیم این باشد
و ی خ ظ ث ب ج ب ق ا ح خ و م ح د ه پس حروف
مستخلص این بیوت را در تکسیر جمع کنیم و تکسیر منصوب کنیم
این اسمین بظهور رسد خ ظ ب ج ت خ و د ه ی م ف
ع د ی و ق قیوم رفیع پس نتیجه اولی را جمع کنیم بدین وجه
د ی خ ب ف ح م ج و این حروف را باعتبار جزو و صفحه
و سطر و خانه حروف طلب کردیم در این بیوت و ی ث ب
ق ح م ج خ ظ ج ب خ و ر ه پس حروف مستخلص این
بیوت را جمع کردیم این شد خ ظ ج ب خ و ر ه پس این حروف را
نظیره گرفتیم این شد ی م ف ع ی د ق پس یکبار تکسیر
کردیم قیوم و رفیع بیرون آمد موافق نتیجه اولی پس حروف
مداخل نتیجه ثانیه را جمع کردیم این بود اخ ر ن ب ن ز ا
این حروف مداخل کبیر و وسیط مجموعش جمع کردیم این شد

اخ زص ب ن ن ذ ل ان ذ یس بدستور سابق این حروف را
بجز و صفحه و سطر و خانه جمع کنیم این چنین بلشد ا ح س
و ز ض اع ا ن ن س هـ نذ و ز ل اخ ت ن ذ د ذ یس
حروف مستخلصه جمع کنیم این حروف باشد س و اع س هـ
و ز خ ت ذ ذ یس حروف نظیره را طلب داریم این حروف
آید ا ر س ب ا ف و ش ی ا ح ک س این حروف یکبار تکسیر
کنیم شاکر و حسیب بیرون آید موافق نتیجه ثالثه و شارق
نیز موافق همین عدد پس حروف مداخل نتیجه ثالثه را جمع
کنیم بر این وجه ج ش ج م ص خ م ح و این حروف را باعتبار
جزو و صفحه و سطر و خانه او را طلب داریم این باشد ج
م ح هـ خ ج س ص ص ح ظ ت م ج خ ذ حروف
مستخلصه او را جمع کنیم این نوع باشد ج هـ س ص ظ ت خ
ذ این حروف را نظیره طلب داریم این حروف آید ق ش ا د م
ح ی ش این حروف را یکبار تکسیر کنیم شفیق و حامی بیرون
آید موافق نتیجه ثالثه ذخیره زبدة الاذکیا مسیح الدین یوسف
معلی در عروة الوثقی آورده که اسما و اسامیه اسمائیست
که بحسب عدد حروف و ترکیب کلمات مطابق یکدیگر باشد

چون

چون دیان یوم الدین که اسماء اساسیه او خلاق حو الحسن است
و اسماء عن این اسمائیست که ماده حروفش بترتیب طبایع باشد
یعنی حرفی از آتش و حرفی از باد و حرفی از خاک در وی
باشد چون مؤنث و مذکر و موضع و متبوع و اسماء قوی ترکیبه
که ماده حروفش از آتش و باد و آب و خاک باشد لیکن ترکیبش بر
وجهی باشد که ضرورت یکدیگر را نفی و خشان چون مزید و
مجید و مزیل و مقبل و اسماء متقابله چون رافع السموات
و حافظ الارضین یعنی هر اسمی متقابل یکدیگر آیند از روی
فوق و تحت و شرق و غرب و جنوب و شمال و غیر اینها هر حرفی
مقابل هم باشد چون سلطان دار دنیا و مالک دار العقبی
و شیخ محیی الدین اعرابی فرموده که هر اسمی از این اسما جهت
امری مقرر داشته اند که چون داعی بدان عدد برای
آن مراد دعوت نماید فیضی از بحار فیاض جود بروی
فایض گردد و در مهمی که شروع نماید علی احسن الحال
و ایمن الفال مهیا و میسر و محصل ساخته و پرداخته اید
بهتر وجوه والله اعلم بالصواب

شانزده لوح از قول شیخ بهاء الدین محمد علیه الرحمة

واما حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بود و در
تمام را بطریق دیگر وضع فرموده اند و اضلاع و اقطار مربع آتش و فقت
هر ضلعی ۲۳۳۴۹ و مجموع اضلاع ۸ ۳۷۷۲ جهت دفع دشمن
و آفات بر صفحه نقش مکشد و بر بازو بندند و در طلب حاجات
در دست گرفته نزد هر کس که روند و جهت طوفان و بیماری
بر صفحه مس نقش کنند خاصه بوقت شرف آفتاب یا قمر یا قمر
در خانه مسعود هم اعراض برآید و در دفع دزد این شکل در
خانه نهند که نیکو بود و خوانده آن نیکوتر بود و مربع اینست

هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن ۳۳۴۲	العزیز الجبار المتکبر الخالق الباری السمیع الهادی ۲۳۳۳	المصور الغفار القهار الوهاب الرزاق ۲۴۰۰	الفتاح العلیم القابض الباسط المعز المذل الرافع ۲۳۳۶
الخافض الحسیب المجیب الواسع الحکیم المقسط الصمد ۲۴۰۱	المذل الآخر البصیر التواب ۲۳۵۳	الشهید المقیت الواجد الوکیل البدیع المستجیب المغنی النافع الولی	العظیم المتقدم الحق القوی المتین الحمید المحیی الواحد الاحد ۲۴۲۰
المغنی القادر الوکیل القیوم المعنی الرافع ۲۳۱۰	الشکور الکریم الودود الباعث ۲۳۹۰	الحفیظ المقتدر الرئوف الباقی اللطیف ۲۳۴۱	الحسیب الوارث الرب المقدم الباطن المحصی ۲۳۰۱
المنعم الرقیب الرشید الصبور ۲۳۴۸	الضار الغنی الحکم الحکیم العدل ۲۴۶۶	الممیت الظاهر الجامع التواب ۲۳۴۳	الکبیر المتعال المانع المعطی مالک الملک ذو الجلال والاکرام ۲۳۷۵

رساله منافع الاسماء

بسم الله الرحمن الرحیم حمد و ثنای جناب متعالی حضرت احدیت
حق و مالک الملوک مطلق تعالی شانه و عظم کبریائه و تقدس
اسمائه و صلوة زاکیات و تحف تحیات طاهرات نثار مرقد
طیبه و مضجع مقدس هادی سبل و مقتدای رسل شمس فلک
اصطفی محمد مصطفی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات و بر آل
و اهل بیت اخیار و اطهار او باد اما بعد این رساله ایست مشتمل
بر حقایق اسرار این کلمات که از ملک مقرب جلیل یعنی جبرئیل
امین علیه السلام صادر شده ناد علیا مظهر العجایب تجده
عونا لک فی النوایب کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی
یا علی یا علی، بالتماس یکی از حکام بنی امیه از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام مرقوم رقم تحریر گشته و این رساله عربی
بود در زمان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بپارسی
ترجمه کرده اند و من الله التوفیق فصل در بیان بعضی از
خواص این رساله شریفه بدانکه اجتماع از انواع حروف
امتزاج و ایتلاف او ترکیب بعضی از آن با بعضی و تکرار
بعضی بر طریق علم خواص حروف مقتضی خواص بسیار است
چنانچه از حروف خمسه لسد و آن ۹ کست ن ادع ری ام

و امام محمد باقر ع فرموده که خاصه چهار است ن ع م ظ و حروف
خاصة الخلاصة ۱۰ است ه ل ا ع ج ی ا ب ت و از امام علی موسی الرضا
علیه السلم نقلست که حروف خاصة الخاصة ۲ است ر ج و خلاصة
خاصة الخاصة ۱۳ حرفست ج د ه ع و ن ال ک ف ی ا و از
امام حسین ع مرویست که حروف خلاصة خاصة الخاصة ۸
حرفست ل ن و ا ی ب ک ل و امام علی النقی ع فرموده که
صغار خلاصة الخلاصة ۴ حرفست ع ب و حروف صغار علیه
ع است ه م ع م و از امام موسی کاظم ع منقولست که دغ
حروف عالیه ۲ ه ع و حروف افلاک ممتزج الطبایع است ع ر
س ی ن ج ل ت و از امام زین العابدین ع نقلست که حروف
افلاک ممتزج الطبایع است ۴ حرفست س ک و مرسله دو حرفست
ب د و امام حسین ع فرموده مرسله حرفست و حروف اسباب
ایجاد که وسایط اند میان حق و خلق ۴ حرفست لا ی ت ک
و جمله ائمه معصومین علیهم السلم متفقند که حروف اسباب ایجاد
که وسایط اند میان حق و خلق همین ۴ حرفست که مذکور
شد و حروف مخفی ۱۵ ذ ن ح ج ث ق ا ض ص و و حضرت
امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام فرموده است که حروف مخفی

ده است و آن اشاره بده امام اند از حضرت امام حسین ع تا قایم
آل محمد علیهم السلام و ض اسم قایم است و تاریخ ظهور او ظا است
و ض در هیچ زبانی نیامده است الا در عربی و در کلمات نادعلیا
خواص بسیار است از ائمه معصومین بروایات ثقات ثابت
گشته و از انجمله ده خاصیت ذکر خواهد شد اول اگر کسی در
میان جمعی دشمن گرفتار باشد چنانچه در کشتن او متفق
باشند پارهٔ خاک بردارد و هفت بار بران خواند و بجانب
و بجانب دشمن اندازد و بباد بردهد بامر خدای تعالی هیچ ضرری
بوی نرسد و بسلامت خلاص شود ۲ اگر کسی را سحر کرده باشند
این کلمات را هفتاد بار بر آب خواند و بآن غسل کند و از ان آب
بخورد آن سحر باطل شود ۳ اگر کسی را زهر داده باشند یا مار
گزیده باشد این کلمات را بشک و زعفران بر کاسهٔ چینی نویسد
و بآب بشویند و دوازده بار این کلمات را بران خوانند و
آن آب را بخورد وی دهند بامر الهی زهر کارگر نشود ۴
اگر کسی بیمار باشد و اطبا از علاج او عاجز شوند هفتاد
بار این کلمات را بر آب باران خواند و بوی دهند تا بخورد
البته شفا یابد ۵ اگر مهم دشواری در پیش آید یا بغمی

گرفتار شود هزار بار بخواند بفرج مبدل شود و مهمات او
ساخته شود بخیر ۶ اگر پادشاهی یا سپاهی غضب کرده
باشد و آنکس ترسد هفت بار بخواند چون برابر پادشاه
رسد سه نوبت بخواند خشم بلطف مبدل شود ۷ اگر کسی را
برسولی بجایی فرستد سه نوبت در گوش او بخوانند مقبول
القول کرده شود و بهر مهمی که رود ساخته گردد ۸ اگر کسی اول
روز جمعه چهل و هفت بار بخواند با هر کس سخن بگوید محبوب
شود ۹ اگر کسی بتهمتی گرفتار شود هر صباح چهل بار بخواند
تهمت از وی برخیزد و خلایق نیکی او گویند ۱۰ بدانکه این بیست
و هشت حرف را ائمه بچهار قسم کرده اند یک قسم مفتوح منصوب
حار است ا و ی ل م ن ع و یک قسم مجرور رطب است
ه ر ش ث ذ ص ط و یک قسم مرفوع یابس است ج ز
ک س ق ت ح و یک قسم بارد مجزوم است ب د خ
ظ غ ض ق و این چهار قسم حروف را ائمه بر هفت کوکب قسمت
کرده اند اینست زحل مشتری مریخ
شمس زهره عطارد قمر و این چهار قسم
قسم اول در احوال انبیا و اوصیا و حکما که از ابتداء آدم علیه السلم

تا آخر دور نوح ع ی ت ن مدت ایشان ب ع ث قسم دویم
در احوال ملوک فرس و شرح احوال ایشان ع ج ت ن مدت
ایشان ن غ ف ن قسم سیم در احوال بنی امیه و بنی عباس
و مدت ایشان د ق ک قسم چهارم در احوال سلاطین و ملوک
بنی عباس ه ع ح ت ن مدت ایشان ح ق ک و بعد از ان ف ق
ی به بدید آمدن ترک تا شد ح ق م ز و در رجب ح ق ا ک
و بدید آمدن زنادقان و کذابون و مدعیان اهل البیت رسول
صلی الله علیه و آله و خوار گشتن و مقهور شدن آن مدعیان هم
در آن سنه و پیدا شدن قحطی و بیماری و فرو شدن مردم
بسیار در هر اطراف و خشک سالی و ظهور فتنه و آشوب و
قتل و خواری مدعیان اهل البیت از رمضان ح ق ک ح تا ح
ق م ز بدید آمدن شیعه از شیعیان اهل البیت و خوشدلی
گروهان اهل البیت تا ح ق س که بدید آید خوانچی از خواجیان
بنی امیه که یاد کنند از ایام گذشته و خشک سالی و قحطی و بیماری
و فرو شدن مردم بسیار و جنگ و فتنه و آشوب تا ح ق ف ه
مژده باد در کر رمضان ح ق ف م تا بیرون آمدن قایم
قیامت بعد از ددا نکجز اب مدعی باشد و آن بر چهار قسم

که بهفت قسم دیگر ذکر شده است تعلق بمزاج و طبایع جمله موجودات
و مخلوقات دارد از خیر و شر و نفع و ضر و ضعف و عجز و فقر و غنی
و توانگری و پادشاهی و گدائی و فقیری و امیری منسوب بایشانست
حضرت امام جعفر صادق ع گفته که راست آرید این حروف نهای
کواکب سبعه را با حروف مقطعات قرانی در طالع که آن حرف
شما است چون با خود کارید و حروف مقطعات قرانی چهارده است
و آن اشاره ایست بچهارده معصوم و مهر خاتم ایشان در طالع
آن بوده است و علم اولین و آخرین درین چهارده حرفست
و این چهارده حرف را ائمه علیهم السلم چهارده اسم اعظم
گفته اند و درین چهارده هزار خاصیت است که ائمه علیهم السلم
فرموده اند و از آدم ع واقع شده است تا بدور حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم در اینجا درجست و از حضرت
محمد ص تا قایم آل او ظاهر است که خواهد و آن چهارده اسم اعظم
اینست الم المص المر کهیعص طه طس طسم یس ص
حم عسق ق ن حضرت امام جعفر صادق ع فرموده که ی
عددا است تا حسین که مدت ایشان ... منخرج و عدد بنی
امیه است ص ع مدت ایشان الم ع عدد بنی عباس است

المر الطه مدت ایشان عسق مدت تر کاغذ و ترکیب این
چهارده اسم اعظم چنین است محمد بن عبدالله ق حم ن طسم
م ن طرح شاهت الوجوه علی بن ابی طالب ع ن طه المص ح
شاهت الوجوه حسن ابن علی شاهت الوجوه حسین بن علی
شاهت الوجوه علی بن الحسین شاهت الوجوه محمد بن علی
شاهت الوجوه جعفر بن محمد کهیعص حم ب شاهت الوجوه
موسی بن جعفر المر ق ص ح شاهت الوجوه علی بن موسی
ن طه المص شاهت الوجوه محمد بن علی ق ص شاهت الوجوه
علی بن محمد المر یس حم طه ب شاهت الوجوه حسن بن علی
ن طه المص ح شاهت الوجوه م ح م د بن حسن ق ص طه
شاهت الوجوه فاطمه بنت محمد ص المر یس ن طه ا شاهت
الوجوه خدیجه بنت خویلد شاهت الوجوه المر کهیعص یس
ص حم عسق ق طه طسم طس و عدد این چهارده حرف
مقطعات غ خ ف ل ث د ظ اگر کسی این چهارده اسم اعظم که
این همه عجایب بهادر وست اگر خواندن و نوشتن مداومت
نماید چندان اسرار الهی و انوار غیبی در دل او فرود آید که وصف
نتوان کرد و در میان جمله خلایق عزیز و مکرم باشد و مثال ...

عدد اسم علی الله ۴۴۳۵ عدد اسم محمد ... ۱۴۹۳ عدد اسم ... ۳۱ ۴۱

چنانکه محمد و هارون ... است الم ق طه المص
شاهت الوجوه ه ح حروف مخفی است و علامت برج هشتمست
که عقربست و خانه مریخست و گرم و خشکست و منسوب بروز
سه شنبه است و از اقلیم سیم است و تعلق بزمینهای ویران و خشک
و سنگ زین دارد و ولایتش بر شهرهای شام و روم و سقلاب
و آنچه میان مغرب و شمالند و بر معدنهای آهن رباو شاه دانه
و شنجرف و بر کوههای آهن و مس و بر حبوب و میوهها دانه
و حبة الخضرا و بر درختان که گرم و تلخ باشد و خارناک بود
هارون و محمد نه حرفست ه ا ر و ن م ح م د حرف عالیه آن اد
خلاصة الخاص است ... حرف خاص الخاص است و حرف مرسله
است ن م م حرف خاص است ح حرف مخفی است هرچه تنگ
بنجاه یا بنجاه باشد یا بانصد بار یا بنجهزار بار بخواند البته فی الحال
آن مهم کفایت شود و انواع مرادات باشد ازین حاصل شود
از خصب و بغض و عقد النوم و عقد اللسان و عقد الرجال اما
باید که اسم خود را با اسم مطلوب مرکب کرده باشد تا مطلوب
حاصل شود و اگر در ساعتی سعد بنویسد و در انگشتری آهن
نقش کند و در انگشت کند الله تعالی جمله مرادات دینی و دنیاوی

وی

وی بر آورده خیر کرداند و اگر مردی بسته باشد بر پاره نان
نویسد و بدهد هم الحال در گشاده گردد نقلست که حکیمی در سر بازار
مصر ایستاده بود جوانی را بیاوردند تا بکشند نام آن جوان را با نام
پادشاه ترکیب کرد و آن اسم را بر کاغذ نوشت و بدان جوان
داد در حال پادشاه از سر خون او درگذشت ببرکت این عمل بزرگوار
والله اعلم بالصواب فصل در دانستن اسم ذات باری تعالی جل
جلاله بسم الله الرحمن الرحیم در خواص اسم ذات و اسم ذات اینست
هُوَ اللهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْعَالِمُ الْقَدِیرُ الْمُرِیدُ السَّمِیعُ
الْبَصِیرُ الْمُتَکَلِّمُ پس هر که بدین اسمای عظام مداومت نماید صفات
بشریت از وی محو گردد و فانی گردد و بصفات حق باقی گردد و دم
عیسوی پیدا کند و بسعادت دو جهانی برسد و رزق و روزی
بروی فراخ گردد و اسرار غیب بر وی منکشف شود و سخن حق
بشنود و بگوش دل از ملک تا ملکوت راز نهانی بشنود و بینا گردد
و دل او بصفات جمال و جلال منور گردد و بهر زبان که خواهد
با مخلوقات آسمان و زمین سخن گوید و بقولی دیگر هزار و
هفتصد و سی و شش نوبت خواند بیک دفعه و خواه بدو دفعه
در یک شبانروز و در اول و در آخر صلوات فرستد بر محمد مصطفی ص

ShivaDoc.com

ودر آخر همه دعوات چنین باید کرد چه در خواندن و چه در نوشتن

فصل اسمای صفات از قول امام محمد سراج الدین بن یعقوب سکاکی

علیه الرحمه و اسمای صفات اینست اَلْعَلِیمُ اَلْعَلَّامُ اَلْغُیُوبُ اَلْقَادِرُ

اَلْمُقْتَدِرُ اَلْحَکِیمُ اَلْخَبِیرُ اَلْوَاحِدُ اَلْاَحَدُ اَلْفَرْدُ اَلصَّمَدُ اَلْوِتْرُ اَلْاَوَّلُ

اَلْآخِرُ اَلظَّاهِرُ اَلْبَاطِنُ اَلْمَالِکُ اَلْمَلِکُ اَلْقُدُّوسُ اَلسَّلَامُ اَلْحَقُّ

اَلْقَیُّومُ رَبَّنَا اَلْمَوْلَی اَلْمَجِیدُ اَلنُّورُ اَلرَّفِیعُ اَلْجَلِیلُ اَلنُّورُ اَلرَّفِیعُ

اَلْغَنِیُّ اَلْمَلِیُّ اَلْوَاجِدُ اَلدَّائِمُ اَلْمُهَیْمِنُ اَلْمُحِیطُ اَلشَّهِیدُ اَلرَّقِیبُ

اَلْحَکَمُ اَلْعَدْلُ اَلرَّشِیدُ اَلْعَلِیُّ اَلْعَظِیمُ اَلْمُتَکَبِّرُ اَلْمُتَعَالُ اَلْجَلِیلُ ذُو

اَلْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ اَلْعَزِیزُ اَلْجَبَّارُ اَلْمُتَکَبِّرُ اَلْقَوِیُّ ذُو اَلْقُوَّةِ

اَلْمَتِینُ اَلشَّدِیدُ اَلْقَاهِرُ اَلْقَهَّارُ اَلْوَارِثُ پس این اسمای بعدد

جمل بخواند اثری تمام دارد حق تعالی اخلاق اولیا و صدیقان

و اصفیا خوی وی کرده اند و موصوف کرده اند بصفت ملایکه و از

علوم ظاهری و باطنی از خزانه غیب بهره مند شود و کشف اسرار

غیب و عجایب ملکوت او را حاصل شود و بر آنچه او خواهد قادر

شود و هر حاجتی که دارد روا شود و هر چه او را در خاطر آید

بداند و بر وی کشف شود و کشف ارواحش بیشتر کرده و اکثر و در خواب

از اسرار توحید ذات احدیت مطلع شود و بر انوار الهی حق کرده

وملوک

وملوک و سلاطین بحکم او باشند و از وی یاری خواهند و هیچ مضرتی

و آفتی بوی نرسد و از آلایش نفس حیوانی بسلامت باشد و با قدرتی

و اعزاز باشد و در میان خلق و آثار دولت او بهمه کس برسد

و ثبات دولت و عیش حاصل آید و نعمت دو جهانی او را میسر

شود و جمله تسخیر مخلوقات و آدمی باشد که هیچ چیز طاقت قهر او

نیاورد و بر همه چیز غالب شود و بقولی دیگر در شبانروزی هزار

و دویست و یکبار این اسما بخواند یا هزار و یا نصد و پنجاه و یکبار

یا آنکه هفتصد و هفده یا صد و هشتاد و هفت بار یا دویست و پانزده

بار بخواند فصل اسمای اخلاق از قول امام محمد سراج الدین بن یعقوب

سکاکی علیه الرحمه و اسمای اخلاق اینست اَلرَّحْمٰنُ اَلرَّحِیمُ اَللَّطِیفُ

اَلْحَکِیمُ اَلرَّؤُوفُ اَلْوَاسِعُ اَلْوَدُودُ اَلصَّادِقُ اَلْمُؤْمِنُ اَلشَّاکِرُ اَلرَّحِیمُ

اَلْعَفُوُّ اَلْغَافِرُ اَلتَّوَّابُ اَلْقَرِیبُ اَلْمُجِیبُ اَلْمُغِیثُ اَلنَّصِیرُ اَلسَّرِیعُ

اَلْوَلِیُّ اَلْحَافِظُ اَلْحَفِیظُ اَلْوَاجِدُ ذُو اَلْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ اَلْوَهَّابُ

هر کس که این اسما بعدد جمل بخواند و در وقت سحر یا شام یا در هر

شب الله تعالی پاک کرداند آن دل از غفلت و فراموشی از دل او برود

و رحیم و مهربان شود بر خلایق و خلایق نیز بر او مهربان شوند تا

سباع و بهایم و سر بوحوش بداند و جمال و روح بر بیند و چیزهای پوشیده

بداند و از چشم مردم غایب شود و اگر خواهد که در مجلسی نشسته باشد

و کسی بداند و از مجلس غایب کند در کنارش بگیرد و شکلهای عجیب

و غریب او بمردم نماید که چشم از دیدن او خیره بماند و اگر خواهد که در

خانه رود که در بروی نباشد بتواند رفت اگر چه از سنگ باشد و خلق

آسمان و زمین همه دوستدار او باشند و ظاهر و باطن او سلامت باشد

و در نماز و دعا از وی برکت پیدا شود و جمال جلال الله از وی مشاهده توان

کرد و از منفعت نشود و دعاهای او جمیع مستجاب شود و بقولی

دیگر در شبانروزی این اسما را پنجهزار و دویست و هشتاد و

هفت بار یا آنکه هفتصد و سه بار بخواند والله اعلم فصل در اسمای

افعال از قول امام محمد سراج الدین سکاکی علیه الرحمه و اسمای

افعال اینست اَلْفَعَّالُ اَلْبَدِیعُ اَلْمُبْدِعُ اَلْخَلَّاقُ اَلْبَارِئُ اَلْمُصَوِّرُ

اَلْفَاطِرُ اَلْمُبْدِئُ اَلْمُعِیدُ اَلْقَاهِرُ اَلْمُعْطِی اَلْمَانِعُ اَلضَّارُّ اَلنَّافِعُ

اَلشَّافِی اَلْمُعَافِی اَلْمُعِزُّ اَلْمُذِلُّ اَلْمُؤَخِّرُ اَلْمُقَدِّمُ اَلْهَادِی اَلْمُبِینُ

اَلْمَنَّانُ اَلْوَکِیلُ اَلْکَافِی اَلْمُقْسِطُ اَلْمُنْتَقِمُ اَلْفَاعِلُ اَلْمُنْعِمُ پس هر که

این اسمای بعدد جمل بخواند حق سبحانه و تعالی حل او را پاک

کرداند و از جمله خیالهای فاسد و او را حالی عظیم پدید آید و

اسرار غیب بداند و عالم روحانی بر وی منکشف شود و حقیقت

هرچیز

هرچیز بداند و بر سر آفرینش مطلع شود و حق سبحانه و تعالی دل او را

منور کرداند بنور خود و اولیا را تا که دارد و از اول ظهور موجودات تا آخر

ایشان با خبر باشد و ارواح کرده عالم ارواح یکجا بوده و بدین عالم

آمده و طاعت احوال چون باشد این همه علوم منکشف شود و

در دنیا محتاج کس نشود و نعمت دو جهانی او را حاصل کرده و هم

بلاها از و باز دارد و بر همه اشیا قادر شود خواه در حق خود و خواه

در حق دیگری و هیچ آفت بدو نرسد و در دولت بروی گشاده

گردد و پسندیده خدا و خلق گردد و جن و انس او را بشناسند

و بقولی دو هزار و چهارصد و هفتاد بار در هر شبانروزی

این اسما را بخواند فصل بدانکه چهار قسم این اسما را که یاد کردیم جمله

صد و سی و پنج اسم است هر که همه را بنویسد و آنرا با بوی خوش با خود

نگاه دارد با خوف و عزت و اکرام و منزلت باشد و در زمان بی

طهارت و جنابت از خود این دعا را دور کند و در زمان خواب

نیز جدا کند از خود که بسیار فایده بیند و اگر چنانچه تواند همه اسما را

بعدد کبیر بخواند که هزار و سی و پنج است و اگر نتواند یا نصد و چهل

و یک نوبت بخواند و اگر نتواند سیصد و یکبار بخواند که بدولت عظیم

و سعادت قوی برسد که کسی ندیده باشد و دست تصرف در عالم ملک

اسم اینست یا مطلها طلها لج

ShivaDoc.com

وملکوت دیدار دو همه رها بیابند و بعد از آن چون دعوت تمام کرده
باشد بعد صغیر همه روز این اسمارا بخوانند و بعد از آن بهر حاجت
که خواهد ده بار بخواند انکه هفت بار یا سه بار بخواند البته حاجت
او روا شود فصل در بیان قواعد باید که قوت اینکس از حلال باشد
و اندک خورد و ترک حیوانی کند و ترک صحبت زنان بکند و جامه
و سجاده پاک باشد و کم گفتن و کم خوردن و بی تکلف و از سخنان
بیکار و از مزاح دور باشد و دایم با وضو و آداب بتقوی و طهارت
باشد و در هفته اگر دو بار غسل اسما کند شاید بود در مقام خلوت
با حضور دل و اطمینان خاطر و اندرون پاک و صافی استغفار
کند و دو رکعت نماز بگذارد و یکصد بار دیگر استغفار کند و بعد از آن
صلوات بر رسول علیه السلام فرستد و ابتدا اسما کند در یک شبانروز
بعددی که مقرر است که عدد یکی خوانند بخواند تا مجرب باشد و
مدت وی چهل روز است و در آخر هر بار صلوات بر رسول الله صلعم
بفرستد و در اول نیز والله اعلم اسماء چهل گانه که شب معراج
هدیه شده بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
والصلوة والسلام علی نبیه محمد و آله اجمعین اما بعد چنین
روایت میکنند راویان معتبر از حضرت مهتر و بهتر موجودات

محمد

محمد المصطفی صلی الله علیه و آله که فرمودند که معتبرترین هدیه
که در شب معراج از حضرت رب العالمین یافتم این چهل اسم بود
که آسمان و زمین و عرش و کرسی و لوح و قلم از عظمت و بزرگی
این چهل اسم و معجزات انبیاء علیهم السلام و کرامات اولیا برکات و بزرگی
این چهل اسم اعظم است و اوراد و اذکار ملائکه مقربین است
و توبه آدم علیه السلام با برکات این چهل اسم است که در قبول آمد و
توبه داود علیه السلام برکات این چهل اسم بود که قبول آمد و سلطنت
و حکومت سلیمان علیه السلام از برکات این چهل اسم بود و خلاصی
ابرهیم علیه السلام از آتش نمرود از برکات این چهل اسم بود و هر مرده
که عیسی علیه السلام زنده کرد از برکت این چهل اسم بود و معجزات حضرت
رسالت پناه صلعم و کرامات اولیا بر برکات این چهل اسم بود
و از سلطان محمود رحمه الله نقل میکنند که گفت فتح خوارزم و
سومنات از برکات این چهل اسم یافتم پس هر آن بنده مؤمنی که
این چهل اسم با خود دارد در امن و امان حق سبحانه و تعالی
باشد و بهر حاجت و نیت که بخواند بیشک بمقصود برسد
و شرح این چهل اسم بیش از آنست که شرح توان گفت اما
هر آن بنده موحد که با خود دارد و خواند عجایبها و اثرهای

آن دمبدم مشاهده میکند و دیگر هر پنج اسم از این چهل اسم خاصیتی
دارد که شرح آن داده میشود انشاء الله شرح پنج اسم اول اگر جمع
حسودان بخصم بر بیرون آیند و قصد این کس کنند مدد روز
بروزه باشد و غسل کند و جامه پاک در پوشد و بوی خوش
بکار دارد و در خانه خالی برود و هزار بار از این چهل اسم این
پنج اسم اول بر نیت دفع خصم بخواند البته خصم سرگشته و پراگنده
گردند و تفرقه در میان ایشان افتد و از مقام خویش بر افتند
و خراب و خجل شوند پنج اسم اول اینست اول بسم الله
الرحمن الرحیم سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء
ووارثه ۲ یا اله الآلهة الرفیع جلاله یا اله ۳ یا الله
المحمود فی کل فعاله ۴ یا رحمن کل شیء وراحمه یا رحمن ۵
یا حی حین لا حی فی دیمومیة ملکه وبقائه یا حی آیات
موافق هر اسم ۱ سبحانه هو الله الواحد القهار ربنا تقبل
۲ والله محیط بالکافرین والله لا یحب الظالمین ۳ والله
علیم بالظالمین ان الله لا یحب الکافرین ۴ والله لا یهدی
القوم الکافرین ۵ ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به و
اعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا علی

القوم

القوم الکافرین شرح پنج اسم دوم اگر چنانچه شخصی غمی دارد
و شغلی و علتی پیش میگردد و پریشان حالست و خواهد که
قراری و استقامتی در حال وی پیدا گردد چهل روز هر روز
این پنج اسم بخواند که البته آن شغل وی میسر گردد و اگر
کسی خواهد که از علم دین چیزی دریابد و هیچ تحصیل
نکرده باشد این پنج اسم را ورد خود سازد و بخواند که بر دل و زبان
او چشمه علم گشاده شود از حکمت الهی چنانکه خلایق از وی بهره‌مند
شوند و اگر مزید عمر دوست خواهد هزار بار بخواند که البته
بمراد رسد و اگر از برای دشمن خواند نیست گردد پنج اسم
دوم بسم الله الرحمن الرحیم ۱ یا قیوم فلا
یفوت شیء من علمه ولا یؤوده یا قیوم ۲ یا دائم فلا
فناء ولا زوال لملکه یا دائم ۳ یا صمد من غیر شبه
فلا شیء کمثله یا صمد ۴ یا واحد الباقی اول کل شیء
وآخره ۵ یا باق فلا شیء کفوه یدانیه ولا امکان
لوصفه یا باق آیات موافق ۱ بسم الله الرحمن الرحیم
الم الله لا اله الا هو الحی القیوم ۲ ولا تدع مع الله
الها آخر لا اله الا هو کل شیء هالک الا وجهه له الحکم

وَ اِلَیهِ تُرجَعُونَ ۳ بَدِیعُ السَّمٰوَاتِ وَ الاَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ
وَ الاِکرَامِ ۴ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ
یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ ۵ وَ اِلٰهُکُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ لَا
اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ خواص پنج اسم سیوم اگر
کسی خواهد که بنزدیک پادشاهی یا بزرگی حاجتی برد سه
روز روزه دارد و هر روز هزار بار این پنج اسم را بخواند
چون پیش ایشان رود بحاجت قبول کنند چنانکه هرچه
او گوید بشنوند و همیشه او را طلبه کنند و کار بنا او کردند
و اگر کسی در بند باشد و خلاصی طلبد این پنج اسم را بخواند
و باد بر خود دمد که البته از آن بند خلاص یابد پنج اسم سیم
اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ ۱ یَا کَبِیرُ اَنْتَ الَّذِی لَا تَهْتَدِی
الْعُقُولُ لِوَصْفِ عَظَمَتِهِ یَا کَبِیرُ ۲ یَا بَارِئَ النُّفُوسِ
بِلَا مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَیْرِهِ یَا بَارِئُ ۳ یَا زَاکِی الطَّاهِرُ
مِنْ کُلِّ اٰفَةٍ بِقُدْسِهِ یَا زَاکِی ۴ یَا کَافِیَ الْمُوَسِّعُ لِمَا
خَلَقَ مِنْ عَطَایَا فَضْلِهِ ۵ یَا نَقِیًّا مِنْ کُلِّ جَوْرٍ لَمْ یَرْضَهُ
وَ لَمْ یُخَالِطْهُ فِعَالُهُ اٰیات موافق ۱ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ
شَیْءٍ قَدِیرٌ ۲ وَ اَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ عِلْمًا

ذٰلِکُمُ اللّٰهُ رَبُّکُمْ خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۳ اَلَا اِلَی اللّٰهِ تَصِیرُ
الْاُمُورُ وَ اَنَّ اللّٰهَ لَیْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِیدِ ۴ اِنَّ اللّٰهَ لَا
یَخْفٰی عَلَیْهِ شَیْءٌ فِی الْاَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ ۵ لَا اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَ کَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِیمًا خواص پنج
اسم چهارم اگر کسی خواهد که از قرض خلاص یابد و از تنگ
دستی برهد و فراخی و بتنگی احوال چون خواهد که گشایش در
کار او پیدا شود برود بصحرای و هزار بار این پنج اسم را
بخواند که البته گشایش و جمعیتی در کار او پیدا شود و اگر
خواهد که کسی با او احسانی کند بی خواست او این پنج اسم را ۱۰
بخواند و باد بر خود دمد که آن کس با او احسان کند و اگر
کسی در معصیتی باشد و خواهد که او را از آن معصیت باز
دارد در شب جمعه هزار بار این پنج اسم را بخواند که آنکس
پاک روزی گردد و دیگر سر آن معصیت نرود و اگر کسی
امانتی بدست کسی بدهد و خواهد که گزندی بوی نرسد
این پنج اسم را بنویسد و بر سر آن امانت دهد که هیچ
گزندی بوی نرسد اگر چه در میان راه بنهد که در امان حق
سبحانه و تعالی باشد و بزرگوارترین چهل اسم این پنج

و اللّٰه اعلم پنجم اسم چهارم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ ۱ یَا حَنَّانُ
اَنْتَ الَّذِی وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا ۲ یَا مَنَّانُ
ذَا الْاِحْسَانِ قَدْ عَمَّ کُلَّ الْخَلَائِقِ مَنُّهُ ۳ یَا دَیَّانُ الْعِبَادِ
کُلٌّ یَقُومُ خَاضِعًا لِرَهْبَتِهِ وَ رَغْبَتِهِ ۴ یَا خَالِقَ مَنْ فِی
السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ کُلٌّ اِلَیْهِ مَعَادُهُ ۵ یَا رَحِیمَ کُلِّ
صَرِیخٍ وَ مَکْرُوبٍ وَ غِیَاثَهُ وَ مَعَاذَهُ اٰیات موافق
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ ۱ تَنْزِیلُ الْکِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِیزِ
الْحَکِیمِ ۲ حٰمٓ تَنْزِیلُ الْکِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ غَافِرِ
الذَّنْبِ وَ قَابِلِ التَّوْبِ ۳ کٓهٰیٰعٓصٓ حٰمٓ عٓسٓقٓ وَ هُوَ الْعَلِیُّ
الْعَظِیمُ ۴ صٓ وَ الْقُرْاٰنِ ذِی الذِّکْرِ قٓ وَ الْقُرْاٰنِ الْمَجِیدِ
نٓ وَ الْقَلَمِ وَ مَا یَسْطُرُونَ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ ۵
اَللّٰهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهِ یَرْزُقُ مَنْ یَشَاءُ وَ هُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ
خواص پنج اسم پنجم اگر کسی در بند باشد یا در دست ظالمی
گرفتار بود و خلاصی خواهد بستاند پارهٔ از حریر سفید
در صباح روز چهارشنبه و این پنج اسم را بر آن حریر
یا در حریر بنویسد و با خود دارد که حق تعالی او را از آن ظالم
خلاص کند و ایمن گردد و اگر بر کسی سحری کرده باشند

و در آن سختی باشد و خواهد که از آن خلاص یابد این پنج
اسم را بنویسد بمشک و زعفران بر کاسه چینی و بنبات در آن
شربت کرده باز خورد که البته از آن سختی خلاصی یابد
و سحر از وی برود و از آن سحر نجات یابد و پنج اسم پنجم
اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ ۱ یَا تَامُّ فَلَا تَصِفُ الْاَلْسُنُ
کُلَّ کُنْهِ جَلَالِ مُلْکِهِ وَ عِزِّهِ ۲ یَا مُبْدِعَ الْبَدَایِعِ لَمْ یَبْغِ
فِی اِنْشَائِهَا عَوْنًا مِنْ خَلْقِهِ ۳ یَا عَلَّامَ الْغُیُوبِ فَلَا
یَفُوتُ شَیْءٌ مِنْ [illegible] حِفْظِهِ یَا عَلَّامَ [illegible] ۴ یَا حَلِیمُ
ذَا الْاَنَاةِ فَلَا یُعَادِلُهُ شَیْءٌ مِنْ خَلْقِهِ ۵ یَا مُعِیدَ مَا اَفْنَاهُ
اِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ لِدَعْوَتِهِ مِنْ مَخَافَتِهِ اٰیات موافقه ۱ هُوَ
الْحَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِینَ ۲ وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لَا یَعْلَمُهَا اِلَّا
هُوَ وَ یَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا
یَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٍ فِی ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا یَابِسٍ
اِلَّا فِی کِتَابٍ مُبِینٍ ۳ اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ وَ هُوَ
الْعَزِیزُ الْغَفَّارُ ۴ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ رَحِیمٌ
وَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ سَرِیعُ الْحِسَابِ ۵ اِنَّ اللّٰهَ یَعْلَمُ

ShivaDoc.com

غَيْبَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللّٰهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ خواص پنجم اسم
ششم اگر در میان دوستی جدائی افتاده باشد اگر چه چندین
فرسنگ باشد روز پنجشنبه هزار بار این پنج اسم بخواند بر
نیت او که در حال و ساعت دو روی خاطر بیکدیگر کنند و اگر ان تعالی
غضبی نقل کرده در ساعت روان از آن طرف گردد و بیاید و پنج
اسم ششم اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱ يَا حَمِيدَ الْفِعَالِ ذَا الْمَنِّ عَلَى
جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ ۲ يَا عَزِيزُ الْمَنِيعُ الْغَالِبُ عَلَى أَمْرِهِ فَلَا شَيْءَ
يُعَادِلُهُ ۳ يَا قَاهِرَ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ أَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ
۴ يَا قَرِيبُ الْمُتَعَالِي فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عُلُوُّ ارْتِفَاعِهِ ۵ يَا
مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ بِقَهْرِ عَزِيزِ سُلْطَانِهِ آیات موافق ۱ قُلْ
إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ
ذُنُوبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۲ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي
وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ
عَلَى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا ۳ يُحِبُّونَهُمْ
كَحُبِّ اللّٰهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ ۴ وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا
نَصْرٌ مِنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۵ إِنَّ اللّٰهَ
يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ خواص پنج اسم هفتم

اگر چه چنانچه حاکمی بر کسی ظلمی بیداد کند و خواهد که دفع ظلم
کند این پنج اسم را بر نیکشنبه بنویسد با خود دارد هم در آ
روز بنیاد کرده این پنج اسم را چهل بار بخواند و باید که مقابل
آفتاب ایستاده بخواند و حال خود در دل با آفتاب بگوید
که آفتاب آن ظالم را بسوزاند و هلاک گرداند و پنج اسم هفتم
اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱ يَا نُورَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدَاهُ أَنْتَ
الَّذِي خَلَقَ الظُّلُمَاتِ بِنُورِهِ ۲ يَا عَالِي الشَّامِخُ فَوْقَ كُلِّ
شَيْءٍ عُلُوُّ ارْتِفَاعِهِ ۳ يَا قُدُّوسُ الطَّاهِرُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ
فَلَا شَيْءَ يُعَازُّهُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ ۴ يَا مُبْدِعَ
الْبَرَايَا وَمُعِيدَهَا بَعْدَ فَنَائِهَا بِقُدْرَتِهِ ۵ يَا جَلِيلُ
الْمُتَكَبِّرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَالْعَدْلُ أَمْرُهُ وَالصِّدْقُ وَعْدُهُ
آیات موافقه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱ اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ
وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي
زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ
مُبَارَكَةٍ ۲ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا
وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ
مَا خَلَقَ اللّٰهُ ذٰلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ ۳ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا

هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ
الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ
الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۴ فَالِقُ
الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا
ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۵ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ
الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَ
الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ خواص پنج اسم هشتم اگر
خواهد که دشمنی را دوست خود کند این پنج اسم را بخواند
و باد بر خود دمد که بیشك آن کس دوست وی گردد و دیگر
دشمنی نتواند کردن بفرمان خدای تعالی پنج اسم هشتم
اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱ يَا مَحْمُودُ فَلَا تَبْلُغُ
الْأَوْهَامُ كُلَّ كُنْهِ ثَنَائِهِ وَمَجْدِهِ ۲ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ ذَا
الْعَدْلِ أَنْتَ الَّذِي مَلَأَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْلُهُ ۳ يَا عَظِيمُ ذَا
الثَّنَاءِ الْفَاخِرِ وَذَا الْعِزِّ وَالْمَجْدِ وَالْكِبْرِيَاءِ فَلَا يَذِلُّ
عِزُّهُ ۴ يَا عَجِيبُ فَلَا تَنْطِقُ الْأَلْسُنُ بِكُلِّ آلَائِهِ وَثَنَائِهِ
۵ يَا قَرِيبُ الْمُجِيبُ الْمُدَانِي دُونَ كُلِّ شَيْءٍ قُرْبُهُ آیات
موافقه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ

ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۲ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ
السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمٰوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۳ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ
عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ
فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ
هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۴ قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللّٰهَ بِدِينِكُمْ وَاللّٰهُ
يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
۵ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ
الْمُتَوَكِّلِينَ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللّٰهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ
ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
خاتمه اسماء اربعین که معروفست يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُلِّ كُرْبَةٍ
وَمَعَاذِي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ وَمُجِيبِي عِنْدَ كُلِّ دَعْوَةٍ
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَمَانًا مِنْ عُقُوبَاتِ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تَصْرِفَ عَنِّي أَبْصَارَ الظَّلَمَةِ الْمُرِيدِينَ
بِيَ السُّوءَ وَأَنْ تَصْرِفَ قُلُوبَهُمْ عَنْ شَرِّ مَا يُضْمِرُونَهُ
إِلَى خَيْرِ مَا لَا يَمْلِكُهُ غَيْرُكَ اللّٰهُمَّ هٰذَا الدُّعَاءُ وَمِنْكَ
الْإِجَابَةُ وَهٰذَا الْجُهْدُ وَعَلَيْكَ التُّكْلَانُ وَلَا حَوْلَ وَلَا

ShivaDoc.com

قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ اَجْمَعِينَ ایات موافق دعا اینست
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
رَبَّنَا اِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ
مِنْ اَنْصَارٍ رَبَّنَا اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْاِيمَانِ اَنْ
آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ
النَّارِ وانصرنا وَاَنْتَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ وَاَنْتَ قُلْتَ وَ
قَوْلُكَ الْحَقُّ وَيَنْصُرَكَ اللهُ نَصْرًا عَزِيزًا يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ
يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ تمت بسم الله الرحمن الرحيم
لاهُمَّ نصير بِاسْمِكَ الْمَرْغُوبِ فی الدین مظفر
بن بالمطلوب بلع من عبدك السلم الاوفی احد
یارب الی رسولك المحبوب وبعد یقول محدث الا جاد
هو ابن الحسین بن محمد جواب سوالی
که حضرت آصفی از کلمة التقوی فرموده‌اند در ضمن این
کلمات مندرج است و در طی این عبارات مندرج هو
الله حسبی ونعم الوکیل ونعم النصیر الحسیب الجلیل وصلی
الله علی المصطفی والآل والاصحاب والمرتضی زبده

این رساله و مضمون این مقاله اسم کلمه توحید است حیث
قال الامام المجاهد الحقیقی لا المجازی فخر الدین الرازی طیب
الله ثراه فی کتاب اسرار التنزیل الفصل الثالث فی اسماء کلمة
التوحید الاسم الاول کلمة التوحید این اسم مر این کلمه را از آن
جهت که دلالت میکند مطلقا بر نفی شرك وفایده قید اطلاق
آنست که چون حضرت عزت جلت عظمته فرمود که وَاِلٰهُكُمْ
اِلٰهٌ وَاحِدٌ خدای شما خدایی است یکانه شاید که در خاطر کسی خطور
کند که اگر چه خدای ما یکیست شاید که خدای غیر ما مغایر خدای
ما باشد حق سبحانه وتعالی این التباس وهم فرمود ببیان
توحید مطلق وگفت لا اله الا هو یعنی ماهیت اله منتفی است
الا الله وهرگاه که ماهیت منتفی باشد جمیع افراد منتفی
باشد الا فرد مستثنی و بس الکون بدانکه این کلمه را دو
ثمره است اول آنکه جوهر انسان را آفریده‌اند در اصل شرف
ومکرم شاید تر سر لوح اعلم وچون اصل در وی پاکیست نجاست
برخلاف اصل باشد وچون نجاست نیست الا شرك بدلیل
اِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ وسبحان الله اِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَنْجَسُ
پس موحد طاهر مطلق باشد چه بر وفق اصلست وچون

در طهارت کاملست از خواص حضرت حق باشد لقوله تعالی الطَّيِّبَاتُ
لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ وقول رسول الله صلی الله علیه وآله
وسلم اِنَّ اللهَ تَعَالٰى طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ اِلَّا الطَّيِّبَ ثمره دوم آنکه
شرك سبب خرابی عالم است تَكَادُ السَّمٰوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ
وَتَنْشَقُّ الْاَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا اَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمٰنِ وَلَدًا
وچون شرك سبب خرابی عالم باشد توحید سبب عمارت
آن باشد بتخصیص عمارت دل که محل معرفت و توحید است
و زبان که محل ذکر لا اله الا الله است چون توحید عالم
گشت معمور زبان و جان و دل یابند از وی نور موحد را
چو شد نور و صفا جمع که آمر زیده گردد کی بود دور
اسم دوم کلمة الاخلاص و اخلاص در عرف شریعت و طریقت
پاك کردن نیت است از غیر تقرب بحضرت خدای تعالی
جَاءَ عَنِ اللهِ تَعَالٰى اَنَّهُ قَالَ اَنَا اَغْنَى الشُّرَكَاءِ عَنِ
الشِّرْكِ مَنْ عَمِلَ عَمَلًا اَشْرَكَ فِيهِ مَعِي غَيْرِي تَرَكْتُهُ وَشِرْكَهُ
و در هیچ عمل اخلاص چنان متصور نیست که در توحید چه
توحید عمل دلست و آن معرفت وحدانیت حق تعالی است
واین معرفت محالست که از برای غرضی دیگر باشد غیر از
طاعت

طاعت و عبادت پس این معرفت مطلوبست لوجه الله نه از
برای غرضی دیگر البته بخلاف سایر طاعات بدنیه که ممکنست
که از برای ریا و سمعه و مدح و ثنا باشد و از اینجا معلوم شد
که حقیقت این کلمه اولی است بآنکه مسمی شود بکلمة الاخلاص
چه در تلفظ باین کلمه مشترکند عام و خاص اسم سوم کلمة
الاحسان بدلیل قوله تعالی هَلْ جَزَاءُ الْاِحْسَانِ اِلَّا الْاِحْسَانُ
قال المفسرون هل جزاء الایمان وقال الامام ای هل جزاء
من اتی بقول لا اله الا الله الا ان اجعله فی حمایة لا اله الا
الله یعنی نیست جزاء کسی که بیاورد کلمه لا اله الا الله الا
آنکه در آورم او را در حمایت لا اله الا الله وبان لِلَّذِينَ اَحْسَنُوا
الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ مراد از اَحْسَنُوا قول لا اله الا است باتفاق
ائمه تفسیر چه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود لِلَّذِينَ
قالوا لا اله الا الله الحسنی وهی الجنة والزیادة وهی
النظر الی الوجه الکریم اسم چهارم دعوة الحق قال الله تعالی
فی سورة الرعد لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ ابن عباس رضی الله عنهما
گفته که آن قول لا اله الا الله است یعنی او راست دعوت حق
نه غیر او را و تحقیق کلام در اثبات این حصر آنست که حق

ShivaDoc.com

نقیض باطلست پس حق موجود باشد و باطل معدوم و چون حق
سبحانه و تعالی حقست در ذات و صفات و ممتنع التغیرست
در حقیقت معرفت او معرفت حق باشد و ذکر او ذکر حق و
دعوة باو دعوة حق و هرچه غیر اوست ممکن است و ممکن حقا
لذاته نیست پس معرفت او واجب التحقق نباشد و ذکر او و
دعوت او همچنین و از اینجاست که حضرت رسالت صلی الله
علیه و علی آله و سلم فرمود اصدق کلمة قالها الشاعر کلمة لبید
الا کل شیء ما خلا الله باطل یعنی راستترین سخنی که شاعر
گفته است سخن لبیدست و معنی سخن لبید اینست که آگاه
و دانا باشید که هر چیزی غیر از خدا باطلست و الحق موافق
کلام الهیست حیث قال عز من قائل کل شیء هالک الا
وجهه و هم ازین مستنزیست فرو ریختی باز در جام جود
بهر شرابی که هوشم ربود از آن جام تا جرعه خورده ام
سرم در سجودست و جان در سجود دران جام دیدم بعین
الیقین نمودست غیر تو یعنی نه بود چه غیر و کجا غیر و
کو نقش غیر سوی الله و الله ما فی الوجود اسم پنجم کلمة العدل
قال الله تعالی ان الله یأمر بالعدل و الاحسان عثمان بن

مظعون

مظعون رضی الله عنه گوید که مسلمان نشدم آن روز که مسلمان
شدم الا بواسطه حیا و شرم از محمد علیه الصلوة و السلام چه بسیاری
عرض میکرد اسلام بر من شرم داشتم ازو و مسلمان شدم و لیکن
مسلمانی در دل من قرار نداشت تا روزی آنحضرت علیه الصلوة
و السلام مرا میخواند و بشرف اجابت او مشرف شدم دیدم [illegible]
که سخنی میگفت با من و دیدم که نظر باسمان کرد صید دو هزار
عقل و جان کرد پس جبرئیل فرود آمد و گفت یا محمد ان الله
یأمر بالعدل و الاحسان العدل شهادة ان لا اله الا الله
و الاحسان القیام بالعبودیة عثمان بن مظعون گوید که
آن روز ایمان در دل من فرود آمد و ابن عباس رضی الله
عنهما گفته عدل شهادة ان لا اله الا الله است و احسان
اخلاص در دل و سبب در تسمیه این کلمه بکلمة العدل آنست
که انسان مجبولست بر ظلم کما قیل الظلم من شیم النفوس فان
تجد ذا عفة فلعلة لا یظلم پس مادام که نداند که خدا یکیست
و جز حضرت او پناه نیست عدل که منافی شیمه اوست ازو
نیاید و چون این معنی بداند هر اینه بعدل گراید تا از وخامت
عاقبت ظلم آسوده در ظل حمایت عدل بیاساید اسم ششم

قول طیب قال الله تعالی و هدوا الی الطیب من القول
بیان طیب این کلمه محتاج بشرح و بسط نیست چه نجاست
کفر هفتاد ساله بسبب ذکر این کلمه یک نوبت بیکبار زائل
میشود چو بوی مشک که هر نتن را کند ناچیز اسم هفتم
کلمه طیبه قال الله تعالی الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمة
طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء و
خلافست که چرا او را کلمه طیبه نام کرد و دران چند وجه
است اول آنکه طیبه است بآن معنی که پاکست از تشبیه و تعطیل
و طریقه متوسطاست میان هردو چنانکه شیر خالص از میان
فرث و دم مبرا از هردو و مصفی از شائبه هر یک وجه
دوم آنکه صاحب این کلمه طیب الاسم باشد در دنیا و طیب
المسکن در عقبی وجه سوم آنکه طیب است یعنی مقبولست
قبول کند آنرا حق تعالی کما قال الیه یصعد الکلم الطیب
سوال شجره طیبه درخت خرماست سبب چیست در
تشبیه کلمه توحید بآن جواب از چند وجه است اول آنکه
نخل نمی روید در هر بلاد بلکه در بعضی بلاد ثابت میشود
همچنین کلمه توحید جاری میشود بر همه زبانها و معرفت

آن حاصل نمیشود در همه دلها وجه دوم آنکه نخل اطول اشجارست
همچنین کلمه توحید بلندترین کلماتست وجه سوم آنکه درخت
خرما ریشه است در زمین و شاخ آن در آسمان همچنین اصل
کلمه طیبه که آن معرفتست ثابتست در دل و فروع آن در
آسمانست الیه یصعد الکلم الطیب وجه چهارم آنکه درخت
خرما هر سال دو بار بر میدهد همچنین درخت ایمان و توحید
دو نوبت میوه میدهد یکبار در دنیا و آن حسن مآل و دم آست
و اهلیت و شهادت و ولایت و امامت و یکصد نوبت در آخرت
و آن بهشت باقیست و دیدار بیچون و بیچگونه حق تعالی
وجه پنجم آنکه در میان میوه نخله نوایست که خیر و منفعت
دران نیست اما بواسطه استخوان خرما نخل را قیمت ناقص
نمیشود همچنین کلمه توحید از معصیت عاصی قدر و قیمت
نمیکاهد قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا
من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور
الرحیم اسم هشتم کلمه ثابته قال الله تعالی یثبت الله الذین
آمنوا بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة و در
علت این تسمیه چند وجه است اول آنکه گناه در وی اثر نمیکند

درزمین

ShivaDoc.com

او موثرست در ازالت ذنوب چه موحّد را اگرچه گناه بزرگ
بسیار باشد همچنان امید عفو هست انّ الله لا یغفر ان یشرک
به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء و کافر را اگرچه کفر عظیم
باشد چون رجوع بتوحید کند توحید کفر او مهدوم و مهلک
گرداند قل للّذین کفروا ان ینتهوا یغفر لهم ما قد سلف وجه
دوّم آنکه این کلمه ثابت است در آخرت و مرتفع نمیشود از بنده
چه اهل بهشت مشغول اند در جنت بذکر توحید نمی بینی که
میگویند الحمد لله الّذی اذهب عنّا الحزن و قالوا الحمد لله
الّذی صدقنا وعده الحمد لله الّذی هدانا لهذا وجه سوّم
آنکه این کلمه را اصلی محکم است چه اوّل گواهی باین کلمه حضرت
عزت داد بدلیل شهد الله انّه لا اله الّا هو پس شهادت
جمیع شاهدان فرع شهادت حق تعالی است و آن شهادت
اصلست پس فرع آن اصل ثابت باشد در دنیا و آخرت اسم
نهم کلمة التقوی قال الله تعالی و الزمهم کلمة التقوی و
درین تسمیه دو وجه است اوّل آنکه چون پرهیز کرد صاحب
این کلمه از آنکه وصف کند حق تعالی را بوصفی که مشرکان کردند
کلمه را کلمة التقوی نام شد چه سر تقوی پرهیز از شرک است

و درین آیت اشارتیست و بشارتی امّا اشارت آنست که حق
سبحانه و تعالی خود را اهل تقوی خوانده هو اهل التقوی و اهل
المغفرة و موحّدان اهل کلمه تقوی یک نکته ازین دفتر گفتیم و
همین باشد و امّا بشارت آنست که بعد ازین فرمود و کانوا احقّ
بها و اهلها چون اثبات کرد که موحّدان سزاوارترین خلق اند
باین کلمه و کریم حق از مستحق باز نستاند لاجرم ایمان از مؤمن
انتزاع نفرماید وجه دوّم درین تسمیه آنکه این کلمه واقی و
نگهدارنده بدنست از شمشیر و مال از استغنام و ذمت از جزیت
و اولاد از بردگی و دل از کفر و جوارح از معاصی اسم دهم
کلمه باقیه بسیاری از مفسّران گفته اند در تفسیر آیت و جعلها
کلمة باقیة فی عقبه که آن قول لا اله الّا الله است بدلیل صدر
آیه چه مقدّمه آیت اینست که و اذ قال ابرهیم لابیه و قومه
انّنی براء ممّا تعبدون این اشارتست بلا اله است الّا الّذی
فطرنی فانّه سیهدین اشارت بالّا الله و باز معنی اینست که
توحید زائل نمی شود بسبب معصیت پس باقی باشد روایت
کند جابر بن عبد الله رضی الله عنهما از رسول صلی الله علیه و آله
وسلّم از جبرئیل علیه السّلام که حق تعالی فرماید در روز قیامت

مالی اری فلانا فی صفوف اهل النار من گویم یا رب ما او را
هیچ حسنه و نیکی نیافتیم حق تعالی گوید من شنیدم از و که در دنیا
میگفت یا حنّان یا منّان برو و سؤال کن از و جبرئیل
بیاید و او را در میان آتش یابد و او را در گوشهای دوزخ یابد
بلکه یا حنّان یا منّان مشغول جبرئیل او را ازین کلمه سؤال
کند در جواب گوید که هیچ حنّان و منّان غیر از خدا هست
یعنی نیست جبرئیل گوید لا او دست او بگیرد و او از صفوف
اهل دوزخ بصفوف اهل بهشت آورد اکرم هیچ بنا شد
بر دینی مر بعقبی چو تو دارم همه دارم دگرم هیچ نباید اسم
یازدهم کلمة الله العلیا و کلمة الله هی العلیا و سبب در علو
این کلمه وجوه است اوّل آنکه چون نور این کلمه در دل تجلی
کند دل را قوّتی الهی ربانی پدید آید که احوال دنیوی را حقیر شمارد
بلکه عظماء و ملوک و سلاطین را نقص انگارد و التفات بهیچ چیز
از طیبات دنیا نکند و بهیچ چیز از بلیات دنیا متاثر نشود دو
نبینی که سحره فرعون را چون نور این کلمه ظاهر شد التفات
ننمودند بدست و پا بریدن و حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم
چون مستغرق شد درین نور نظر بملکوت نکرد ما زاغ البصر

و ما طغی نقلست که ابرهیم خوّاص رحمة الله علیه در بادیه بود و حالی
ازین کلمه بر وظهور کرد پهلو بر زمین نهاد در دبیا بان بیامدند
و گرداگرد او حلقه زدند و او باک از ایشان نداشت و رفیق او
بترسید و بر درختی رفت و همانجا ترسان بماند تا صباح تا
دیگر که آن حال زائل شد پشه نیش بر دست او فرو برد متالم
شد و اظهار جزع و ناله کرد آن رفیق گفت دوش از سباع
اندیشه نداشتی و امشب از پشه متالم شدی گفت دوش سلطانی
در دل من فرود آمده بود که با وجود او فکر از ملک و ملکوت
نداشتم و اکنون آن سلطان نهضت فرموده لاجرم ضعف و
عجز پیدا شد وجه دوّم استعلاء این کلمه در دنیا بر سائر ادیان
بدلیل لیظهره علی الدّین کلّه وجه سوّم آنکه عالی و غالبست
بر جمیع ذنوب و تمام عیوب کما اشیر الیه اسم دوازدهم
مثل اعلی قتاده گوید و لله المثل الاعلی معناه لا اله الّا
الله و مراد از و لله المثل الاعلی همانست که و کلمة الله هی
العلیا چه مثل بمعنی صفت است اینجا مثلا مثل الجنة التی
وعد المتقون یعنی صفتها اسم سیزدهم کلمه سواء قل یا اهل
الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم ابو العالیه گوید

ShivaDoc.com

هی کلمة لا اله الا الله بآن دلیل که بعد از این فرمود الا تعبدوا الا
الله و لا تشرکوا به شیئا و معنی این و مراد از لا اله الا الله یکیست
و اگر عقل هر کس را بفطرت اصلی بگذارند معترف بصحت این
کلمه شود پس همه در معرفت این کلمه مساوی اند مع بقائها
علی حالها کل مولود یولد علی الفطرة فابواه یهودانه و
ینصرانه و یمجسانه علی قائله افاضل الصلوات و اکامل التحیات
اسم چهاردهم کلمة النجاة بدلیل قرآن و حدیث اما قرآن ان الله
لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء چه
آیة صریحست در آنکه نجات موقوف توحید صحیح است و آیتی
دیگر و یا قوم ما لی ادعوکم الی النجاة و اما حدیث روایتست
از ابو هریرة رضی الله عنه که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که ندا ده در میان مردمان که هر که گواهی دهد که
لا اله الا الله واجب شود او را بهشت ابو ذر گفت که اگر
چه زنا و دزدی کرده باشد آنحضرت فرمود که اگر چه زنا و
دزدی کرده باشد و در نوبت سوم فرمود و ان رغم انف
ابی ذر اسم پانزدهم ابن عباس رضی الله عنهما گفته که در
آیة لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا که

ابوذر رضی الله عنه

عهد لا اله الا الله است و مؤید و مقوی قول ابن عباس آست
این که جماعتی از مفسران گفته اند در تفسیر و اوفوا بعهدی اوف
بعهدکم که آن عهد ایمانست بدلیل آنکه در عقب این میفرماید
و آمنوا بما انزلت مصدقا لما معکم و باز اول عهدی که واقع
شد عهد الست بود و آن فی الحقیقه قول لا اله الا الله است
اسم شانزدهم کلمة الاستقامة قال الله تعالی ان الذین قالوا
ربنا الله ثم استقاموا ابن مسعود رضی الله عنه گوید مراد
از استقاموا قول لا اله الا الله است چه اول کلمه ربنا الله
است اقرار بوجود رب بعد از آن نفی شرکا و اضداد و
مطلب اول مشترکست میان عامه خلق الا ما شاء الله
و ثانی مخصوص اهل استقامت اسم هفدهم مقالید
السموات و الارض بقول ابن عباس رضی الله عنهما از
چند وجه اول آنکه اگر بر فرض محال دو خدا بودی فساد
در عالم حاصل شدی لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا
پس شرک سبب فساد عالمست و توحید سبب صلاح آن
لاجرم مقالید السموات و الارض قول لا اله الا الله باشد
وجه دوم آنکه بیان کردیم که شرک سبب خرابی عالمست

و توحید سبب عمارت آن سوم آنکه درهای آسمان گشوده
نمیشود تا زد دعا الا بکلمه لا اله الا الله و ما دعاء الکافرین
الا فی ضلال و درهای بهشت گشاده نمیگردد الا باین قول
و درهای آتش بسته نمی ماند الا بهمین کلمه و در دل نعیم
نمیشود الا باین کلمه لا اله الا الله اسم هجدهم قول سدید
یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیدا در تفسیر این
آیت گفته اند فعیل بمعنی فاعل باشد چون سمیع بمعنی سامع
و بمعنی مفعول نیز آید چون قتیل بمعنی مقتول چون حمل
بر معنی فاعل کنند مراد آن باشد که این کلمه سد میکند و می
بندد بر صاحب خود درهای دوزخ و چون حمل بر معنی
مفعول کنند معنی آن باشد که این قول سدیدست و راه
او بسته اند از آنکه چیزی از گناه مضر او تواند بود والحق
چنانکه سد ذو القرنین دافع یاجوج و ماجوجست این
کلمه سد و مانع شیاطین انس و جن است اسم نوزدهم بر
لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البر
من آمن بالله و اشارت در آیت آنست که لیس البر ان تولوا
وجوهکم قبل المشرق و المغرب اشارتست بکثرت در قول شرکا

و لکن البر من آمن بالله اشارتست بتوحید و نفی انداد و این
مجموع قول لا اله الا الله است اسم بیستم دین قال تعالی الا
لله الدین الخالص و دین انقیاد و خضوعست یعنی خضوع
و خشوع خاص خدای است و نشاید که غیر او را تضرع و
استکانت نمایند و پرستش و بندگی کنند و این وقتی باشد که
وحدت حق ثابت شود چه با وجود تعدد آلهه این معنی
ممکن نیست پس حصر در آیت دلالت کند بر حقیت قول لا اله
الا الله و لا رب سواه اسم بیست و یکم صراط مستقیم اهدنا
الصراط المستقیم ای ارشدنا الی التوحید او ثبتنا علی التوحید
و هو قول لا اله الا الله اسم بیست و دوم کلمة الحق بدلیل و لا
یملک الذین یدعون من دونه الشفاعة الا من شهد بالحق یعنی
لا اله الا الله اسم بیست و سوم عروه وثقی بعد از آیة الکرسی
که مشتمل بر توحید است میفرماید که لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد
من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک
بالعروة الوثقی پس معلوم شد که توحید حق و کفر بطاغوت
و ایمان بمالک ملک و ملکوت که عبارت از لا اله الا الله است مسمی
عروه وثقی است اسم بیست و چهارم کلمة الصدق قال الله

ShivaDoc.com

والذی جآء بالصدق وصدق به اولئک هم المتقون و ازین آیت
وجه تسمیه بکلمة التقوی نیز موجه شد والله یقول الحق و هو
یهدی السبیل وحسبنا الله ونعم الوکیل تمت جهت تحقیق
خلاصی مصروع و بیمار بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین
بدان ایدک الله که از غزالی منقولست که هر کاه که خواهند که حالت
مصروع و بیمار را تحقیق کنند و بدانند که از چه قبیله او را صرع حادث
شده قاعده آنست که بر هر ناخنی از ناخنهای دست راست شخص
آنچه مذکور میشود بنویسند و کف دست او را بر زمین نهند و عزیمتی
که مذکور خواهد شد بخوانند تا کیفیت حال او معلوم شود و نوشته
ناخنها اینست ابهام فو فو سبابه بو بو وسطی ظفر بنصر کفو خنصر
مو مو و عزیمتی که باید خواند اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا حب
الترهلین شرطی علیک بحق عهد سلیمان و بالاسم الذی ارسلکم
به الی بلقیس و کتب الیها انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم
ان لا تعلوا علی واتونی مسلمین و این عزیمت هفت بار باید خواند
و عزمت علیکم یا معاشر الطرودش و یا بنی نهطوش و یا بنی
دهش و یا بنی خوبد و یا عبد الرحمن اعزمت علی قبائلکم
کلها الصامع منکم والناطق ان تسیر و ای کف هذا المریض اگر

مرد باشد او المریضة اگر زن باشد باید گفت ان کان به سحرا او عشق
فکفو و ان کان به دخیلا او صرعا فاضربوا بکف الارض و ان کان
به عینا من بنی آدم او بنات حوا فعوجوا یده بحق آهیا شراهیا
اذونی اصباوث آل شدای و بقیه عزیمت که نوشته شد هفت
نوبت باید خواند و بخورش حصا لبان است پس چون این عزیمت
با این عبارت که گذشت خوانده شد البته علامت ظاهر خواهد شد
چنانچه اگر سحر است دستش مرتعش میشود و اگر جن او را
گرفته است یا صرع دارد دست را از زمین برمیدارد و بر زمین
میزند و اگر چشم زخم است یا سحری که زنان بمردان کنند
اعوجاج میشود و اگر احیانا دستش بجای خود ساکن است علامت
سوداست و بطبیب میباید رفت والله اعلم پس چون حال معلوم
شد اگر مسحور است دفع سحر چنین باید کرد چنانکه فاتحة الکتاب را
معکوس بنویسد در جامی از چینی یا آبگینه که مدقق باشد بنویسد
و در وسط آن آیه جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان
زهوقا تکسیر بکند و مسحور را بیاشامند سه روز یا هفت روز
که خلاص شود و بعضی گفته اند یک نوبت کافی است و اگر مصروع
باشد یا جن گرفته باشد باید دانست که آن بر چهار نوع است

آبی و خاکی و بادی و آتشی و علامت هر یک علاحده نوشته میشود
و علاج آن مذکور خواهد شد اول آنچه خاکیست علامت او فریاد
مصروع است و بیرون دویدن و بی آرامی کردن و علاجش
آنست که اسم مصروع را و اسم مادرش را بحساب جمل جمع کرده
۱۲۱۲ از آن ساقط کند و طالعش را از آن معلوم کند و بآن برج
که برسد طالع شخص است اسم صاحب طالع بنویسد چنانچه
مثلا اگر بمیزان رسد طالع اسم زهره باید نوشت و اسماء اعظم
از آن استخراج باید نمود و جن را قسم باید داد تا مصروع را
بگذارد و دیگر باره مزاحم نشود و اسم جن خاکی ققطش است
و مثال عمل اینست مثلا گفتیم که طالع مصروع میزانست و صاحب
طالعش زهره است پس اسم زهره را بسط کردیم بدین طریق زهره
ز ی س ج ب ع ه ه خ م س ه ر م ا ت ی ن ه خ م س ه پس اسماء
اعظم ازین حروف استخراج باید نمود بدین طریق مثلا زکی سلام
بدیع علیم هو هادی خبیر مجید ستید هادم راحم مرید آله
تواب اول نور هو خالق محسن سمیع هادی و بخور از سیاه
دانه باید کرد پیش دماغ مصروع و سیر را بمصروع باید بویانند
و عزیمت باید خواند که بسم الله الرحمن الرحیم اقسمت علیک

یا ققطش بحق هذه الاسماء الاعظم یا زکی یا بدیع یا علیم الی
آخره انطلق من جوف هذا المریض ولا تعارض علیه ابدا و اگر
خواهند که عمل نافذ باشد برجای اخرج انطلق باید گفت و یا اخرج
اطلع باید گفت و عزیمت را سه نوبت یا هفت نوبت باید خواند که
ققطش بحرف بیاید او را قسم باید داد و عهد باید گرفت که دیگر
مزاحم شخص نشود و اگر بسخن نیاید تکرار عزیمت باید کرد و باید
گفت که انطق فقد نطق الشجر انطق فقد نطق المدر انطق فقد
نطق الجبال انطق فقد نطق السموات والارضون بحق یا زکی
الی آخره و اگر صرع آبی باشد اسم او ابیض است و علامت مصروعش
تمام علامت موجات و کف بدهان آوردن و دست بهم مالیدن
علاجش آنست که طالع وقت را ملاحظه کند و در همان ساعت که
چه طالعست مثلا فرض کردیم که شخص را صرع گرفت در وقتی که طالع
وقت برج اسد بود پس اسم اسد نوشتیم بدین طریق اسد و بسط کردیم
بدین وجه ا ل ح د س ت ی ن د ا ر ب ع ه پس ازین حروف
اسما استخراج کردیم بهمان نوع که در عمل پیشین گذشت چنانچه در
این عمل این اسما باشد الله احد دیان سلام ستید تواب جلیل
نور حایم اول بدیع علیم هادی و عزیمت باید خواند که بسم الله

الرحمن الرحیم اقسمت علیک یا ابیض بحق الله احد الی آخره و بحق یا
الله یا احد الی آخره و همان عبارت انطق باید گفت و اگر بحرف نیاید
همان عبارت که در عمل اول گفته شد تکرار باید نمود تا وقتی که ابیض
بحرف آید و عهد کند که مزاحم مریض نشود و اسمای مذکور را
باید نوشت در ظرف چینی که مریض بیاشامد یا بشربت یا بآب اما اگر
صرع بادی باشد اسم او زوبعه است و علامت این مصروع بسیار
گفتن هذیانست و علاجش آنست که اسم مصروع را بنویسند و بسط
کنند و اسما از آن استخراج کنند و عزیمت کنند زوبعه را بر اسمای
که استخراج کرده باشند مثلا اسم مصروع احمد است و بسطش بدین
قاعده است آلف حا دال حا ثا میم الف ها میم الف را با عین یا نون دال الف را با عین ها
و اسمای که مستخرج میشود اینست الله احد حی دائم حق ثابت
مجید اکبر نور بر هادی ماجد ازلی رحیم بدیع علیم بقا
نافع ابدی رؤف باری عالی هو و عزیمت این عمل اینست که اقسمت
علیک یا زوبعه بحق یا الله یا احد یا حی الی آخره و بهمان عبارت
که در اول عمل گفته شد باید خواند تا زوبعه مسخر شود و بحرف
آید و عهد کند که دیگر باره مزاحم نشود و اسما را بر ظرفی بنویسند
تا مریض بیاشامد یا بشربت یا بآب و بخورد و در همه اعمال سیم جائز است

ومریض را سر که ببویانند در وقت صرع و اگر صرع ناری باشد اسم او
مذهب است و علامت او رعشه است که مصروع مرتعش باشد
و این علت در شخص در اول ماه یا آخر ماه واقع میشود و اکثر در
وقت عصر وقوع مییابد و مصروع در بین الوصال مقت و زبان
بیرون میآورد از دهان و گردنش بیک طرف میل میکند و
علاجش آنست که در ساعتی که شخص متالم شود صاحب آن ساعت را
اسم بسط باید کرد و استخراج اسماء الهی باید نمود مثلا شخصی در
روز دوشنبه مصروع شد باید دید که از صبح این روز ساعت آن
وقت که شخص را صرع گرفته است چند ساعت گذشته باشد اینها
در ساعت اول روز است یا دویم یا سیوم الی آخر الیوم مثلا
در ساعت پنجم این روز بیمار شده و ساعت پنجم این روز
متعلق است بشمس که آفتابست پس اسم آفتاب را بسط باید نمود
و عمل بران باید کرد مثلا شین میم سین الف لف تا الف یا میم الف را با عین یا نون
سین یا نون و اسما اینست شهید ثابت لطیف اکبر تواب مجید
احد هادی مکرم ازلی رؤف باقی عالم رشام نور سید سلام تواب
کبیر نافع و قسم این عمل اسم مذهب است که بسم الله الرحمن الرحیم
اقسمت علیک یا مذهب بحق یا شهید یا ثابت یا لطیف الی آخره و همان

عبارت انطق باید خواند تا وقتی که مذهب بحرف آید و عهد کند
و تعویذ از اسماء مستخرجه جهت مصروع باید نوشت که با خود دارد
و تواند بود که همان تعویذ را بابیمار ببندند بی آنکه دعوت بکند
و قسم بدهند که بحرف آید و عهد کند باذن الله تعالی و الله
اعلم نوع دیگر پری چون در تن شخصی نشیند و یا دیوی تن ش
مسکن گزیند معزم شخص را در خط نشاند چهل بار این
عزیمت را بخواند و کل جویش زند محکم برسد او که جن از آن
برون مجنون شود شاد و عزیمت اینست بسم الله الرحمن الرحیم
عزمت علیک یا جنی الفاسق الفاجر العاصی اخرج من نفس
فلان بن فلان بحق بحوب عیطلل سعولاء بطمعتر غیتج
بیتطون دیمن بحق ابو مرة و بحق عزرائیل وامر آبو الجان
ابن طیتا یخوج ملقا عویج طلعلمهون غیماء دیلعو رکف
بحر مر آهیا شراهیا ادونای اصباوت آل شدای تم اگر خواهند
که بر کسی صرع مستولی شود در روز سه شنبه در ساعت اول
یکصد الف کتابت باید کرد و چهل میم که جن و مفتاح مریخ است
و یک حرف از اول اسم شخص که مقصود باشد هم بعدد خودش
باید نوشت چنانچه اگر اسم جمال باشد سه عدد جیم باید نوشت

و این قسم باید خواند اقسمت علیک یا احمر بحق المریخ و بحق الالف
و ما فیهما من الحرارة و الیبوسة ان تصرع فلان بن فلان و هفت
نوبت باید خواند فصل در خواص حروف الجان و آن ده حرفست
که آنرا حروف جان گویند بجهت آنکه عمل از آن حروف ترکیب
باید کرد که آن اسما بر ناصیه بعضی از جنیان مکتوبست و آن بعد
اسقاط مکررات اینست | د ذ ص ض ف ق ک ل م و |
و این حروف عشره در وقت ترکیب اسما و اربعه سه حرفست
که مکرر میشود د سه بار ک سه بار ق یکبار و آن اسما اینست
دلفل دوم صدضد سیوم قفلک چهارم موک پس هر یک
این اسماء حروف با خود نگاه دارد از مضرت جن و علت
صرع و جنون و امثال آن محفوظ گردد و اگر بر طفلی ببندند
که در خواب بترسد آن ترس از او زایل شود و اگر درد دل کسی
قلق باشد چون این حروف را با خود نگاه دارد تسکین و اطمینان
بهم رساند من غایة المراد بدانکه کلامی و اسمایی چند که بر انبیا
علیهم السلام نازل شده که حضرت حق را بدان استدعا نموده الله
و دعا مستجاب میشد اینست چنانکه در صحف ابرهیم عم
اسم اعظم اینست ایلوا اولهیم ملکی اعزینا و باصطلاح یعقوب

ShivaDoc.com

اسم اعظم اینست ایل شدای مالخ ایلاهیم و در توریت موسی ع
اسم اعظم اینست آهیا شراهیا آذونی اصباوث و در زبور داود ع
اسم اعظم اینست طاب طابت حزیا باغفر آذونی واخواده
انجیل عیسی ع اسم اعظم اینست هیلاحیقیثا انغثا و در قرآن
مجید اسم اعظم اینست الله لا اله الا هو الحی القیوم عبارتنا
شیء وحسنك واحد ١٢ رمز مخفی بدانکه این رمزیست که در کتب
قدماء ومتاخرین نیست و در بعضی جا که واقع شده بنحویست که جز
بالهام یا باشاره عالی اهل فن معلوم نمیتوان نمود و این مخلص بی دو
پوشش او را بعاشقان صادق مینماید اما نه نهان که از نااهل مستور
ومخفی دارند و آن چنانست که از عدد ساعات سال و دقایق آن
عددی که در باب کبیس معروض شد استخراج باید نمود و چون
استخراج ساعات باب کبیس نموده شد زمام علم را بکف قدرت استاد
حروف مجمعه در کلمه تخت صطع نموده الهام وضع نمایند تا تجلی که
خواهد که عمل کند میسر شود و از جهت توضیح مثالی بیان نمائیم
اده لذ و ن ک ح ش ر ب ف ق خ ص ج ع س م ط ی
هی خده ل ن و ک ح ش ت ع ب ف ق ت ص ج س م ن ا
م ا ت د ه ل ز و ع ک ح ش ر ط ف ق ت ض ج د غ م

باسمه سبحانه وتعالی الله رحمن رحیم کریم منعم عظیم
قدیم علیم حلیم حکیم حنان منان دیان برهان
سلطان رضوان غفران سبحان مستعان مانع دافع رافع
صانع نافع سامع جامع شافع واسع موسع جلیل
جمیل وکیل کفیل دلیل قبیل مدیل منیل مقیل محیل
مومن مهیمن مکون ملقن مبین مهون ممکن متین
معلن مقسم علی وفی غنی ملی حی رضی زکی
بدیع قوی ولی مصور مقدر مدبر مطهر منور میسر
مبشر منذر مقدم مؤخر عاصم قائم حاکم راحم سالم حاکم
عالم قاسم قابض باسط احد واحد شاهد ماجد حامد
راشد باعث وارث ضامن نافع کافی شافی وافی معافی
هادی داعی قاضی راضی عالی باقی غافر ساتر قادر
قاهر فاطر کاسر جابر ذاکر ناظر ناصر حسیب طبیب
قریب رقیب حسیب منیب مثیب مجیب خبیر بصیر
سهل مفضل مبدل مذلل منزل منول مفضل مجزل
مجمل رب عفو غفور صبور شکور رئوف عطوف
سبوح ودود سبوح قدوس خالق رازق ناطق صادق

فالق فایق فائق لاحق سابق صادق بشار غفار قهار
جبار جبار ستار مختار فتاح نفاح مرتاح سمیع شفیع رفیع
منیع مریع بدیع کبیر قدیر خبیر مجیر شفیق رفیق حفیظ
محیط مقیت مغیث معین منزل مبدی معید معین امین
مبین متین مکین رشید حمید مجید شدید شهید فاعل
جاعل قابل کامل فاصل فاضل عادل عالب طالب واهب
اول آخر باطن ظاهر برهان فردوس صمد سرمد حافظ
بارئ خالق باذخ فالح کاشف ضامن امن ناهی مکرم
مطعم منعم معطی مغنی مقنی محیی مرضی منجی
مثبت مرغب مقلب معقب مرتب مخوف محذر منذر
منجی معز عزیز در ضبط اوایل این اسماء که در هفتر یک
ختم قرآن باید نمود این حروف ترکیب کرده اند که فمی بشوق
واعبارت از فاتحه است و نون از نساء و ی از یونس و با از
بنی اسرائیل و شین از شعرا و واو از والصافات و قاف از ق
القرآن المجید در تحفة المسترشدین آورده که ترتیب قراءت در ایام
هفته برین وجه سنت است و خلاف این بدعت از شیخ محیی الدین
اعرابی منقولست عدد حروف نام خود بحساب جمل بکیر دهم

جمع کند و بر بینه که از اسماء الله کدام اسم است که عدد حروف آن
بحساب جمل موافق اسم اوست آن اسم بر نسبت او اسم اعظمست
پس چون فاتحه و الم نشرح را هر یک بآن عدد بخواند بعد از آن اسم را
بهمان عدد بخواند و بعد از آن طلب حاجت کند مقصود بحصول
انجامد و اگر اسماء الله اسمی موافق نام خود نیابد دو اسم یا سه اسم
یا چهار اسم را جمع کند باهم تا موافق اسم او پیدا شود والله اعلم قاعده
آزموده برای دفع دردی که در اعضا پیدا شود و آن چنان باشد که
هر که را عضوی بدرد کند باید که معلوم کند که نام آن عضو بعربی چه
چیز است و حرف اول آن عضو بردارد و یازده حرفست که این
یازده حرف با آن حرف اول آن عضو ترکیب کند و بنویسد و
بر صاحب آن درد بندد شفا یابد و درین یازده حرف خواص
بسیار است و یازده حرف اینست اب ت ث ط ظ ف ک ل لا ی
و کیفیت ترکیب کردن آن چنانست که اول حرف یازده گانه بنویسی
و بعد از آن حرف اول آن عضو بنویسی و دیگر حرف دوم از یازده
گانه بنویسی و اول حرف عضو همچنین تا آخر چون تمام شود صاحب
درد شفا یابد انشاء الله تعالی و مثال این چنین باشد که مثلا برای
دفع درد چشم چون خواهی که بنویسی چشم را بعربی عین خوانند

ShivaDoc.com

اوّل حرفش عین است عین را برداره و نخست حرف اوّل یازده
کانه بنویسید بعد از آن عین را بنویسید همچنین شود که اع و دیگر
حرف دویم یازده کانه بنویسید پس ع بنویسید و همچنین تا آخر
حروف یازده کانه پس ترکیب اینچنین شود أعبَعُ تَعتَجُ طَقطعُ
كَمكَعُ لَعلَاعَنعُ والله اعلم مثال دیگر برای درد سر را بعربی
راس خوانند حرف اوّل این راست برداشته با حروف یازده
کانه ترکیب بکند بدین صفت شود که اَر بَر تَر ثَر طَر ظَر فَر کَر لَر
لاریَر و اگر برای درد پشت نویسد پشت را بعربی ظهر خوانند
حرف اول او ظاهر باشد با حرف یازده کانه ترکیب کند چنین شود
اظ بظ تظ ثظ خظ ظظ فظ کظ لظ لاظ یظ باقی برین قیاس میکند
و در این حروف سرهاست که هرکس فهم آن نکند و هو العلیم الخبیر
لا یعلم الغیب الّا الله هو الله العلیم در بیان مداخل و مخارج
حروف و کلمات مدخل عبارتست از اعداد جملی و مخارج از حروفی
که مطابق عدد مدخل باشد و مداخل دو قسم است یکی در بسط و یکی
در ترکیب و هر یکی را ازین دو قسم سه مرتبه است صغیر و وسیط
و کبیر مثلا مدخل کبیر در ترکیب ۱۰ آخرج ق و سیط آخرج ی
صغیر آخرج آ و این مثال از اضافه حروف بسط باید کرد که ق ی آ

هر

تعبیر خواب

هر اسمی که باشد مثال اینست که مذکور شد و بعضی علما هر کرا مهمی پیش
آید بایکه ده بار سورهٔ تبارک الذی بیده الملک از برای ارواح ده
احمد رحمهم الله بخواند آن مهم کفایت شود و نیز هر شکل بنا و ده
که مجربست الاسماء هذا احمد احمد احمد احمد
مختار علیم الم کبیر حام حبیب
احمد احمد احمد احمد احمد احمد قدّس الله ارواحهم
اسحق عباس حیان ادهم سبتی رونل
بدانکه تعبیر خواب علم شریفست حکما بزرگ به التماس دفع القرنین این
جدول را استخراج کرده اند با ثر بیست و هشت حرف ابجد بنهاده اند
چنانکه هر که فیل را بخواب بیند اوّل حرف فاست و بالیپ را بیند
حرف اوّل الفست علی هذا القیاس و تعبیر اینها درین جدول
نهاده شد و الله اعلم ا دلیل یافتن مراد باشد ب دلیل بر بلا
و رنج باشد ج دلیل بر شادی و فرح باشد د دلیل بر بزرگی
و سعادت باشد ه دلیل بر حصول کامها باشد و دلیل بر یافتن
مطلوب باشد ز دلیل بر تنگی احوال بود ح دلیل بر دشواری
کارها بود ط دلیل بر ظفر و راحت باشد ی دلیل بر جمعیت
خاطر باشد ک راست آمدن کارها باشد ل دلیل اخبار
از جیف باشد م دلیل بیرون آمدن از غم باشد ن دلیل
بر ضعف احوال بود س دلیل بر شرف و بلندی بود ع

طریقه خواندن ۹۹ نام

دلیل بر سعادت و دلخوشی بود ف دلیل بر پشیمانی و ستم باشد
ص دلیل بر تنگی احوال بود ق دلیل بر خوف امانت بود ر
دلیل بر شادی و خرّمی بود ش دلیل بر راستی امانت بود ت
دلیل بر رفتن مال از دست بود ث دلیل بود که تنگدل شود
از کسی خ دلیل بود بر عشرت و مال ذ دلیل بود بر قوت
و دولت ض دلیل بود بر زیادتی منصب ظ دلیل بود بر تباهی
احوال غ دلیل بود بر خیرات و امانت ۵ امّا بعد بدانکه این
عزیز که حضرت حق سبحانه و تعالی این نسخه را روزی کرده بدانکه
دولت دنیا و آخرت ترا داده است اگر بدین هفت عمل کنی این دعوت
بلا شک و ریب در هر مرادی و این هر برایست از حضرت حق سبحانه
در خواص نود و نه نام که این فقیر حقیر حاجی حسن ابو قرنی از
مردم در حاشیه تعلیم یافته اگر کسی تجربه کند بداند که یقین است
و این خواص مجلست در نود و نه نام و این فقیر بکرات تجربه کرده
امّا شرط اوّل خلوتست دوم از آواز مردم دوم بخور مناسب سیم
طهارت چهارم دو رکعت نماز گزاردن در رکعت اوّل الحمد یکبار
و سه بار آیة الکرسی بخواند چون سلام باز دهد روی بقبله بنشیند
و صد و یکبار نود و نه نام بخواند و اگر از برای دوستی و الفت خواند در آخر

کشادن مطلب

بگوید ای فلان بن فلان و القیت علیک محبة منّی و لتصنع علی عینی
الی آخر الایه و بگوید اللهمّ یا ربّ هذا الاسماء العظام اللّهمّ محقّق
فی قلب ۲۳ و اگر فراق میان دو دشمن یا دو حرام خواهد در
آخر بگوید یعنی در آخر بگوید یعنی در آخر صد و یک عوض که نود نه
نام خوانده باشد بگوید و القینا بینکم العداوة و البغضاء الی یوم
القیمة و بگوید اللهمّ فرّق بین ۲ ۳ و بین ۲ ۳ کما فرّقت بین
الارض و السّماء و کما فرّقت بین الثّلج و النّار و کما فرّقت بین
المشرق و المغرب حقّا لا یجتمعون ابدا بحقّ هذه الاسماء العظام
و اگر بجهت دست تنگی و بستگی امور خواهد بگوید ربّنا افتح
بیننا و بین قومنا بالحقّ و انت خیر الفاتحین و سوره اذا جاء نصر الله
بخواند و قدرت حق تعالی مشاهده کند که در همان روز کشایش فتح
پیدا شود و اگر بخت دختری بسته باشد یا کسی را بستگی باشد
برگشته عود خوانده و در زیر دامن آنکس بسوزاند که کشاده
یابد و اگر کسی بستگی باشد بهمین نوع عمل کند که فتح شود و در
هر امری شرط دعوت صد و یک بار است و بخور بوی خوش
در هر حال و اگر جهت دفع دشمن باشد در آخر دعوت سوره
الم تر کیف بخواند و بگوید اللّهمّ یا ربّ کما صرفت شرّ اصحاب الفیل

عن   فامرف شر هذه العدو عنی و اگر جهی باشد هذن الاعدآء
عنی بگویند و ابتدا خواندن نمودن نام خدای تعالی بهر مراد که دارند بخوانند
یامن هو انت الذی لا اله الا هو انت الله الذی لا اله الا هو انت
الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن الی آخره المسور
الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و اگر کسی مرضی داشته
باشد که بهیچ نوع علاج پذیر نباشد نودونه نام را بر صحن چینی
یا قلعی بنویسند بمشک و زعفران و گلاب و بآب بشویند و بعسل
شیرین کنند و بآتش گرم کنند و بخورد آن بیمار دهند المهر البشر
شفا یابد و اگر آن آب بر کفن مرده ریزند چون او را در قبر نهند از
عذاب قبر و تنگی لحد حضرت حق تعالی او را محفوظ دارد بفضل و
عنایت بی نهایت و اگر سوره فاتحة الکتاب با وی داخل کنند بنتیجه
کمال بود و اگر میان دو تن موافقت نباشد این آب ایشان را بخورد
البتر بصلاح آیند و بر هرچه خوانند و ایشان دهند تا بخورند البته
مراد یابند نودونه نام باری تعالی ۱۰۱ فاتحة الکتاب ۱۴۳ در خواص
سوره فاتحة الکتاب در نسخه دیگر که شرح الحمد در آنست یاد کردیم

الحکم حافظ حفیظ حمید حی حق حسیب حلیم حکیم حنان حامد
۶۸ ۹۹۸ ۹۰۹ ۹۹۸ ۶۲ ۱۸ ۱۰۸ ۸۰ ۸۸ ۱۷۸ ۱۰۹ ۵۳

باسمه سبحانه و تعالی بصیر الحکم حاکم عدل عادل لطیف
۳۰۲ ۶۸ ۶۹ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۲۹
خبیر حلیم العظیم اعظم شکور شاکر العلی عالی اعلی حفیظ
۸۱۲ ۸۸ ۱۰۲۰ ۱۰۱۱ ۵۲۶ ۵۲۱ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۱ ۹۹۸
مقیت حسیب جلیل اجل جمیل کریم اکرم الرقیب مجیب
۵۵ ۸۰ ۷۳ ۳۴ ۸۳ ۲۷۰ ۲۴ ۳۱۲ ۵۵
الواسع الحکیم الودود المجید امجد باعث شهید حق وکیل
۷۸ ۳۰ ۵۷ ۴۸ ۵۷۳ ۳۱۹ ۱۰۸ ۶۶
قوی متین ولی حمید محصی مبدی معید محیی ممیت
۱۳۷ ۵۰۰ ۴۶ ۶۲ ۱۴۸ ۵۶ ۱۳۴ ۶۸ ۴۹۰
حی قیوم واجد ماجد امجد واحد احد صمد قادر
۱۸ ۱۵۶ ۱۴ ۴۸ ۴۶۸ ۱۹ ۱۳ ۱۳۴ ۳۰۵
مقتدر قدیر مقدم مؤخر اول اخر ظاهر باطن والی
۷۴۴ ۳۱۴ ۱۸۴ ۸۴۶ ۳۷ ۸۰۱ ۱۱۰۶ ۶۲ ۴۷
متعالی بر تواب منتقم عفو رئوف مالک ذو الجلال
۵۵۱ ۲۰۲ ۴۰۹ ۶۳۰ ۱۵۶ ۲۸۶ ۹۱ ۸۳
ذو الاکرام ذو الکمال مقسط جامع غنی مغنی معطی
۷۹۹ ۶۲۹ ۲۰۹ ۱۱۴ ۱۰۶ ۱۱۰۰ ۱۳۹
مانع ضار نافع نور هادی مهدی مضل بدیع باقی
۱۰۱ ۱۰۰۱ ۲۰۱ ۲۵۶ ۲۰ ۵۹ ۸۷۰ ۸۶ ۱۱۳
وارث شهید صبور صابر سبحان سلطان حنان
۷۰۷ ۳۱۹ ۲۹۸ ۲۹۳ ۱۲۱ ۱۵۰ ۱۰۹
منان دیان برهان غفران خیر المن ذو الاحسان
۱۴۱ ۶۵ ۲۵۸ ۱۳۳۱ ۸۲۸ ۸۸۸
محسن موجود معبود مقصود مسجود شافی کافی
۹۵۸ ۵۹۰ ۱۲۲ ۲۴۰ ۱۱۴ ۳۹۱ ۱۱۱
وافی معافی مولی قدیم لله له ملک والملکوت
۹۷ ۴۱ ۸۶ ۱۵۴ ۶۵ ۳۵ ۹۰
بدان ای عزیز من که چون اسما و عدد اسما را در رقم آوردیم لازم آمد
که از برای دعوات اسما شرطی چند و قاعده چند در قلم آوردیم
تا منفعت بگیرد انشاء الله تعالی بدان اصل دعوت اسما دانستن

ترکیب اسماست و اما چون این قسم محصور بود بر دعوات اسما
ما نیز از جای دیگر در اینجا چیزی بیاوردیم تا مطالعه کنندگان را
موجب توهان نگردد و این قسم بر سه نوعست نوع اول دعوت
صغیراست نوع دوم دعوت متوسطست نوع سیم دعوت
کبیر چون معلوم شد که دعوت بر سه نوعست نوع اول را
بیان کنیم فرض کنیم که اگر شخصی یاد دهد نسخه را
که هر که این اسما از برای فلان مهم یکبار بخواند یا بیشتر از
یکبار مهم او بر نیاید آن شخص اگر هزار نوبت میخواند که آن
مهم بر نمی آید و اگر نیز بر می آید دیر بر می آید و از آن
می باشد که مهم خواننده آن اسم بر نمی آید در اعتقاد وی
خللی واقع میشود و چون در اسما خلل واقع می شود و در
اهل دعوت اسما هم اثر میکند و چون عدد اهل دعوت اثر
کرد در بارهٔ کامل مکمل که عبارت از قطبست و صاحب
دعوت بحق اوست انکار پیدا کند و تواجد کرده در دنیا
و آخرت و بر بودی وی حیران باشد که آن اسم را نمی خواند
و نمی داند که علت چه بوده باشد علت آنکه که مقلد محقق
نباشد و ملقد بانواع عجب محجوبست و نفسش آلوده باشد

و زبانش بلغو گفتن و حشو معتاد باشد و چشمش بفواحش
دیدن خو کرده و گوشش از اصوات مزامیر ملو و مشامش بروایح
قبایح مسموک و در دهنش از حرام معبا و دستش بخیانت محصی
صد هزار بار هر اسمی را که خواهد بخواند که از سببش عبود نداد
و گناه عظیمش آنست که از برای فسق و فجور ملازمت اسما
عفو میکند پس لاجرم حاجت ناپاک باسم پاک بر نیاید بلکه وبال
جان او گردد و هر چه خواهد عکس آن آید یا بد چون چنانست
پرهیز او واجبست و هر عفو پرهیزی هست و هر
اسمی شرحی موصوفست و لکن یک یک را بیان کنیم کاغذ سیاه
و مرکب بسیار و کاردان و استاد اهل کتابت درین معنی محصیر
و معترف کردند اما رمزی خواهیم گفتن تا اهل ذهن باندازه
دریافت از اینجا چیزی اخذ کنند و علم وی کرده و بدان
عمل کنند تا از عالمان عامل باشند والله الموفق اکنون حد پرهیز
سخنی چند خواهیم گفتن تا هر نایب که جویند با تمام دریابند
پرهیز اعظم این قسم آنست که هر چه خورد حلال خورد و کم خورد
اما پرهیز بر سه قسم است قسم اول از برای دفع دهم است
و آن کم خوردن و ترک حیوان کردن بیشتر میشود قسم دوم

ShivaDoc.com

دعوت متوسط و کبیر

ازبرای دفع شهوتست و آن بروزه و بجوانی و بکم خوردن
میسر میشود قسم سیم ازبرای شناخت حاصل کردنست و آن
بحلال خوردن و در تحت تصرف صاحب دعوت بودنست
والله اعلم آمدیم و در بیان دعوت گفته شد که بر سه قسمست
قسم اول صغیر است اقلش و اکثرش نزبار و بدعوت صغیر
وقتی کار میسر میشود که دعوت متوسط را بجای آورده باشد
و دعوت متوسط آنست که بعدد حروف اسما دعوت کند که اگر
اسم ده حرف باشد و یا کمتر یا بیشتر روز نیز بعدد حروف
می باید که باشد و قراءت نیز کند و بدعوت متوسط وقتی
کار میسر میشود که دعوت کبیر را بجای آورده باشد و دعوت
کبیر چنانست که بعدد حروف ایام بود و بعدد حروف بحساب
جمل قراءت باشد و هر کس که دعوت کبیر و متوسط و صغیر بجای
آورده باشد هرچه خواهد بدعوت ورد صغیر میسر شود انشاء
الله تعالی و بر پنهان داشتن عدد از واجباتست والله اعلم الرابع
دعوت آیات القران بدان این طالب فوایدکه اولیتر و بهتر که حرفی
زواید نکنی و عبارت از زواید آنست آیات متبرک را و اسما را از
برای مهمات دنیه نکنی بلکه چنان می باید که جز بکار آخرت ورد

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

نسازی و چون از معاش لابداست باید در آن کوشی که مضرت
خود را از خلق باز داری و مضرت از خلق خود را و خدا را موفق
و مسبب دانی و اسما او و آیات را و دعوات را نوشتنی و خواندنی
سبب دانی و از اینجا قیاس کنی که بعضی خلایق و جهال در
پناه بعضی از محتشمان و حاکمان می گریزند و اگرچه ایشان از
سبب و مسبب چیزی خبر ندارند اما مهم ایشان بر می آید اگرچه
باهانت بسیار و برنج روزگار و بآلودگی هرچه تملق و بهر رنگ
بودن با آنچنان کسان و اگر محتاج هم رنگ محتاج الیه بوجهی از
وجوه یا من جمیع الوجوه نگردد و ممکن نیست که حاجت او روا شود
و هرگاه محتاج هم رنگ محتاج الیه شود و بنقد مشترک گردد
اگر محتاج الیه را سبب نداند کافر گردد پس چون چنین است
و اولیتر آنست که محتاج هم رنگ اسما و آیات و دعوات گردد هر
مهمی و اراده که دارد برخی نیاز عرض نیاز کند و اسما و آیات
متبرکه را و دعوات را شفیع خود سازد تا آنچه مطلوب ویست
بعزت هرچه تمامتر و آسانتر یابد که طلب از عزیز عزیز آنست
و اگرچه دیر بر آید بذلت تری عزتست و از آن سبب در خواندن
اسما و آیات ثواب حاصل میگردد انشاء الله تعالی و چون

ثواب مضاعف شد درجات گردد و از درجات بیلت عنایت و توفیق
قرین قربت گردد و علامت آن بود که در نیت تغییر واقع شود و
چنانکه اگر در اول مطلوبش دنیوی بود اخروی گردد و اگر اخروی
بود خالص گردد و اینچنین بسیار واقع می شود والله الموفق
آمدیم در بیان دعوات آیات بدانکه دعوات آیات را جز بپاکی
و راستی نتوان کردن و اما اسما را اگر چنانکه دعوت کننده را
جنابت واقع شود توان و آیات را نتوان خواندن و دعوت کنندن
آیات وافی را باید که پیشتر بنماز مشغول شود و آن آیات را در
نماز بخواند و بعد از نماز مطلوب را قرین آیات کند و قایم مقام دعا
بخواند و هرچند که بعد از نماز بیشتر بخواند بهتر باشد و در آن
وقت که در جامه رود و سر بر بستر خواب نهد چندان بخواند که
در خواب رود و هرچند که بیدار گردد ورد بخواند چندانکه در
خواب رود و چون وقت صبح شود برخیزد و آیات را بنماز
حاجت بخواند یعنی اگر حاجتش مناسب شفع بود جفت خواند
و اگر مناسب وتر بود طاق خواند و چون نماز صبح گذارد تا
آفتاب بر آمدن ورد را بخواند تا حاجت وی بر آید و اگر حاجت
وی اخروی بود ورد کند شام و بامداد بدین نوع که گفتیم

و در نمازهای فرایض و سنن و نوافل و تطوع و در نماز حاجت
و روز جمعه بیشتر والله اعلم بالصواب آنچه بخاطر شکسته این
بیمقدار زاویه خمول و بی اعتباری حسین بن عقیلی رستمداری
خطور کرده و موافق مقاصد و مطالب اهل کمالست و کلمات فیض
آثار کرامت دثار الشیخ السعید سعد الدین الحموی دلالت بر آن دارد
اسم اعظم بر بان رموز و ایما لفظ مرکب از حروف حلق دایر و حروف
شفویست که در هر نفس و تضرع تکلم بآن از لوازم ذاتیه و از خواص
طبیعت است و الحق تقدیم حروف بر حروف منتهای مخارج بر وضع
طبیعی است و اشرف تراکیب متصوره در این وضع ثانیست و
عکس آن ترکیب بر عکس آن چه ترکیب اول موجب نجات و
فرح و سرور دارین است و ترکیب ثانی مستلزم نکبت و جزع
و مصایب و بر صاحبان رموز مخفی نیست که بینات حروفی اند
که بتکلم در می آید اما مکتوب نمیشود و ذبر آنست که مکتوب و
ملفوظ می شود مثل آنکه در لفظ هود زبر ه و او و د است
و بینات این آ او آل و هیچ دغدغه نیست که از غرایب و معنی
حروف بمنزله مجرد اند و ختم آن دایره حرف قوسی میشود
که اعظم و اشرف مراتبست و بنابرین اهل کشف گفته اند که آن حرف

ShivaDoc.com

خاتم ولایتست و از جمله خصوصیات حرف قوسی آنکه بیشتر او حرفیست
که عدد او واحد است و اول دایره و اول مرتبهٔ عالم حرفیست و هر کاه
زبر و بینات حرف قوسی بر ترتیب طبیعی باشد مقصود از و
ندا است و اکر منقلب سازند نیز چنین است چنانکه کویی یا زید
ای زید و لما حرف اول اسم اعظم حرفیست که در هر دم و در هر
آن چنانکه ایمایی بآن شد بر لسان هر حیوانی جاری میشود
و ابتدا و انتهاء نفس زدن بصورت او مخلوف شده و از حروف
آتشیست در مرتبهٔ دهم و بیّنهٔ اول و بواسطه اعتدال او در حرارت
تقدیم او بر حرف اول آتشی فرمودند و اکثر قوی شد که وجه
بصورت او واقع شده و کاه باشد که در رسم الخط صورت اصلی
او که دایره تامه است که اشرف و ابسط استکمالست بمدد دایره
موسوم سازند اشارة بآنکه در مرتبهٔ دویم است در غایت دهم
آنکه در هر نفس زدن و فرو رفتن و بیرون آمدن تکلم باو
ضروریست و آنکه در مرتبهٔ تعدد و اثنینیت ظهور او کامل دارد
اما حرف ثانی اسم اعظم حرفیست که در اکثر خواص موافق حرف
اولست و چون مخرج او انتهای مخارجست در مرتبهٔ ثانی واقع
شده و از دایره حروف حرف دوم بادیست و بمادهٔ بعد از آتشی

داو عکس و قلب ندارد چه قلب او بعینه اوست و مجموع عدد بیّنات
و زبر او سیزده است اشارت بسیزده تن است از صاحبان
ولایت یعنی نبی و دوازده امام صلوات الله علیهم اجمعین بر
صاحبان کشف و حال مستور نماند که سرّ و لم آنکه اسم اعظم مرکب
از حرف آتش و بادست غیر آن نیست که درین مرتبه متکلم بآن
حرف را غیر از مرتبهٔ عشق حقیقی و سوزندگی و بی تابی و
جنون عرفی مرتبهٔ دیگر حاصل نشود و از آنجهتست که خواص و
عارفان و عاشقان باین لفظ مداومت غلیند و متشرعان و
ظاهربینان بلفظ کریمهٔ الله چه در لفظ الله بصورت دو
حرف آتشی بود و حرف خاکیست و مواظبت عموم ناس بلفظ
الله از جهت مناسبت خاکیتست و از ینجاست که در عرف علم
در میان اسماء الله مدار اسلام بآن کلمه است و درین کلمه نفع علم
ظاهر کردد اما نفعش بطور حاصل شود چنانچه در تبهٔ خاکیست
و در اسم اعظم که فی الحقیقه او علم ذاتست و توحید بعرف عارفان
بآن حاصل شود و بس نفعش عموم ندارد اما خواص باندک وقتی
سریعًا قویًا نفع کامل و حظ وافی یابند و چون نزد عرفا
اظهار امثال این امور از جملهٔ عصیانست و از ناهل اخفا

نمودن از جملهٔ مفروضات حتمیه است در مقام توضیح و انکشاف
رموز خفیه این دو لفظ و سایر اسما واجبی تعالی شانه نشد
و بیش ازین خسارت نمودن ترک ادب و خلاف رسوم عرفا
بود و آنچه مزبان رمز و ایما اشاره شد بجهت الحاح و مبالغه
بعضی از خلص اخوان بود و اکر نه در بیان خواص حروف
و اسما بمجملات آن اکتفا بایست نمود چنانچه بعد ازین در همین
کتاب ریاض الابرار در بحث خواص اسماء الله و خواص
حروف بآن روش عمل نموده و از بیان مذکور اسرار بسیار
و نکات بیشمار که موجب سعادت دارین است بعد از نایقات
نظر معلوم شود مرد باید که بر تواند برد و دنر عالم پر از نسیم صبا
شرح سوره کریمه یس قال الامام العالم الفاضل الکامل
شیخ المشایخ قدوة المحققین عالم اسرار التنزیل شیخ سعد الحق
و الملة و الدین محمد الحموی رحمة الله علیه بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی رسوله محمد و آله اجمعین
اما بعد این چند کلمه ایست در بیان قرائت سوره کریمهٔ
یس و بعضی از خواص آن که بعد از استجازت از ارواح ائمه
هادین عم که مستخرجان علم جفرند مرقوم رقم بندهٔ ضعیف

سعد الدین محمد حموی کشته تا سالکان طریق الهی از اقدام آن
بمنتهای مرام خود واصل شوند و الله الموفق و المعین بدانکه سورهٔ
یس را خواص بسیار است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را
قلب القرآن خوانده و اکثر علماء جفر بر آنند که اسم اعظم درین
سوره است و مرویست که هر که بعد از نماز بامداد یس را بشرایط
بخواند کفارهٔ هفتاد ساله کناه صغیره است و در آن روز بمیرد
و اکر بعین حتوفیق خواندن نشود و شرط در خواندن این سوره
آنست که با طهارت روی بقبله در جای پاکیزه و لباس پاک و
بحضور دل بخواندن مشغول شود و بدانکه درین سوره سه موضع
محل اشارتست هر کس در آن مواضع مقصود خود در خاطر کذراند
بحصول پیوندد و این سه موضع را علماء این فن نبشته اند
در کتب مکو بطریق رمز و ایما که اکر آن اسرار را فاش کنند خلایق
بر آن اطلاع یابند کارهای عظیم کنند اشارت اول واقعست در
میان دو کلمه که حروف مجموع هر دو بعدد ابواب بهشتست و
کلمهٔ اول دو حرفست که هر یک بعد از دیکری تکرار کرده و کلمهٔ
دوم چهار حرفست غیر مکرر اکرچه یک حرف بودی در کلمهٔ اول تکرار
یافته است و حرف ثانی او ثانی حرف اول از کلمهٔ اولست در اعداد

ShivaDoc.com

وحرف ثالث بازاء حرف اول از کلمهٔ اولی است در مراتب تأثیر از
اعداد جمل و حرف رابع مثل مجموع حرف اولی و ثالث است والله اعلم
اشارت ثانی واقعست در سه کلمهٔ که حروف این سه کلمه بعدد ابواب
نیرانست و حرف اول و سابع متماثلند چنانچه ثانی و سادس
و ثالث و خامس و حرف رابع مرکز است من مجموع او و آن حرفیست
که بازبر و بینات مطابق حروف اسم اعظم است که اسم ذات عبارت
از وست و آن حرفیست که در شهر خاتم ولایت دارد و دایرهٔ حروف
بدان تمام میشود و از بینات او آخر باول می پیوندد و یک
علامت دیگر از وی آنست که آن عملکه از وی آید وقت انضمام
با کلمات از مطلوب بوی همان آید بی زیاده و نقصان والله
اعلم اشارت ثالث واقعست در پنج کلمه که مجموع حروف تمام
آن کلمات بعدد تمام ابواب مذکور است و یکی زیاده و غیر مکرر
بعدد حروف اسم اعظم مذکور است و حروف کلمتین که موقع
اشارت اولست بعینه بر ترتیب کلمه اولی و ثانیه غیر مرتب
درین کلمات مندرج است و عدد نقطها که درین کلماتست جمیع
جهات را احاطه کرده نصفی فوقانی و نصفی تحتانی و ظاهر است
که اسماء حسنی الهی یکی در اول و دو در آخر جلوه مینماید

تسلیمی

تسلیمی وی دو اسم باتفاق جمهور علما اندراج یافته که اسم اعظم
آنست و اسامی دیگر از ایشان استنباط میتوان نمود که بعضی از آن
مثل والمؤمن والحلیم است و باقی علی هذا القیاس و زیاده
ازین درین فن افشای این راز نکرده اند و تجویز ننموده
و ازین روشنتر تا غایت کسی بیان ننموده با وجود آنکه هنوز
از تصریح دور است و فهم بر حل این بیچاره مشغولیست ای عزیز
فرزند اگر نه غایت قابلیت تو باعث گشتی این را زقلم نبشتی
بایدکه دل را بصیقل اخلاص منور گردانی تا حال اسرار بر تو جلوه
نماید والله اعلم بعد از دانستن مواضع مذکوره هر چه خواهی
از منافع و مضار مشروع بر حصول آن قادر باشی ان شاء الله
تعالی و از اکابر ان فن مرویست که در وقت خواندن این
سوره سخن نگوید و با طهارت تمام روی بقبله بنشیند و بجای
جمع در محل اشارة مطلوب بخو الحرکت نماید و همت بر تحصیل
آن گمارد بیشک بمطلوب رسد انشاء الله تعالی که درین سوره
هفت بین است دو را در حساب نگیرند و آن عدد قبین و
خصیم بین است و پنج دیگر بخنصر دست چپ است ابتدا کنند بهر
لفظ بین انگشتی بعقد کرده و بر ابهام ختم کند و در گشودن

از ابهام بگشاید پس از خنصر پس از وسطی پس از بنصر و بر مسبحه
ختم نماید و در حین گشودن فاتحه و آیة الکرسی و قل هو الله احد
بخوانند و بعد از قرائت سوره یس این کلمات را بخوانند که سریع
الاجابتست سُبحانَ المُفرّج عَن کُلّ مَحزونٍ سُبحانَ المُنفّس
عَن کُلّ مَدیونٍ سُبحانَ مَن جَعَلَ خَزائِنَ عِلمِهِ وَحِکمَتِهِ
بَینَ الکافِ وَالنّونِ اِنّما اَمرُهُ اِذا اَرادَ شَیئاً اَن یَقولَ لَهُ کُن
فَیَکونُ فَسُبحانَ الّذی بِیَدِهِ مَلَکوتُ کُلِّ شَیءٍ وَاِلَیهِ تُرجَعونَ
و سه بار بگوید یا مُفرّجَ اللّهمّ فرّج همّی برحمتك یا ارحم الراحمین
این فایده بس شریف و کثیر الفواید و این حرز نیست نافع
در نهایت رصانت و خواص در دفع مکاره و بلوی و تحصیل
خصما و مکنت دوستان و آن معروفست بحرز فاتحة الکتاب فی
تسخیر القلوب و تیسیر المطلوب موصوفست و آن منقولست
از حضرت امیر حسین اخلاطی المصری رحمه الله و خواندن آنرا
نتیجه و فایده تمام است و آن بترتیب خوانند که منافع کلیتر دارد که
بیان قلم و زبان رقم از آن عاجز و قاصر است و آن هفت بخش است
در هر روزی یک آیه با دعا و ملکی که بر آن آیه موکلست و قوت
وی و تبع وی از آن حد ترقیست و بعد از ختم هر ورد خواندن

حرز الحمد

آیة الکرسی خوانند بر شش جهت خود و این دعا را بعد از ختم آیة الکرسی
خوانند که آیة الکرسی تُرسی وَاعتِصامی بالمُهیمِنِ وَتَوَکّلتُ
بالحَیّ الّذی لا یَموتُ وَکَفی بِاللّهِ حَسیباً والورد هذا یوم
الاحد ابجد بِسمِ اللّهِ الرّحمنِ الرّحیمِ اَلحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ
یا حَیُّ یا قَیّومُ اَجِب یا روقائیلُ سَمیعاً مُطیعاً بِحَقِّ الحَمدُ لِلّهِ
رَبِّ العالَمینَ الحَیِّ القَیّومِ وَبِحَقِّ المَلَكِ المُوَکّلِ بِقائِمَةِ
العَرشِ یوم الاثنین هوز ح الرّحمنِ الرّحیمِ یا رَحمنُ
یا رَحیمُ یا رَؤفُ یا عَطوفُ اَجِب یا غیائیلُ سَمیعاً مُطیعاً بِحَقِّ
الرّحمنِ الرّحیمِ الرّؤفِ العَطوفِ وَبِحَقِّ المَلَكِ المُوَکّلِ
بِقائِمَةِ العَرشِ یوم الثلثا طیکل مالِكِ یَومِ الدّینِ
یا مُقَلّبَ القُلوبِ اَجِب یا میکائیلُ سَمیعاً مُطیعاً بِحَقِّ مالِكِ
یَومِ الدّینِ المُقَلّبِ القُلوبِ وَبِحَقِّ المَلَكِ المُوَکّلِ بِقائِمَةِ
العَرشِ یوم الاربعا من سع اِیّاكَ نَعبُدُ وَاِیّاكَ
نَستَعینُ یا سَریعُ یا قَریبُ اَجِب یا جَبرائیلُ سَمیعاً مُطیعاً
بِحَقِّ المَعبودِ السّریعِ القَریبِ وَبِحَقِّ المَلَكِ المُوَکّلِ بِقائِمَةِ
العَرشِ یوم الخمیس فصقس اِهدِنَا الصِّراطَ
المُستَقیمَ یا قادِرُ یا مُقتَدِرُ اَجِبهُ یا عَزرائیلُ سَمیعاً مُطیعاً

بحق الهادی الی صراط مستقیم القادر المقتدر بحق الملک
الموکل بقائمة العرش یوم الجمعة شتنتج صراط
الذین انعمت علیهم یا حکیم یا علیم اجب یا صرفیائیل سمیعا
مطیعا بحق المنعم الحکیم العلیم و بحق الملک الموکل بقائمة
العرش یوم السبت ذصنطغ غیر المغضوب علیهم ولا
الضالین یا قاهر یا عزیز اجب یا شمسائیل سمیعا مطیعا
بحق المغضب القاهر العزیز و بحق الملک الموکل بقائمة
العرش و چون ورد هر روز تمام شود خاتم آن چنانست
که سوره مبارکه فاتحه را بخوانند تا مالک یوم الدین بعد از آن
سوره قل هو الله احد تا آخر سوره بخوانند بعد از آن این دعا
بخوانند که اللهم کما جمعت بین صفاتک ایاک نعبد و ایاک
نستعین تا آخر سوره ختم کند این اعتصام است و اختتام این که یا
حافظ یا ناصر یا معز یا اول یا آخر یا مبین یا ظاهر یا باطن
یا متین یا مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین
بسم الله ما شاء الله لا یسوق الخیر الا الله بسم الله ما
شاء الله لا یصرف السوء الا الله بسم الله ما شاء الله ما کان
من نعمة فمن الله بسم الله ما شاء الله لا حول و لا قوة

الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
که درینجا حروف مخفی بسیار است و این علم علم شریفیست که بر کنبد
کوبان مغرب نقش شده است و چون بندکان از آن کنبد بکرفته
و آمدیم بر سر مقدمات اگر خواهی که این علم را بعمل آری بیاور
کربه سیاه بی نشان و بس بر سر قبر کسی که خون بسیار کرده
باشد و آن کربه را سر از بدن بردار و خون او را در سر آن قبر
بریز چنانکه خون کربه میان قبر رود و از آن قبر یک جوال
خاک بردار که آن کربه را بجا دفن کنی و آن خاک را طبق دار
در کنج خانه بریز و هر دو چشم کربه را بیرون کند و در یک
چشم وی تخم بادام بکن و در چشم دیگر کتان بکن و در آن
خاک دفن کند و بالای او را هیکل بدهد و هفت روز آن را
بی آب داشته بعد از آن که هفت روز گذشته باشد بخون آدم
آب دهد و هفت روز دیگر بر بول خود تر کند و آن سر بعد
از بیگاه دیگر تخم پیدا و درخت دیگر بهم رسد و آن درخت
بار پیدا کند و بار او بعضی جفت باشد و بعضی طاق و بعد از آن
این تخمها را بر کیرد و کاسه سبزی بر کرده پر آب کند و آن
تخمها را در آن آب اندازد که بعضی تخم آب برود و بعضی بر روی

آب ایستد و بعضی بر یکدیگر سوار کردند و بعضی رنگارنگ شوند
و بعضی بر روی آب چرخ زنند و بر یکجا نه ایستد و آنچه در زیر
آب رود آن را بردارد و در دهن بکیرد و سه بار این دعا را بخواند
و بهر کجا که رود کسی او را نه بیند و این دعا مجرب است عقد
العین من جمیع الخلائق صم بکم عمی فهم لا یرجعون موج
مرطوج یحوج مر مخموج ابخ ابخ مر ما موج و آنچه بر روی
آب بایستد آن را بگیر و نرم بکوب و یک پیش دامنی در بر گیر و آن
تخم که کوفته بخور کن و بعد از آن هفت بار این دعا بخواند
و دست در میان پیش دامن کن هر چه بخاطر کذرانی بدست
تو آید بفرمان خدای و دعا اینست ارنوذاخ ارنوحاخ نونلخ
مرما مرطخ مرة مرمرخ اکما اکوا اکما الموم مرما مرطخ
ابخ آی ارغیش ارنیش مرجوج صی صی انت آه آه
آه آه آه و بعضی که همدیگر را زیر نهاده بود آن را بر دار
و نرم بکوب و شب چهارشنبه بکش و در میان دائره نشین
و از آن تخم اندکی بخور کن و هفت نوبت این دعا بخوان
و نام آنچه مطلوبت بین که بقدرت خدای تعالی آنچه مطلوبت
برآید و دعا مجرب اینست احرقت قلب فلان بن فلان

لهم الله مو توا اتم لحیاهم نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین
براءة من الله و رسوله الی الذین عاهدتم من المشرکین نوع دیگر
۱۵ در اخفا اگر خواهد که هیچکس او را نه بیند باشد پای کسی که مصلوب
باشد بریان و سرمه کرده در چشم کشد از نظر مردم نهان شود
۱۹ و کسی دیگر او را نتواند دید دیگر جهت پیدا کردن دزد دیده
که شده این کلمات را بطبقچه چوبین نویسد و سر میخ را بر آن
فرو کند و سوره یس بخواند تا بنام هر کس بگردش در آید آن
بر دمیاشد اینست نعماه ۹۲۳۴۸۱
یا بنی انها ان تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة
او فی السموات او فی الارض یأت بها الله ان الله لطیف خبیر
و میباید که در چهار جانب طبقچه اسم فرشته مقرب جبرئیل
و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل نویسد والله اعلم باب اقتباس
الدین فرموده که هر کس هفت روز روزه بگیرد و حیوانی نخورد
و هر روز چهل بار این اسماء را بخواند اینست یا فرد یا خبیر
یا شهید یا غنی یا لطیف یا غالب یا جبار یا فعال یا خلاق
روز هشتم این مهر را در زیر سجاده بگذارد و هزار بار یا
فعال یا خلاق بخواند و سجاده را بردارد و ببیند که از عالم

ShivaDoc.com

غیب هفت آقچه در زیر سجاده او باشد و جهل بار یا مُذهِبْ
یا اَسْوَدْ یا فعّال یا خلّاق بخواند و هر روز علی الاستمرار باذن
الله تعالی بیاید بعکر نشود امّا هر هفت را در هر ماه صدقه کنی
و از برای روح آقا شمس الدّین صد فاتحه بخوانند بعضی از عزیزان

این عمل کرده اند صحیح آمده مهر اینست
بسم الله الرحمن الرحیم کتاب ده جمله
اینست این رساله در شرح اسمی چند
از اسماء الله که از کتاب قبس بیرون
آورده اند تصنیف ابو العبّاس بونی رحمة الله علیه و این کتاب را
لمعات عشر میگویند ده جمله است هر جمله بر چند اسم چنانچه
ذکر میکند و خاصیت این یک یک بیان میکند و شرط عمل
بر این اسما آنست که چون حاجتی داشته باشد در این جملها
نظر کند و هر جمله که تعلق بآن حاجت دارد یک ساعت
زمانی مداومت بر آن جمله نماید در خلوت و اعتقاد درست
و صفا نیّت که حق تعالی مراد او بر آورد انشاء الله تعالی
جمله اوّل آن هشت اسم است هُوَ اللهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ الْاَحَدُ الْفَرْدُ الْوِتْرُ الصَّمَدُ آنست

٤١

آنست خاصیت این جمله آنست که چون مداومت کند بر آن اهل
غفلت را بیداری پیدا شود و طالبان مکاشفات را در کشف
بیفزاید و اگر بنویسد و بشوید و بیاشامد همین خاصیت
دارد بشرط مداومت جمله دوم و آن ده اسم است هُوَ اللهُ
الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَالِمُ الْعَلِیمُ عَلَّامُ الْغُیُوبِ الْمُتَکَلِّمُ
الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ الْحَافِظُ الْحَفِیظُ الرَّقِیبُ الْمُبِینُ الْحَافِظُ
الْهَادِی خاصیت این جمله کشف علوم است و از بهر زیادتی
حفظ علوم و از بهر زیادتی ذکا و فهم و عقل و از بهر
نشاندن سخن در خاطرها و حلاوت در سخن گفتن و هر کس
که برین جمله مداومت کند همیشه مقبول القول باشد و چون
خواهد که در خواب رود و فتن بجامه خواب رود و هر کس که
برین جمله مداومت کند از بلاها ایمن گردد جمله سیم و آن
هیجده اسم است هُوَ اللهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْجَمِیلُ
الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ اللَّطِیفُ الْحَلِیمُ الرَّؤُفُ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ
الْمُؤْمِنُ النَّصِیرُ الْمُجِیبُ الْمُغِیثُ الْقَرِیبُ السَّرِیعُ الْکَرِیمُ
ذُو الْاِکْرَامِ ذُو الطَّوْلِ الْمَنَّانُ خاصیت این جمله آنست
که خایفان را امنی حاصل شود و اهل وحشت و دهشت را

بغایت مفید باشد و اسیران و بندیان را خلاصی حاصل شود
و نفسها را از خوف و تلف نگاه دارد و اجابت دعا کند و
مظلومان را نصرت دهد و بر دشمن ظفر یابد و چون برین
جمله مداومت کنی مقبول الصوره و القول گردد و رزق
باسانی برسد و برکت در چیزها بیاورد جمله چهارم و آن
بیست و سه اسم است هُوَ اللهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَالِکُ
الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْکَبِیرُ الْعَلِیُّ
الْمُتَعَالِی الْعَظِیمُ الْجَلِیلُ ذُو الْجَلَالِ الْحَقُّ الْمَجِیدُ الرَّفِیعُ
الْغَنِیُّ الْمَلِیُّ الْوَاجِدُ الْوَلِیُّ الْوَالِی الْحَفِیظُ الْمُقْتَدِرُ الْمُعِزُّ
خاصیت این جمله هیبت است و دفع وسوسها و دفع غلبهٔ
شهوت و هر گاه در حضور متکبّران یاد کنند مهربان و مطیع
او گردند و از بهر حفظ و اذیتها بغایت مفید و مناسب
باشد خصوصا اسم حفیظ چون مداومت بر آن کنند و اسم را
تکسیر کنند و با خود دارند بدین صفت جمله پنجم و آن

ح	ف	ى	ظ	ظ	ى	ف	ح
ف	ح	ظ	ى	ى	ظ	ف	ح

سیزده اسم است
هُوَ اللهُ الَّذِی
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْقَدِیرُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ

٤٢

الْمُتَکَبِّرُ ذُو الْجَلَالِ الْقَوِیُّ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِینُ الشَّدِیدُ الظَّاهِرُ
الْقَهَّارُ خاصیت این جمله قهر کردن دشمنانست و غالب شدن
بر ایشان و خوف در دلها انداختن و شکستن لشکرها و گوینده
این اسم نزد مردمان معزّز و معظّم باشد و این جمله تفرقها را
جمع کند و مجمع از لشکرهای بیگانه متفرّق گردانند و دفع ظالمان
بکند و دلهای سخت نرم کند و هر حقیری که برین جمله مداومت
نماید رفیع القدر گردد و هر خواری که مداومت نماید عزیز
گردد و چون در شبهای تاریک در ساعت هفتم در خانهٔ
تاریک شود روی بر زمین بی حایلی بنهد و بیت ظالمی
بخواند و اسم الضَّارُّ الْمُؤَخِّرُ الْمُذِلُّ برین جمله اضافت
کند و در آخر دعا بگوید یَا شَدِیدَ یَأْخُذُ لِی حَقِّی مِمَّنْ
ظَلَمَنِی اَوْ بَغَی عَلَیَّ و نام آنکس ببرد که البتّه آن ظالم مقهور
گردد جمله ششم و آن چهارده اسم است هُوَ اللهُ الَّذِی
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَالِمُ الْمُرِیدُ الْمُحِیطُ الرَّبُّ الشَّهِیدُ
الْحَکَمُ الْعَدْلُ الرَّشِیدُ الْفَعَّالُ الْخَلَّاقُ الْبَارِئُ
خاصیت این جمله آنست که باسانی بر مقصود و مطلوب برسد
و تسخیر قلوب بکند و از آفت وسواس بکند و ذکرها و اندیشها

ShivaDoc.com

نایل کند ودفع غم وحزن بکند جمله هفتم وآن یازده اسم است
هُوَ اللهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمُحِیطُ الْوَاسِعُ الْبَرُّ الصَّادِقُ
النُّورُ الْبَدِیعُ الْمُبْدِعُ الْفَاطِرُ الْمُبْدِئُ الْمُعِیدُ الْمُغِیثُ خاصیت
این جمله آنست که در جامه خواب پاک رود وذکر بکند در
خواب صورت آنچه خواهد ببیند واین جمله زبان را از
دروغ وناشایستها گفتن نگاه دارد ودلها خلایق مهربان کرد
وتاریکی از دل ببرد جمله هشتم وآن چهارده اسم است
هُوَ اللهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ الْقَیُّومُ الرَّبُّ
الْقَائِمُ النُّورُ اللَّطِیفُ الْوَدُودُ النَّصِیرُ الْبَاسِطُ الْوَهَّابُ
الْفَتَّاحُ السَّابِعُ خاصیت این جمله آنست که دفع غم وحزن بکند
وچون این جمله سحرگاه یاد کند خصوصا این جمله اسم یا حی
یا قیوم یا لا اله الا انت ازبهر زیادتی رزق وجاه و
هیبت بغایت موثر باشد وهمچنین بعد از نماز صبح تا طلوع
آفتاب همین خاصیت دهد واسم اللطیف سرعت اجابت دهد
وازالت غم وکرب وسختیها جمله نهم وآن بیست اسم است
هُوَ اللهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ السَّرِیعُ الشَّاکِرُ
الشَّکُورُ الْحَمِیدُ التَّوَّابُ الْغَافِرُ الْغَفُورُ الْمُجِیبُ الْوَهَّابُ

الْجَوَادُ الْفَتَّاحُ الْمُعْطِی الْوَکِیلُ الْکَافِی الرَّزَّاقُ الرَّازِقُ
الْمُقِیتُ خاصیت این جمله تیسیر ارزاقست وتسهیل دشخوارها
وتسخیر هر کس که خواهد وکسی که با این جمله مداومت کند
البته حاجت او روا شود وگویند این جمله چون تمنای چیزی
کند یا چیزی در خاطر او بگذرد حق تعالی آرزوی او من
حیث لا یحتسب آورده کند واین جمله دفع فقر بکند ودفع
المها بکند جمله دهم وآن بیست وسه اسم است هُوَ اللهُ الَّذِی
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْاَوَّلُ الْاٰخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْمَلِکُ
الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الدَّائِمُ الْبَاقِی الْمُهَیْمِنُ الْبَرُّ الشَّافِی
الْمُعَافِی الْمُحْیِی الْمُمِیتُ الْقَابِضُ الْوَارِثُ الْجَامِعُ الْبَاعِثُ
الْمُحْصِی الْمُقْسِطُ الْحَسِیبُ الَّذِی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ
کُفُوًا اَحَدٌ خاصیت این جمله آنست که چون مداومت کند وطلب
که خود را در حالت قیام علو همت از نفس خود مشاهده کند
واین جمله دفع غفلت بکند وایمان زیادت کند وتقویت یقین
بکند ومنع ظالمان وامن از خائفان بکند واز مرضها والمها
شفا یابد وموجب دوام نعمت گردد وبقاء احوال واولاد حاصل
کند واز بهر کرکرده بغایت موثر ومفیدست والحمد لله رب

العالمین اولا وآخرا وصلی الله علی خیر خلقه ومظهر حقه محمد
وآله واصحابه اجمعین وسلم تسلیما بسم الله الرحمن الرحیم الحمد
لله رب العالمین والصلوة علی صاحب المعجزات محمد وآله
اجمعین اما بعد فهذا العمل لطیفة ربانیة من الحضرة الروحانیة
متشبثة بمطالب الانسانیة وهو ان تضع اسم الطالب اولا وتاخذ
مجموع عدد الجملی وتضع تحت اسم الطالب ثلثة مداخل بهذه
الکیفیة مدخل الکبیر مدخل الوسیط مدخل الصغیر وتضع
العدد الماخوذ من اسم الطالب تحت المدخل الکبیر واکتب تحت
هذا العدد الحروف المطابقة له ثم ترد عشرات اسم الطالب
مائة والوف الی الاحاد فالحاصل ضعها تحت الوسیط وتحته الحروف
المطابقة له ثم ترد عشرات العدد الموضوع تحت الکبیر والوسیط
کلا علی حدة الی الاحاد وتضع حاصله تحت الصغیر مع حروفه
والشرط ان یکون العدد المردود الیه من الکبیر والوسیط
متحدا فان اختلفا فهو دلیل علی الخطاء فی الحساب فیرجع الی
الحساب حتی یتحد ثم ابسط الحروف اسم الطالب مثل ان تاخذ
من اسم احمد من اوله الالف واللام والفاء هکذا الف ومن
الثانیة الحاء والالف هکذا حا ومن الثالثة المیم والیاء والمیم

هکذا میم ومن رابعة الدال والالف واللام هکذا دال فتضم
الی الحروف المبسوطة الحروف الموضوعة تحت المداخل الثلثة
علی الولاء ثم تضع تحته ثلثة مداخل علی نهج السابق ثم تاخذ الحروف
الحاصلة من الطالب والمطلوب مبتدئا بحروف الطالب وتسقط
التکرار وتجعله سطرا وتکسره تکسیر الصغیر حتی یظهر الزمام فکل
سطر من السطور المکسرة یکون فیه من هذه الالفاظ لفظة
کاسم بسم اشم بشم خم فانظر فیها فان کانت علی الاستقامة
کما ذکرت فخذ سبعة احرف مما بعدها فانه الاسم الاعظم وان کانت
علی الانعکاس هکذا الکم س امرس بسم ش ام ش بسم ش
ی فخذ سبعة احرف مما قبلها منعکسة وکل سطر یکون فیه لفظة
من الالفاظ العشرة وهی او عو طو ثا نو فی ها هو هی ها فادا کانت
مستقیمة فخذ اربعة احرف مما بعدها مستقیمة وان کانت منعکسة
فخذ اربعة احرف مما قبلها منعکسة وهذا الماخوذ هو اسم من
اسماء الاعوان فاجمع اسماء الاعوان المقبولة واترک المردودة
والمقبولة ما وافق حاصل عدده الجملی واحدا من الاعداد الموضوعة
تحت المداخل الاثنی عشر وههنا نکتة وهی ان کان الاسم الاعظم
مطابقا لواحد من الاعداد المداخلی فهو مقبول وان لم یکن

ShivaDoc.com

سنبل
بنفشه و زعفران و عود و عبش و سادج هندی و زر عود ف
و سندروس و پیه کو سفند ازان و تخم ترتیزک و چون خواندن
آغاز کند هیچ نوبت فوت نکند و کران چهل و یکبار بخواند
و اگر بیشتر خواند باکی نبود و در حال خواندن از حیوانی و
مجامعت و حرام و دروغ و غیره اجتناب نماید و بعد از
تمامی نصاب چون این سوره تنجیم کند بخورات مذکور بسوزاند
و تخم کرات در اندرون دایره بسوزاند ملوک اجنه حاضر آیند
چون میططرون و حالططرون و عبدالرحمن قرشیا و چهل
یک خلیفه اجابت کند و طریق تنجیم آنست که بعد از تمامی نصاب
بصحرای خالی بیرون رود سه دایره کشد بدین صورت
و در میان دایره این نام بنویسد یا خنیشا یا برخیشا و بکارد
فولاد در این دایره محکم کند و سوره قل اوحی هفده بار
بخواند همه حاضر آیند چون مراد حاصل شود در حال الحشر
لو انزلنا تا آخر سوره بخواند که متفرق شوند و خاتم و تلک
حجتنا تا الی صراط مستقیم و اخمار سوره اخلاص فهو الصافات
صفا الی فاتبعه شهاب ثاقب عقد آیة الکرسی قسم آمن
الرسول عهد قل اللهم مالک تا بغیر حساب از جمیع

تنجیمات این بهتر است زیرا که کلام الله است و خواستن آن خوفی
و خطری نیست و هم جنیان مسلمان و ارواح حاضر میشوند
و هر بار که سوره را بخواند باید که با وی متصل بگوید اجیبونی
و اطیعونی و احضرونی یا معشر الجن تمت الکلام بعون الله
فایده بدانکه وضع حروف بر هفت جدول نهاده شده جدول
اول حروف آدم ع که آنرا سفر آدم گویند و حروف اینست اب ت
ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و
ه لا ی و آدم نام ملائکه آسمان اول از این حروف بیرون آورد
و پیدا کرد که هر یک ملائکه چه نام دارد و بر چه موکلند و چند
روح است هر آسمانی و سفر را بر چهار فصل نهاده و هر
جدولی بجای خود یاد کرده شود و جدول دوم ادریس نهاده
و حروف او اینست ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع
ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ وضع سیم سیسه
هندی این را بطریقه ایقغ نهاد و بر اعداد و فق و آن در
سر فصل گفته شود و وضع چهارم امیر المؤمنین علی علیه الصلوة
و السلام نهاد و آنرا جفر جامع نام نهاد و ابتداء حروف هم
بر اب ت ث الخ کرده است که حروف سفر آدم بوده

خمیر اهم شد

و بسط حروف هم بدان طور کرده الا وضع عناصر بدین طریق
کرده و وضع پنجم امام جعفر صادق علیه السلام کرد و آنرا
خافیه نام نهاد و الا اعتقاد بر اهطمقند کرده بسط آن بر ۲
باب نهاده یکی را علم کتاب خوانند و یکی را تکسیر و ابتدا
وضع ششم رئیس الحکما ابو علی کرده و آنرا براج ه ب و ز د ح
ی ک س ح ل ص ن ث ط م ف ذ ع ر خ ش ض ض ع ح
ط ق و آنرا ۶ فصل نهاده اند و وضع ۷ خواجه ابو شمس مغربی
رحمه الله نهاده و ابتدای آنهم بر اهطمقند کرده که آن حروف
ابجد است ۳ فایده بدانکه سفر آدم کتاب آدم است و سفر بلغت
قدیم کتاب است و بلغت عرب نوشته و این علم را سفر آدم
گویند یعنی کتاب منزل بر آدم صفی ع و احتمال این معنی هم
دارد کتاب آدمیان جهت آنکه مقاصد بنی آدم از آن محصل است
از خیر و شر ۳ فایده از نسخه معتبر مستفاد شد که اگر شخصی
معمول به مذکر است حرف اسم مذکر را بسط کند و اگر مؤنث
است مؤنث چنانچه حرف الف حد مذکر احد و مؤنث احدی
و علی هذا القیاس اما در مذکر ثلثین و در مؤنث ثلثین
بسط باید کرد ۳

شخصی مواظبت نماید بر قراءة این اسم زایل شود از وی افکار فاسد و خیالات
ردیه و مالیخولیا و جنون و هر که بترسد از سلطان یا غیر او بحیثیتی که مشرف به
هلاک شده باشد باید که غسل کند و نماز نظر بکند بود و بعد از آن قراءة کند
این اسم را پنجاه مرتبه و در بعضی از نسخ هزار و هشتاد که بعد از هر نماز پنجاه مرتبه
بخواند به حیثیتی که هیچ احدی قادر نخواهد بود بر ایذای او و هموم و غموم و خوفش
زایل میشود ۶ از خصایص او اینکه اگر کسی خواهد که در مرتبه خود ثابت و
مستقر باشد بدون عزل باید که روزه بگیرد دو سه روز و قراءة کند این اسم را هر
روز بعد از نماز صبح ده مرتبه و سجده کند ثبات او را از جناب احدیت بعد
و انکسار تمام مسئلت نماید و اگر زیاد بر آنچه دارد باید تمام کند انگشتری از نقره
و نقش کند بر او این اسم را در شب بیست و هشتم ماه رمضان المبارک و در روی
که شمس در درجه شرف یا روز شنبه بوده باشد به حیثیتی که خلل عرضی بسد و
نصب و مالش ۷ از خصایص او اینکه اگر مخاصمه نماید با وزیر و حرس و اراده فراق
داشته باشد بنویسد این اسم را بر ظرف چینی یا بنیاد [illegible] تا باشد
[illegible] شود و اگر خواهد که باز آید احدی از خود [illegible]
باید که روزه بگیرد روز پنجشنبه و جمعه و شنبه و [illegible]

ShivaDoc.com

نماید در سر روز از جوانی به بهشتی که خدای عالمیان هدایت میکند او را و روزی
میفرماید از طاعات بلطف و کرمش دهم از خصلتها و اینکه اگر اراده عقد اللسان
احدی داشته باشد و بترسد از شر زبان او پس بیارد انگشتری از رصاص و نقش
بنویسد این اسم را با قلم حدید و در روی دیگرش اسماء مطلوبین را بنویسد و بگذارد
در شکم ماهی و دفن نماید در زمینی یا در نهری که مس نمیشود در حال زبان ایشان بسته میشود
یازدهم از خصلتها و اینکه اگر کسی دین بسیاری داشته باشد و از ادای آن عاجز باشد
روزه بگیرد دو هفته روز و در قراءة کند این اسم را هر روز هزار مرتبه بخواند و همچنین
اگر خایف اینکه از سلطان یا اراده رجوع بمنصب خود داشته باشد همین عمل را نماید
دوازدهم از خصلتها و اینکه اگر سحر او را کرده باشند نقش کند این اسم را بر هفت
جوش و بر اسم خود دارد سحر از و برطرف شود باذن خدای تعالی و همچنین برطرف میشود
از و جذام و برص و هرگاه مواظبت نماید این اسم را زایل شود از و فقر سیزدهم
از خصلتها و اینکه اثر بسیار از مواظبت او حاصل میشود چهاردهم اینکه هرگاه احدی
را حاجتی باشد و قضا نشود بنویسد این اسم را در پوست آهو بمشک و زعفران و
دفن نماید در خانه کسی که اراده حاجت از نزد او دارد و دو رکعت نماز بگذارد و قراءت
کند سوره الم نشرح بعد از فاتحه سه مرتبه و سجده کند بعد از فارغ شدن از نماز

و بعد از فاتحه سه مرتبه و سجده کند بعد از فارغ شدن از نماز و حاجت خود را طلبد
از خدای تعالی و بعد از آن قراءة کند این اسم را پنجاه مرتبه بنیت خالص قضا میشود
حاجت او بعون الله تعالی و فراخ میشود بروی رزقش و آسان میشود کارهای او و نفع
میکند این اسم در همه مقاصد پانزدهم از خواص او اینکه هرگاه شخصی بسته شده باشد
از زن خود و خلاصی از و ممکن نباشد بخواند این اسم را در یکشنبه روز ده هزار
مرتبه بنیت درست و یقین خالص که خلاصی یابد البته شانزدهم از خواص این در
موضع کفایت ذکر ندارد و اگر روزه بگیرد احدی سه روز بشرط عدم اکل حیوانی و
قراءة کند هر روز سیصد مرتبه و بعد از آن قراءة کند هزار مرتبه و وضو بسازد و دو رکعت
نماز بگذارد و بعد از آن قراءة این اسم را صد و بیست مرتبه و آنگاه طلب مقصود خود نماید
که عطا فرماید خدای عالمیان بکرم جود و از برای قاری حاصل میشود که قادر بر
اکثر امور شود هفدهم از خواص او اینکه اگر شخصی را قرض بسیار باشد و از ادای
او عاجز باشد و در تنگی و مشقت باشد و مرد کاری نباشد او را باید که مداومت
نماید برین اسم که بعنایت خدای تعالی اموال بسیار یابد و اگر قراءة نماید این
اسم را هر روز هفت هزار مرتبه مردی از رجال الغیب اسم اعظم تعلیم کیمیا
نماید از آن محتاج نشود ... و مستغنی شود از مردمان ...

هجدهم از خواص او اینکه اگر بنویسد این اسم را بر حریر سفید و بسپارد بشخصی که با مانی
دفن نماید حفظ کند خدای تعالی برکت این اسم مال او را و اگر تغیر در و بهم رسد و
دزد ببرد و اگر با میت دفن نماید متغیر نشود نوزدهم از خواص او اینکه اگر شخصی
غایب باشد و حال او را نداند و از و خبری نیاید باید که قراءة کند این اسم را در شب
چهارشنبه بنیت خالص بیست و پنج هزار مرتبه و بعضی گفته اند هفتاد مرتبه و در آن روز
روزه بگیرد و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از حمد سوره اخلاص را ده مرتبه بخواند و آیة
الکرسی را ده مرتبه و آنگاه سجده کند و در سجده صلوات بفرستد و قراءة نماید این
اسم را هزار مرتبه و بنویسد این اسم را بر پوست آهو بمشک و زعفران و در زیر سر نهد
و بخوابد که ببیند او را در خواب و خواهد دانست جمیع احوال او را و اگر گریخته باشد
همین عمل را بکند آن گریخته زود مراجعت نماید بیستم از خواص او اینکه اگر شخصی را
دوست دارد و او را اصلا نظری بتو نباشد این اسم را بمشک و زعفران بر پوست
آهو بنویسد و بخود بخور کند ... و قراءة کند این اسم را بیست هزار
مرتبه و باید که در این روزه باشی تا آنکه آن شخص مطیع تو شود بفرمان خدای تعالی
بیست و یکم هرکه اراده کند که مشغول شود در خانه پادشاه یا امیری و کار ...
که روزه دارد هفت روز قراءة کند این اسم را هر روز ده هزار و بیست و پنج مرتبه

بطهارت کامل و نیت صاف که مینماید عز و شرف و دلالت و اگر مواظبت نماید
بر قراءة این اسم اشیاء عجیب مشاهده کند بیست و دوم هرکه مواظبت نماید بر قراءة
هرکه مواظبت نماید برین اسم هر روز نود مرتبه منکشف گردد از برای علوم و تکلم نماید
در غیب و بدایع مکنونات و لطایف مصنوعات و خواص اشیاء و ما فی ... اراده نماید
بیست و سیم هرکه اراده کند که وزیر و صاحب حکم دیوان یا کاتب باشد ملازم
این باید باشد و مواظبت نماید که حاصل شود مرادش و دعوة این اسم است که
بخواند هزار و یکصد مرتبه و درین خواص بسیار است از جهة تحصیل علم و مال بیست و چهارم
اگر شخصی اراده نماید که نصرت یابد بر اعدا و هیبت باشد در چشم ایشان و معزز و
موقر باشد نزد ایشان و غیره باید که قراءة این اسم مداومت نماید بیست و پنجم
اگر احدی تاجر باشد و اراده ربح نماید در مالش باید که قراءة کند هر روز سیصد
مرتبه روزی بسیار یابد و مستغنی شود و عظیم و بلند شود شان او و مشهور شود
میان مردمان بیست و ششم هرکه قراءة و مواظبت نماید دو بیست هزار مرتبه
... نماید محفوظ ماند ... زبان و خوارش و روزی رسد باو و از دنیا که
مستغنی شود بیست و هفتم هرکه قراءة کند و مواظبت برین اسم برسد بمرتبه عظیم
... که در میان مردم مشهور گردد بیست و هشتم این اسم ... خصلت

ShivaDoc.com

و هر کرا محبوبی باشد و ملتفت او نشود بنویسد این اسم را بمشک و زعفران و بخور
کند در وقت نوشتن بنام او و مادرش و بگذارد که اعتذار او در شکاف دیوار در
پهلوی خانه او و بعد از آن قراءة کند این اسم را صد و شصت و پنج مرتبه و بعد از آن
انجا که دعوات اکر دور و اکر نزدیک باشد که اطاعت کند او را **سی و سوم** هر گاه دو
لشکر از برای جنگ آمده در برابر هم آیند بخوانند این اسم را بسیار که کار جمیع ایشان
و شر بهر طرف شود بشرط آنکه قراءة کند دعا بکر در کوشهای خود که از دشمن
نشوند و اگر اراده هلاک دشمن داشته هفت روز بخواند هر روز هزار و یکمرتبه
که دشمن هلاک شود و اگر امانتی نزد شخصی باشد و نه دهد باید که دو رکعت نماز گذارد
در رکعت اول فاتحه و سوره اذا زلزلت یکبار و در رکعت دوم الحمد و العصر یکبار
و بعد از سلام قراءة کند این اسم را صد و شصت و پنج مرتبه و طلب کند حاجت خود را
از خدای تعالی که قضا شود الیقرا المتکاثر و در آن روزه دارد **سی ام** در تسخیر عطارد
مدخلیت عظیم دارد هر که قراءة نماید این اسم را سیصد مرتبه بجز و طلب **سی و یکم**
در ازدیاد جاه و ترقی دخلی عظیم دارد اما بشرطی **سی و دوم** هر گاه اراده
رفعت و مرتبه علیه داشته باشد این اسم را هفت روز باشد و بخواند **سی و سوم**
هر گاه ... این اسم را و بشوید و بخورد صلاحیت ...

رمع صح

صفحه

و درین اسم تسخیر جن و کشف اسرار نیز حاصل شود **سی و چهارم** هر گاه احدی را
ضعف باشد و اطباء در علاجش عاجز باشند و معلوم نشود که ضعف او از چه چیز است
قراءة نماید داعی باسم او این اسم را بالاعداد روزی کند خدای تعالی او را صحت
و عافیت بکرم خود و هر کرا اکر معین شود از برای قتل شخصی نماید دعا کند در
خلوت هفت ... قراءة نماید این اسم را هفتاد و هفت مرتبه خدای عالمیان
نجات دهد او را از قتل و اگر احدی بر دیده باشد قراءة نماید این اسم را هفتاد
و پنج و ذشش نزار مرتبه در بیست که خلاصی میباید بتوفیق خدای تعالی **سی و پنجم**
داخل نکرده **سی و ششم** در تسخیر خلق تا ما بشرطی **سی و هفتم** از جهت
طلب امر هر شی باید خواند و اگر کسی این اسم بر کفن میت بنویسد آن میت مغفور شود
و اگر کسی مواظبت نماید بر قراءت این اسم مشهور و معروف شود در میان
مردمان **سی و هشتم** هر که اراده نماید خصوصیت سلاطین و وزراء و حکام
این را پس ملازمت نماید این اسم را و درین تسخیر مریخ حاصل شود و سبب
مواظبت برین اسم ایدا از سلاطین و وزرا رفعت رتبه و علو منزلت و قبول
باشند جمیع و فرمان بردار او و اگر کسی جهت آمرزش گناه نزد خدای عالمیان
... این اسم نماید خدا رحم نماید او را و یا ... **سی و نهم** که مواظبت

نماید برین اسم چهل روز و بعضی گفته اند نود و نه روز و قراءة کند هر روز ده
مرتبه پس هر گاه تمام شود این ایام حاصل شود تا ... از خواص همه
خاصیت که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد و خطور نکرده باشد
در دل هیچ بشری و درین اسم عقدة اللسان نیز هست باین نحو که روزه بگیرد روز
وجهه نماید و قراءة این اسم پس آخر نماید رشته را و گره زند بر آن رشته هفت گره
و قراءة نماید بر هر گره این آیه را یا معشر الجن و الانس الا بسلطان و بعد
و داخل نماید این رشته را در شیشه و سر شیشه را محکم نموده دفن نماید مطلوب حاصل
اسم چهلم هر گاه اراده شخصی در دست ظالمی گرفتار شود که منظنه هلاک بوده باشد
و عاجز شود از استخلاص باید ملازمت نمود برین اسم اعظم هر روز نود و نه مرتبه
تا خلاصی یابد این اسم بدعوة الغیاث هر که قراءة نماید این اسم را چهل روز کشف
میشود از برای او ارواح و می بیند مکان خود را در بهشت قبل از موت ...
و باید در همه اینها شرایط مذکوره سابقه رعایت شود که در اجابت مدخلیت
تمام دارد ... فی کل ذلک **فصل** در ذکر حرز ...
از بزرکان دیگر طریق ناد علی و اعظم ... مذکور است اللهم ...
و منازله ... ناد علیا مظهر العجایب تجده عونا لک ...

وصل شریف

الرزاق ... کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی یا ابا الغیث
اغثنی و یا علی علیک ادرکنی بحق محمد و عترته الطاهرین **فصل** در ذکر
حرز احتجاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و طریق قراءة کردن این حرز موافق
انچه که از خط ثالث المعلمین میر محمد باقر الداماد رحمه الله نقل شده اینست که هر روز
سیزده و چهارده مرتبه بجهة مهمات کلیه و جزئیه بخوانند چون تسخیر ملوک و دفع
دشمن و دوستکامی و عزت پیش سلاطین و حکام و طلب فیوضات روحانی
یافتن مال دنیائی و کشف کنوز و هر نوع مهمی که پیش آید اثر و فواید آن ظاهر
شود و فواید این حرز بسیار است و بزرگان این حرز را سیفی گوچک گفته اند
و هر نوبه که حرز را چون بتقدیم الکامل رسد این اسم را بخاطر آورد و ذکر یا خالق
من فی السموات و الارض کل الیه معاده و بعد از آن مطلوب را قصد کند
و این دعا را بخواند که اللهم سهل بفضلک یا وهاب و بکند و توقف بلفظ
جنتهم الله و سیف القاتل اعداء را بخاطر آورد و این دعا را بخواند اللهم
شتت شملهم و فرق جمعهم و قلب تدبیرهم و خرب بنیانهم و بدل احوالهم
... حالهم و اقطع ادراجهم و اشغلهم بابدانهم و انفسهم و خذهم اخذ
عزیز مقتدر یا قهار ... یا ...

ShivaDoc.com

دفع دشمن

کرده نیز موضع بجهة دفع دشمن هفت مرتبه این ایه را بخوانند کتب الله لاغلبن
ان الله قوی عزیز و چون باللهم یا غالبا رسد مطلوب را قصد کند و بگوید الهی
کفی علمک عن المقال و کفی کرمک عن السؤال حرز این است بسم الله الرحمن الرحیم
احتجبت بنور وجه الله القدیم الکامل وتحصنت بحصن الله القوی
الشامل ورمیت من بغی علی بسهم الله وسیفه القاتل اللهم یا غالبا
علی امره ویا قائما فوق خلقه ویا حائلا بین المرء وقلبه حل بینی و
بین الشیاطین ونزغه وبین ما لا طاقة لی به من احد من عبادک و
کف عنی السنتهم واغلل ایدیهم وارجلهم واجعل بینی وبینهم سدا
من نور عظمتک وحجابا من قوتک وجندا من سلطانک انک حی
قادر اللهم اغش عنی ابصار الناظرین حتی ارد الموارد واغش عنی
ابصار النور وابصار الظلمة حتی لا [illegible] من ابصارهم یکاد سنا
برقه یذهب بالابصار یقلب الله اللیل والنهار ان فی ذلک لعبرة
لاولی الابصار بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص حمعسق کماء انزلناه
من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح
هو الله [illegible] عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم

بجبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل ملک الموت والکروبیون وحملة
العرش واعتصمت بالله الذی اعتصم به الملائکة الذین حول العرش
یسبحون بحمد ربهم ویقدسون بعزة ملکوته واعتصمت بالله الذی لا اله
الا هو الذی اعتصم به ادم والنبیون والصدیقون والشهداء واعتصمت
بالله الذی لا اله الا هو الذی بیده ملکوت کل شیء وهو علی کل شیء وکیل
وهو ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک بما اعتصم به اولیاءک واهل
طاعتک اجمعین من اهل السموات واهل الارضین ان تصلی علی محمد وال محمد
وان ترزقنی ایمانا وامانا وعافیة فی الدین والدنیا والاخرة واصرف
عنی شر کل ذی شر یا واسع المغفرة ویا ارحم الراحمین ولا حول ولا قوة الا
بالله علیه توکلت وهو رب العرش العظیم حسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی
ونعم النصیر وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین الطاهرین بسم الله
الرحمن الرحیم یا حنان یا منان یا دیان یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام
اشهد ان کل معبود من دون عرشک الی منتهی قرار الارضین باطل دون
وجهک الکریم امنت بک لا اله الا انت یا غیاث المستغیثین اغثنی
[illegible] نجنی من سخطک فارحم عنی [illegible] جمیع خلقک یا ذا الجلال والاکرام

وصلی الله علی سیدنا محمد واله اجمعین بعد از ان شروع در [illegible] کند و شروع
نیز کان انست که پیش از دعوة بیست و چهار فاتحه و چهل و یک نوبت بگوید اللهم
ایاک نعبد وایاک نستعین وصد بار بخواند وافوض امری الی الله ان
الله بصیر بالعباد و ده نوبت بگوید اللهم صل علی محمد وآله وسلم بعد از ان
بجهة دفع دشمن این حرز یمانی را بخواند اختتام سبع بار از ده مرتبه
تحصنت نفسی بالحی القیوم ودفعت عنی السوء بلا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم این تسبیح را هر شب یا بیست [illegible] بخواند سبحان الله
القادر القاهر القوی العزیز الجبار المتکبر الحی القیوم لا معین لا
ظهیر این اختتام را سه مرتبه بخواند اللهم انک قلت ادعونی استجب لکم
انک لا تخلف المیعاد اللهم فرج همی واکشف غمی واهلک عدوی
واقض حاجتی برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از ان سه مرتبه بگوید لا اله الا الله
محمد رسول الله علی ولی الله حقا بعد از ان یک بار بخواند اللهم تفضل
علی یا محسن الی وکن لی انیسا ولا تکن علی اللهم یا لطیف اعتقنا
وادرکنا بخفی لطفک الخفی الهی کفی علمک عن المقال وکفی کرمک عن
السؤال یا اله العالمین ویا خیر الناصرین برحمتک استغیث و علیک

دفع اعدا

توکلت اللهم بحق سر هذه الاسماء وبحق کرمک الخفی وبحق اسمک
العظیم الاعظم ان تقضی حاجتی وتهلک عدوی وتوصلنی الی مرادی
وتدفع عنی شر جمیع عبادک یا ارحم الراحمین بعد از ان بگوید اللهم صل علی
النبی الامی وآله وازواجه امهات المؤمنین وذریته واهل بیته
کما صلیت علی ابراهیم وال ابراهیم انک حمید مجید اللهم انزله المقعد
المقرب عندک یوم القیامة بعد از ان بگوید اللهم انی اسئلک ان تسخر لی
الجن والانس سیما صلحائهم لیعینونی علی ما ارید منهم من حوائج الدنیا
ومناهج الاخرة برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی خیر خلقه ومظهر
لطفه محمد واله واولاده اجمعین الطیبین الطاهرین بجهة دفع اعدا این را بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم منزل الکتاب فی هازم الاحزاب وسریع
الحساب اللهم شتت شمل اعدائی فلان وفلان وفرق جمعهم
وزلزل اقدامهم وقلب تدبیرهم وخرب بنیانهم وقرب اجالهم
واقطع ارزاقهم وقصر اعمارهم واشغلهم بابدانهم وبیض عیونهم
وسود وجوههم واصفر الوانهم واهلکهم کما اهلکت ثمود وعاد وغرقهم
کما اغرقت فرعون وخذهم اخذ عزیز مقتدر یا من هو الغالب [illegible] فانتصر

اللهم انی لا احسن شیئاً من التدبیر یا دلیل الحائرین دل حیرتی الله
یا الله یا الله یا حلیم یا عظیم یا علیم یا کریم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال
والاکرام یا مالک یوم الدین یا دیان یوم الدین یا مالک الملک تولنی
باحسن التدبیر و خر لی من جمیع الامور برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم
اجعلنا من عبادک الصالحین و من خواصک المقربین الهادین المهتدین
انزلنا حظیرة قدسک مع اهل انسک من الانبیاء و المرسلین و اختم لنا
و لامة محمد صلی الله علیه و آله و سلم بالخیر آمین برحمتک یا ارحم الراحمین
[illegible] دعا که شیخ ابو علی سه مرتبه بگوید سبحان الله القادر القاهر یا علی یا عظیم
[illegible] جای جمیل ازین دو سه نوشته دوم سه مرتبه بگوید اللهم انک قلت ادعونی [illegible]
تخلف المیعاد سیم اللهم تقبل دعائی فی قضاء حاجتی بحق کل اسم هو
لک ظاهراً و باطناً و بحق اسمک المکنون فی القرآن و بحق اسمائک فی
کل کتاب منزل لم یحضر فی السماء اهیا شراهیا اذونای صباوت [illegible]
عظمتک یا الله [illegible] یا رب [illegible] یا حی یا قیوم [illegible]
این دعا بخواند یا بدیع السموات والارض لا اله الا انت وحدک لا
شریک لک بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم حمعسق

وهو دعاء ادریس ع ودها رفع الله مکاناً علیاً و فضلها لا یحد و لا یستقصی خواص
لا تعد و لا تحصی لکن ینبغی للمبتغی فوائدها والناهل من مواردها ان یکون مستعد
الحال متحلی بخصال اولها ان یعتقد ان الخواص المذکوره لهذه الا
سماء حق و ما ذکره من فضایلها صدق ان لروحانیتها القدره
علی تحصیل مطالب و انجاح مآرب لانهم متی احسنوا ابتوهم عجز فی حقهم لم یجیبوا
دعوته و لم

الاسم الاول سبحانك لا اله الا انت يا رب كل شيء ووارثه من قراه عند مقابلة السلطان سبع عشرة مرة ويمسح بيده وجهه احبته وقضى حاجته واذا تلا عشرين نهارا كل يوم مائة مرة وقت الصبح على الرزق رزق تاليه ذهنا وقادا بحيث يفهم الامور الغامضة واذا صام الجمعة وقراه مائة مرة وقت الصبح شفاه الله من كل سقم ومن قراه يوم الخميس مائة مرة بعد صلوة ركعتين يقرا فيهما مائة اية من القران قضى الله حاجته ومن واظب عليه نور الله قلبه الاسم الثاني يا اله الالهة الرفيع جلاله من قراه عشرين يوما كل يوم خمسين مرة اغناه الله عمن سواه واحبه من راه ومن قراه على ماكول واطعمه لمن احب احبه ومن جعل له وردا يقراه كل يوم حصل على كنز علم او مال

الاسم الثالث يا الله المحمود في كل فعاله من اغتسل يوم الجمعة ولبس احسن ثيابه واطهرها وكان في موضع خال في الجامع وقراه بعد صلوة الجمعة بصدق نية واخلاص مائة مرة قضيت حاجته مهما كانت ومن قراه قبل ان يفعل فعلا عشرا ثم فعله جاء في غاية الجودة وان تلاه سقيم سبعة ايام على الريق برئ من مرضه اسم الرابع يا رحمن كل شيء وراحمه من كتبه على خرقة حريرة بيضاء وكتب اسمه واسم امه ثم دفنه في مقابر مائة حفظه الله ومن صام ثلثا تباعا وقرا الاسم كل يوم خمسمائة مرة ثم يدخل الحمام في الرابع فاذا اغتسل وخرج كتبه في كف اليمنى ولطخه ثم يفتح عند مقابلة من يريد محبته وصداقته يكون ذالك ان شاء الله وان مسح بيده المكتوبة كان اوكد للمحبة وابلغ اسم الخامس يا حيا حين لا حي في ديمومية ملكه وبقائه من كتبه في انية صيني بمسك وزعفران وغسل بماء ورد وشكر ونبات وسقاه لمريض عوفي ومن قراه ثلثمائة الف مرة لم يمرض ابدا وكذا من شربه على صحته اسم السادس يا قيوم فلا يفوت شيئا علمه ولا يؤده من قراه اربعين يوما

يوما كل يوم سبع وعشرين مرة قبل الصبح بنية خالصة زاد فهمه ولم ينس شيئا حفظه ومن قراه وجود على جوحى القرائة امن من اللص ومن قراه ليلة الاثنين والشمس في برج الجدي مائة وعشرين دل في منامه على الرزق السابع يا واحد الباقي اول كل شيء واخره من اغتسل وقت الظهر ثم صلاها وقرا هذا الاسم خمسين مرة امنه الله ممن يخافه ويعافيه الله من الوسواس والافكار الردية الاسم الثامن يا دائم بغير فناء ولا زوال لملكه

الاسم التاسع يا صمد من غير شبيه ولا شيء كمثله

الاسم العاشر يا بار فلا شيء كفوه ولا مدانى لوصفه

الاسم الحادي عشر يا كبير انت الذي لا تهتدي العقول لعظمته

الاسم الثاني عشر يا بارئ المنشئ بلا مثال خلا من غيره

الاسم الثالث عشر يا زاكي الطاهر من كل افة بقدسه

الاسم الرابع عشر يا كافي الموسع لما خلق من عطايا فضله

الاسم الخامس عشر يا نقي من كل جور لم يرضه ولم يخالطه فعاله

الاسم السادس عشر يا حنان انت الذي وسعت كل شيء رحمته

الاسم السابع عشر يا منان ذا الاحسان قد عم الخلائق منه

الاسم الثامن عشر يا ديان العباد فكل يقوم خاضعا لرهبته

الاسم التاسع عشر يا خالق من في السموات والارضين وكل

الاسم العشرين يا رحيم كل صريخ ومكروب وغياثه ومعاذه

الاسم الحادي والعشرين يا بار فلا تصف الالسن كل جلال ملكه وعزه

الاسم الثاني والعشرين يا مبدئ البدايا يا من لم يبغ في انشائها اعوانا من خلقه الثالث والعشرين يا علام الغيوب فلا يؤده من شيء حفظه الرابع والعشرون يا معيد ما افناه اذا برز الخلائق لدعوته من مخافته الخامس والعشرون يا حليم ذا الاناة فلا شيء يعادله من خلقه السادس والعشرين يا محمود الفعال ذا المن على خلقه بلطفه السابع والعشرين يا عزيز المنيع الغالب على امره فلا شيء يعدله ثم اراد كسر عدوه فليقراه دبر مقابل احدى و سبعين مرة ويتفل على عدوه فان اعداءه ينهزمون ويقول عند قرائته اللهم عطل حراستهم حتى لا يقدروا على شيء الثامن والعشرين يا قاهر ذا البطش الشديد انت الذي لا يطاق انتقامه قيل هذا الاسم مكتوب على جبهة عزرائيل وله ستة وستون خصية ونرجه طويل ومن كتب بصحن صيني بمسك وزعفران وغسله وسقاه لمحموم زال واذا قرئ على عسكر العدو ثلثمائة وسبعين مرة وتفل على عدو فانه ينهزمون ويقول اللهم فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي برحمة منك يا ارحم الراحمين ومن صور صورة من شمع احمر على اسم عدوه وقرا الاسم سبعة ايام كل يوم الف مرة اهلك الله

عدوه واذا اراد تمريضه فليكن الشمع اصفر ويقرا عليه الاسم كما قلناه على الشمع الاحمر التاسع والعشرون يا متعالي القريب في علو ارتفاع دنوه الثلثون يا جبار المذلل كل شيء بقهر عزيز سلطانه الحادي والثلثون يا نور كل شيء انت الذي فلق الظلمات نوره الثاني والثلثون يا قدوس الطاهر من كل سوء ولا شيء يعدله الثالث والثلثون يا قريب المجيب المتداني دون كل شيء قربه الرابع والثلثون يا عالي الشامخ في السماء فوق كل شيء علو ارتفاعه الخامس والثلثون يا بديع البدايع ومعيدها بعد فنائها بقدرته السادس والثلثون يا جليل المتكبر على كل شيء فالعدل امره والصدق وعده السابع والثلثون يا مجيد فلا يبلغ الاوهام كل ثنائه ومجده الثامن والثلثون يا كريم العفو العدل انت الذي ملاء كل شيء عدله التاسع والثلثون يا عظيم ذا الثناء الفاخر والعز والكبرياء فلا يذل عزه الاربعون يا عجيب فلا تنطق الالسن بكل الائه وثنائه

۷۸ برگ

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تأسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی

ShivaDoc.com